

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

مبارزه ضد امپریالیستی
از مبارزه برای دموکراسی
جدانیست

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

صفحه ۲۰

چهارشنبه ۱۸ آذرماه ۱۳۶۰

سال سوم - شماره ۱۳۹

خمینی با تمام توان، در جهت پاسداری از سرمایه

زمینداران ما در شده است. هر چند تا کید روشن خمینی بر جلوگیری از هرگونه تعرض به اموال و املاک محترم و همچنین ما بر - فرامین و سخنان او چون جلوگیری از اجرای بند "ج" و تا کید فراوان بر جلوگیری از "کارهای افراطی" و بخصوص هرگونه "تقسیم املاک و معا دره اموال" و ... دیگر بخوبی - چهره او را در حفاظت از سرمایه به داری روشن ساخته است اما کما فیست آنان که کوچکترین شبهه ای نیز در اندک تا بدفرمان خمینی در جهت جلوگیری از اعمال و احتیاط نه سرکوب - گرانه ارگانهای سرکوب، تعرض به مال و ناموس نموده ها، تفتیش و خانه گردی و ... ما در شده است میثاق تند به بخشا - "دادستان کل انقلاب" که درهما نرو زما در شده است مرا جمه کنند. در این بخشا مه - آمده است در مورد متهمین غیرگروهک های محاربه با افرادی که از ایشان با قرارهای نامین وثیقه و کفالت امکان پذیر است -

بقیه در صفحه ۱۶

خمینی در فرمانی به تاریخ ۱۶ آذرماه که خطاب به شورای عالی قضا شو دادستانی انقلاب ما در شده دستور داده است که "افراد غیرمسئول و احتمالا از گروه های منحرف و گاهی مقامات مسئول" که برخلاف مقررات اسلامی و قانونی متعرض اموال و املاک -

محترم مردم میشوند و بطور سر خود به تقسیم املاک و معا دره اموال اشخاص میپردازند و گاهی به منازل اشخاص بدون مجوز شرعی و قانونی وارد شده آنان را جلب می نمایند و اگر شخصی مورد نظر نباشد بندگان وزن - و فرزند او را جلب میکنند و گاهی به بهانه - ها بی هتک آبرو و حیثیت اشخاص را - مینمایند و با این اعمال غیر شرعی هتک جمهوری اسلامی و مقامات قضایی را میکنند باید احقا روپس از اثبات جرم به مجازات برسند" (نقل از متن پیام ۱۶ آذر خمینی تا کید از زمان است) کما ملا "روشن است که این فرمان در جهت حراست هر چه بیشتر از سرمایه و پاسداری از مالکیت سرمایه داران و -

سرمقاله

دموکراسی پیگیر و ولتری و نایبگیری دموکراسی خرده بورژوازی

نزدیک به شش ماه از شکل گیری اختلاف سیاسی معاهدین خلق با لیبرالها و تشکیل شورای ملی مقاومت میگذرد. این شوا در نخستین روزهای شکل گیری خود به - برنامهای اصلاحی بورژوازی تحت عنوان - "میثاق شورای ملی مقاومت" عرضه داشت. در تاریخ هفتم مهرماه ۱۳۶۰ با ردیگرا از سوی مسعود رجوی یکی از رهبران سازمان معاهدین خلق و مسئول شورای ملی مقاومت برنامهای اصلاحی "میثاق" تحت عنوان "برنامه دولت موقت جمهوری دیموکراتیک - اسلامی" بعنوان وظایف فوری این دولت، اعلام شد.

این برنامه که از بسیاری جهات نسبت به میثاق بورژوازی فرمیستی شورا کام به جلو محسوب میشود، بسیار نگران و اطمینان است که معاهدین خلق کوشیده اند تا حدی خود را از زیر بار میثاق فرمیستی میثاق - برهانند، با این وجود هنوز مهر نشان - میثاق در برنامه که خود آنها را اشتلاف معاهدین خلق با لیبرالهاست بوضوح دیده میشود.

در مقدمه برنامه مسعود رجوی ضمن پیش از همگان بخاطر عدم توضیحات کافی از جانب وی پیرامون میثاق شورا "واستنباه گرفتن آن با یک برنامه از جانب فرعی" ما زمانها، و شخصیتها "اعلام میداریم که - "مواد میثاق" صرفا "حداقلهای لازم برای پیوستن به شورای است" و پس از آن برنامه ای را تحت عنوان برنامه "دولت موقت جمهوری دیموکراتیک اسلامی" ارائه میدهد. از این رو ما بحث خود را پیرامون این برنامه از -

بقیه در صفحه ۲

سیاستهای اختناقی رژیم نشانه قرس اوست

روشها و تمهیداتی را پیش کرده است تا مگر جوخفغان و اختناق حاکم بر جامعه را تداوم بخشد و دیکتاتوری فاشیستی خود را تثبیت نماید. روشها شی که به جرات میتوان گفت درسیا هترین دیکتاتوری ها نیز کم سابقه بوده است.

بقیه در صفحه ۱۳

رژیم جمهوری اسلامی پس از اینکه کشتار و اعدام جوانان را در ماههای اخیر به تنها بیت خود رسا نید و پس از اینکه پرده فریب و تپیرنگ را بر چهره خود با سرنیزه درید و سرکوبی عربیان را در رابطه با مبارزات توده ها در پیش گرفت، اینک

در این شماره

♦ جنبش کارگری

♦ جنبش جهانی

♦ ارگان سازمانی، نقش و ...

♦ ضرورت جدائی دین از سیاست

از تجارب مبارزاتی

بیاموزیم

در صفحه ۳

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکای گاه داخلیش

دموکراسی

بقیه از صفحه ۱
همین نکته که "مواد مینا" صرفاً "حداقلهای لازم برای پیوستن به شوراست" آنگاه میکنیم که میانترین وجه از یکسوی پیگیری دمکراتیکهای انقلابی و از سوی دیگر نقش آنها را در مخدوش کردن خط و مرز دوستی و دشمنی آن خلق و نیروهای انقلاب و مینا نشان میدهد.

ما پیش از این طی مقالات متعدد - پیرامون "مینا" نشان دادیم که "مینا" چیزی جز برنا میفرمید و بورژوازی - لیبرال نیست. "مینا" آن چارچوبیست که بورژوازی لیبرال نیروهای اپوزیسیون را حول آن بسیار زده علیه سران کنونی رژیم جمهوری اسلامی فرامیخواهد و مجاهدین خلق نیز نه تنها خود بدین راهروی از بورژوازی و برنامهای رفرمیستی آن در غلطیده اند که از همه نیروهای انقلابی و مخالف رژیم دعوت میکنند که با پذیرش این حداقل "به شورای ملی مقاومت" پیوندند. مجاهدین خلق بجای اینکه حداقل لازم را برای بکرشته اتحادها و اختلافات بر مینای اساسی ترین ورا دیگالترین خواسته های طبقات و اقشار انقلابی جا ممانع را شده دهند بنا به سرشت طبقاتی خود این حداقل را - تا سطحی منافع و درخواستهای بورژوازی - نتزل میدهند.

پرسیدنیست که آیا کدامیک از مواد "مینا" فکته مینای حداقل ورود به شوراست میشود آن عامل با زدا رنده است که بنا منافع بورژوازی در تنفا دقرار دارد؟ پرسیدنیست که کدام مواد منوع و محدود - بشما در مینا با مانع مخدوش گشتن خط و مرز انقلاب و ضد انقلاب محسوب میگردد؟ مجاهدین خلق بجای منافع بزرگ کردن خط و مرز نیروهای انقلاب از ضد انقلاب با مینا قرار دادن مینا و بعنوان حداقلی برای پیوستن به "شورای ملی مقاومت" طبقاتی از نیروهای ناهمگون طبقاتی را که منافع آنها با "اساساً با یکدیگر در تنفا دقرار دارد" بنا تا حد همگاری فرامیخوانند. البته این امر نه ناشی از بدخواهی آنها بلکه از یکسو بدان علت است که خرده بورژوازی قادر نیست یک موضع طبقاتی مستقل اتخاذ کند و بنا به شرایط وجودی و طبقاتی خود میان پرولتاریا و بورژوازی نوسان میکند. و نمایندگان فکری او نیز قادر نیستند یک موضع انقلابی مستقل اتخاذ کنند و پیگیری لازم را داشته باشند از سوی دیگر نتیجه - اجتناباً با پذیرا شتلاف آنها با بورژوازی با ملاحظه لیبرال محسوب میگردد و از همین جا است که هرگونه عبارات بردا زی پیرامون - تحقق خواسته های مردم و اهداف و محتوای انقلاب چیزی جز کلیات میان نهی از کار - در نخواهد آمد. برنا مه هنگامیکه به کلیات میپردازد، آرمانها، منافع و خواسته های خرده بورژوازی را در انقلاب دمکراتیک منعکس نمیشود. به "محتوا و خصوصیات - دمکراتیک و ضد لیبرالیستی" اشاره میکنند، از - استقلال در فرآیند کبرترین مفهوم سیاسی - اقتصاد، فرهنگی، نظامی ... با مدیکند. بر لزوم "قطع همه روابط آسرتاریا امپریالیستی و افتادگی و انقلا آنها در زمینه های مختلف تا یکدیگر میکنند. بر تغییر روابط سیاسی و - اقتصاد، اجتماعی و فرهنگی ما به "بنا" میفشارد و میگوید "کلیه روابط، ساختارها، قوانین و مناسبات اجتماعی کمپرادوری و ارتجاعی ملنی و بجای آن مناسبات نوین استقلال طلبانه و دمکراتیک مستقر گردد."

حتی با را از این هم فراتر میگذارد و خواهان محو ستروا شتلاف را است. اما هنگامیکه سرا بر برنا مه را از نظر میگذرانیم، هیچ نشانی از برنا نه ممکن در جهت اقدامات اساسی و تغییرات انقلابی چشم نمیبورد. تنها آثار به محتوای انقلاب و لزوم قطع روابط با ارتجاعی و مهربان لیستی مناسبات اجتماعی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی "کافی نیست، با بدیدیکه برنا مه چه راه حل عملی مشخصی برای تحقق این اهداف عالیها ارائه میدهد؟ چگونه خواهند بود مناسبات موجود است؟ چگونه میخواهد ساخت اقتصاد - اجتماعی موجود را تغییر دهد؟

در حالیکه هرولتاریا برای انقلابی در - برنا مه حداقل خود، پیش شرط هرگونه تحول اساسی، انقلا مناسبات و تغییر نظام - اقتصادی و اجتماعی موجود در هر شکستن این و اساسی است. دولتی موجود به مناسبات ما شین بوروکراتیک - نظامی بورژوازی قرار میدهد، مجاهدین خلق با حفظ و نوسان این ما شین نظامی - بوروکراتیک و عده اطلاعات اساسی را بر مردم میدهند. مجاهدین خلق در برنا مه "خواهان تجدید سازمان - ارتش با انجام مپاره ای رفرمهای بوروکراتیک و انجام اصلاحاتی در بوروکراسی موجودند، مجاهدین خلق از نسیان خطا ط گورگورانه در ارتش سخن میگویند، اما این غیراندرینی آنها در حد مشورت از پرسنل ارتش با پای - میپذیرد.

مجاهدین خلق نه تنها از شورا های سربازان و پرسنل انقلابی ارتش که با ذات ارتش بورژوازی در تنفا دست سخی نمی گویند، نه تنها به تبلیغ عمومی خلق که بنا فی ارتش جدا از مردم است، اشاره ای - نمیکنند، بلکه بر عارضه از تجدید سازمان و نوسان ارتش موجود سخن میگویند. در حالیکه دمکراسی پیگیری هرولتاریا بهی که شرط هرگونه تغییر اساسی در ساختارهای - اجتماعی موجود در هر شکستن ما شین دولت بورژوازی موجود است و اساساً آن - یعنی ارتش و بوروکراسی قرار میدهد - شما از تبلیغ عمومی خلق، مسلک کردن کارگران و دهقانان، و بر رسمیت شناختن شورا های - سربازان و پرسنل انقلابی ارتش، خواهان ارتش انقلابی بوده ای بعنوان ابزار - اقتدار دمکراسی انقلابی پرولتاریست.

در "برنا مه ... نه تنها ارتش بلکه در کار آن دستگاه بوروکراتیک موجود با انجام - مپاره ای اصلاحات حفظ میگردد، گرچه مجاهدین خلق در این برنا مه به "نظام شورا" که گفته خود آنها "متکا ملترین شکل اداره امور کشور و پاداری انقلاب" اشاره می کنند، میگویند "تقسیم پیروزیهای نهائی انقلاب و همچنین تثبیت آزادی و استقلال با پادار کشور از سوی دیگر مستلزم دستیابی به متکا ملترین شکل اداره امور کشور است. "شکلی که گنجایش جهت گیری و محتوای ضد استشاری را داشته و نتواند دست آوردهای انقلابی و مقدم بر همه آزادی و استقلال - با پادار را تثبیت کند." با این وجود، در عمل دستگاه بوروکراتیک موجود در برنا مه بند برنا مه خود حفظ میکنند، و بنا با نجا پیش میروند که از جد دمکراسی انقلابی نیز - با شین ترا مده و دمکراسی انقلابی را نیز نفی میکنند.

اگر بر استی مجاهدین خلق با این امر اعتقاد دارند که پیروزی نهائی انقلاب و تثبیت آزادی و استقلال و با لاف "متکا ملترین شکل اداره امور کشور" شوراها است.

پس علت چیست که در برنا مه آنها این شورا - ها به ارگانهای بی بودا صیت و هیچ کاره تبدیل میشوند و تا حد مراکز - ارگانهای شورشی نتزل مییابند؟ چرا مجاهدین که میگویند: "محتوای مردمی آزادیهای مورد بحث ما به عالیترین صورت خود در گسترش شورا های مردمی تظاهر میکنند ... تخطین حکومت مردم پر مردم اساساً هیچ شکل عملی جز بسط شورا های - مختلف در همه زمینه ندارد. " شورا های انقلابی توده های خلق، شورا های کارگران، دهقانان، سربازان و نیروهای مدارس و دانشگاهها را بر رسمیت نمیشناهند و آنها را تا حد مراکز شورشی نتزل میدهند؟ و چرا دستگاههای دیگری جز شورا که در حقیقت - همان بوروکراسی است، تصمیم گیرنده است؟ آیا این در عمل نفی "حکومت مردم پر مردم" یعنی دمکراسی نیست از روشن است که این تناقض در همان حال که بنا به تکثیر پیگیری دمکراتیکهای انقلابیست، بنا به تکثیر این واقعیت است که مجاهدین خلق در اتحاد با بورژوازی لیبرال میخواهند در کارزارش ثابت و منظم بورژوازی، برکن دیگر ما شین دولت بورژوازی یعنی بوروکراسی را حفظ کنند.

در حالیکه برای انقلابی بعنوان پیگیری - ترین نیروی انقلابی و دمکراسی پرولتاری بعنوان پیگیری ترین دمکراسی خواهان در هر شکستن بوروکراسی در کنار ما شین نظامی دستگاه دولتی سپرده شدن اداره امور - کشور بدست خود مردم و شورا های کارگران، - دهقانان و اقشار دیگر خلق بمثابه ارگان - های اقتدار توده ایست، از این رومسی بهیتم که - "برنا مه از همان آغاز با تکیه عمل از شونده مردم طلب میکنند و علیه رژیمتاکید - ات مکرر برنا مه بر محتوای انقلاب و لزوم تغییرات اساسی در ساختار اقتصادی - اجتماعی موجود، راه را بر هرگونه تغییر اساسی در - سیستم اقتصادی - اجتماعی موجود میبندد. مجاهدین خلق در این رتا نه تا بدان حد از خودنا پیگیری نشان میدهند که در سراسر برنا مه یک با رها اشاره ای به ممانع سرمایه - های وابسته داخلی و سرمایه های امپریالیستی نمیکند و از ملی کردن صنایع سخی بمیان نمی آورند.

چگونه میتوان تصور کرد که در برنا مه - ای که مکرر به لزوم تغییر ساختار اقتصادی - اجتماعی و "انقلا مناسبات کمپرادوری اشاره میشود، از ممانع سرمایه های وابسته داخلی و امپریالیستی از ملی کردن صنایع بزرگ سخن بمیان آورده نشود؟ البته با فتن علت این مسئله چندان دشوار نیست. این همان انقلا مناسبات اشتلاف مجاهدین خلق با بورژوازی با ملاحظه لیبرال و دفاع از منافع بورژوازی است که اینچنین آشکارا در برنا مه خود نمایی می کند. اما هرولتاریا که پیگیری نه خواهان تغییرات اساسی در مناسبات موجود و تغییر نظام اقتصادی - اجتماعی کنونی و برقراری نظام نوین و عالی ترین است، به - مراحات اعلام میدارد که بدون ممانع در تمام - سرما به های وابسته بدون ممانع در تمام - سرما به های وابسته لیستی بدون ملی کردن شما ممانع پی بزرگ، بدون ملی کردن بنا تنها تجارت خارج و بنیاد رتا داخلی کلان نمیتوان از تغییر نظام اقتصادی - اجتماعی موجود سخی بمیان آورد.

این نا پیگیری مجاهدین خلق نه تنها در زمینه های با شده بلکه در سراسر برنا مه چشم میخورد، در برنا مه به "یک اطلاعات - بقیه در صفحه ۱۵

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

جنبش کارگری



از تجارب مبارزاتی مبارزین
= مبارزات دلیرانه کارگران شوقا زکار =

در هفته های اخیر شاهد مبارزات اوچ کبرنده توده ها و دربراس آنان کارگران زحمتکش بودیم! عتاب و مبارزه پرشکوه کارگران استرالیای اعتراضات وسیع و مبارزات شرفمندی البرزیه خواجه و سایر مبارزات مبارزین زکی و زکیه، تعزیم انتخابات شوراها و فرمایشی در برخی کارخانجات صنعتی و حتی در موردی انتخاب نماینده ای در شورای انتخاب اسلامی تحصیل شده و... نمونه های ششمی از جویتش و انفعال را مبارزات مبارزین است. مبارزات دلیرانه کارگران شوقا زکار رشید در چنین شرایطی شکل گرفت.

کارخانه شوقا زکار، کارخانه ای خصوصی است، در پی اوچگیری تفادیه بین شورای اسلامی کارخانه و صاحب کارخانه شور تصمیم به کناره گیری از کارخانه دولتی نمودن آن میگیرد. مدیرعامل شوقا زکار که از زمان مداریان نیز میباشند با با نام مداری که دارای گرایشات لیبرالی است به علت سیاست های زدکا زگری خود به مدت مودرتت کارگران قرار دارد. او پیش از سال است که جلوی اجرای طرح طبقه بندی را گرفته است و همچنین برای آنکه تعداد کارگران کارخانه را کمتر از ۵۰۰ نفر حفظ کند دست به استخدام کارگران موقت زده و هر سه ماه آنرا از اجزای و کارگران دیگری را بکار میگیرد. شورای اسلامی کارخانه را ترکیب سه کارگر و دو نفر سرپرست تشکیل شده است که ریاست آنرا رئیس انجمن اسلامی کارخانه برعهده دارد. کارگران ناآشنای این حرکت (۶۰/۸/۲) به علت ضعف نیروی پیشرو و کمبود آگاهی و تازه تشکیل بودن انجمن اسلامی هنوز توهم خود را نسبت به رئیس شورا (نمندی) حفظ کرده بودند.

شورا (و در حقیقت انجمن اسلامی که از سوی کارخانه کارگرمایت میشود) تصمیم میگیرد صاحب کارخانه را اخراج نماید و کارخانه را دولتی کند. از این رو در تاریخ (۶۰/۸/۲) نمندی با تعدادی از کارگران شیفتمت مدیریت میکند که فردا صبح به سر کار میآیند. صبح (۶۰/۸/۲) شورای اسلامی به پاری کارگران حاجی بابا مدیرعامل و سایر مدیران، اوقامی رئیس امور اداری، مهندس آکین میرقی سرپرست مونتازیک و خواهرزاده مدیرعامل و چند نفر دیگر که مورد تنفر کارگران بودند اخراج میکنند و مسکرا تاکید می کنند که کارخانه با بدلی شود. تا بد منتظر شد علی رغم تبلیغ شورا و انجمن اسلامی برای دولتی کردن کارخانه این مردم میان کارگران بودند و نشانی نداشته و آنان معتقدند اگر کارخانه

دست دولت بیفتد، میخواهد، "مبارز با کم میشود و کلا کارگران از اینکه حزب - اللهی ها را کم شوند" برانگیزا می کنند.

به شکل کارگران از اجزای این افراد بسیار خوشحال بودند اما در مقابل مسئله ملی شدن عکس العمل تا شید میسری نشان نمی دادند. پس از این عمل شورا و انجمن اعلامیه مشترکی دادند که به شکل روزنامه دیواری در کارخانه نصب شد و از کارگران خواسته شد تا به دست به عتاب و کم کاری نزنند و با سرپرستها و مهندسی همکاری کنند و اگر کسی اختلال کند تعویب داده خواهد شد.

روز بعد سیزده نفر از جمله مدیرعامل تولید را اخراج می کنند. در این روز یک نفر با حکم داستانی آمدن "مشهور" مورد بررسی قرار دهد. وی برای ایجاد جوهر عیب و ترس در کارگران چند نفر آنها را به باز پرس فراخواند. اینگونه به نظر میرسد که از آنگلی با انجمنی ها تماس داشته و شبانی کرده اند.

اما روز شنبه (۸/۲) ورق برگشت. در این روز کلیه اجزای حاجی بابا، به سرکار زبیر کشتند و باقی آنها یک - آخوند و چند نفر دیگر آمدند و ساعت ۱/۵ در دستوران سخنرانی کردند. آخوند پس از کمی مقدمه چینی که ما برای سازش - نیامده ایم گفت: برای اینکه مسائل مالی کارخانه بچرخد فعلا کلیه اجزای ما سرکار آمده اند و پس از این زمان ما به دستمان همین سخنان را تکرار می کردیم. سخنرانان کلا صحبتی از ملی شدن کارخانه میان نیاوردند. کارگران می گفتند: مثل اینکه دشمنان را دیده اند. "سها" مدیران شرکت به موسی علاءالدینی خیلی نودستگاه نفوذ دارد و تمیذار کارخانه ملی شود. کارگران در میان اینکه در پشت این حرکت منافع انجمن اسلامی و منافع آنها نهفته است. آنان در میان اینکه در خواسته های مطرح شده حتی سخنی از طرح طبقه بندی، افزایش حقوق، بهداشت محیط کار، مسکن و... نداشتند بلکه تمامی صحبت در ابتدا بر سر دولتی شدن کارخانه آمدن مدیر مکتبی و بعد بر سر اسلامی شدن محیط و تسهیلات برای انجمن اسلامی، برگزاری نماز و غیره است. این آگاهی نطقه حرکتی میگردید که از روز شنبه ۸/۲/۲۱ فصل نوین آن آغاز گشت.

روز پنجشنبه ساعت ۲ صبح حاجی بابا با اجزای های دیگری که کارخانه میباشند بلافاصله جلسه قسمتی تشکیل شد که کارگران اعتماد میکنند و همگی به جلوی قسمتی آمده و کار را میخواهند. انجمن اسلامی (و بخشی از افراد شورا) که این حرکت کارگران و حش زده شده اند جهت مها زگری آن میگویند "چون نمندی رئیس شورا (یعنی همان رئیس انجمن) در کارخانه نیست به سرکار بازگردد. کارگران به علت عدم شکل و حفظ بقایای توهم خود نسبت به نمندی به سرکار بر میگردند. ساعت ۱/۵ کارگران هر دو شیفت صبح و عصر به سخنرانی فراخوانده میشوند. این دیگر انجمن و داستانی دست بدست یکدیگر داده بودند تا تا بد این ما نور را به "خوبی و خوشی" با بان دهند و حرکت کارگران را مهار کنند از سوی داستانی شخصی بنام خوشبختیان آمده بودند مسئله را بسود حاجی بابا بیان دهد. این شخص قبلا نیز با عتاب یکما هه کارگران را بسود حاجی بابا حل کرده بود و از این رو کارگران را منفور کارگران بود. خوشبختیان حدود نیم ساعت به مزخرف گوشتی و حاشیه برداری پرداخت. جلسه کارخانه - منتسج بود که کارگران به شدت اعتراض می کردند و نمیگفتند "ما ترمی شناسیم، تو طرفدار حاجی بابا هستی و به شدت فشار

مبارزین بودند که "سرپرسترا مل مطلب را بگو" کارگران چندبار میکرفن را از دست این مزدور گرفتند و به او به شدت اعتراض کردند. خوشبختیان گفت "هر کس میخواهد میتواند برود" و همه کارگران با هم گفتند "زیادتی حرف نزن اصل مطلب را بگو" کارگر مبارز با خشونت میکرفن را از دست نما بستند. داستانی گرفت و گفت "بین همه کارگران مرا می شناسند و همه چپی هم بمن نمی چسبند. زود ترا مل مطلب را بگو نما بنده داستانی بخیا ل خودش کارگران را شهید کرد و گفت "شخصی از این کارخانه در اوین فعلا آب خنک میخورد که کارگران گفتند "او در راه با بطه با بیرون دستگیر شده، ما را شهید نکن" و اینها را چون شدت متشنج شد، کارگر روزمده با ردیگر میکرفن را گرفت و گفت "آقایان کارگران آیه شریفه این خدرا قبول دارند" همگی گفتند "نه" و دستاوران را ترک کرده به پاشین آمدند. در همین پاشین آمدن شورا خودمیش "مژگ" بر حاجی بابا کارخانه را بلرزده و در او دوختم و کسین طبقاتی کارگران پشت مزدوران نما به رالرزاند. کارگران با خصمی انقلابی به ساحتان مدیرعامل حمله کرده خود را به اتاق مدیران رسانیدند و همگی را به با دکت گرفتند. حاجی بابا به شدت مضروب شد و میز و صندلی پارچ و لیوان بر سرش خرد گشت. کارگران بیشتر مدیران را کشتن از در کارخانه خارج کردند. حرکت بالا گرفته بود و کارخانه "خشم خود را نگیخته کارگران از کنترل انجمن شورا خارج بود. از این حرکت پیش از این درمد کارگران شرکت داشتند. کارگری از شدت خشم و تا راحتی تعدادت خود را از اینجوره اتفاق مدیران به پاشین برتاب کند که جلوی او را گرفتند. در اینجا خشم کارگران بسوی خوشبختیان زبا نه کشید و بطرف نما بنده داستانی حمله کردند و تنها انجمنی ها توانستند از بیرون راه دور از بگیرند و راهی که خارج شدند.

کارگران پس از خروج و ضرب ششم مدیران به سرکار راه رفتند. آنان که تنها گوشه ای از قدرت را از دست خود را در کرده بودند می گفتند "خوشبختیان فلان فلان شده ما را به اوین تهدید میکند، بگر اینجا بدتر از اوین نیست؟ فلوی گسوره از اوین خیلی بدتر است". روز شنبه ۸/۲/۲۲ حاجی بابا به همراه مهندس پور سعیدی و ۳۰ یار ازاد خیال کارخانه شدند. کارگران فوراً کارخانه را تعطیل کرده از قسمتی های مختلف بنا شعار "مژگ" بر حاجی بابا بستند. در آنوقت حاجی بابا و پور سعیدی فرار را برقرار خراج دادند و با مدیران نیز که خوشبختیان را همراهی میکردند تا صحنه را دیده نمیشد رفتند. حدود ساعت ۱۰ - آخوندی به همراه کریسی رئیس هیئت پاشینی آمدند و با نمایندگان صحبت کردند. ظهردنما جماعت آخوندیها ۲۰ نفر شرکت کردند و پس از سخنرانی کرد که حدود ۱۰۰ نفر در آنجا بودند. اما هیچ وعده و وعیدی کارگران را آرام نگرد. کارگران از روجه بالای برخوردارند و هیچ وجه حاضر نیستند حاجی بابا به کارخانه بیاید. انجمن نیز هیچ روی قادر نبود کارگران را نما رکن و بد رستی آنها را در مقابل خود میباید.

جهت تحلیل این حرکت کارگران و بررسی وظایف پیشرو در این رابطه باید چند نکته را مورد بررسی قرار داد:

۱- علت چنین حرکتی از سوی انجمن اسلامی یعنی حرکت در جهت اخراج مدیران است و از زوایای متفاوت بررسی نمود، از سوی تفادیه حزبی ها و لیبرالها بقیه صفحه ۲



جنبش کاریگری

بقیه از صفحه ۳

که در بیا لاخود را بصورت اخراج و سرکوبی
بسی مدرستی مدیریت از حاکمیت حل
نموده هنوز در دردهای پائین تر چون -
کارخانجات و ادارات و تداوم خود را در
چنین عکس العمل هایی بازمی یابد. از
سوی دیگر با بد توجه داشت انجمن تنها
به این خاطر در ابتدا به چنین اقدامی -
دست زد که مدیر (حاجی بابا) سمبلی
استثما روی سرکوب در نزد کارگران شوقا ز-
کار است. کارگران که هنوز انسان آگاهی
طبقا نتوانسته اند که تداوم کین خود را
نسبت به چند سرکوب بگروا متشکل در
نشانه روی تخریب خود بسوی دولت و
مزدورانش بنیادین است. می محرومیت های
خود را در اخراجی با بیایند و انجمن
بر است در همین حمایت کارگران از این
اقدام قادر خواهد بود تا می گاه و گوزه
های سیاستی فدکا رگری رژیم را نیز
بسرچا می با بشکند و با آوردن مدیر
مکتبی (بمنی یکی از مهره های خود انجمن)
در عین بدست گیری کامل قدرت کارخانه
کارگران را تا مدتی دیگر بفریبد.

با بد توجه داشت که زمینه حرکت کارملا
کارخانه خود داشته و مهیا بوده است
و انجمن با پیوستن در آغاز حرکت
در حقیقت بر موج مبارزات کارگران سوار
گشته است تا آنرا مهار نماید و بقول -
رفقای کارگرم! دست بحرکتی سفارت -
گونه زده است تا مبارزات کارگران را
منحرف نماید.

۲- موضع کارگران در مورد دولتی شدن
کارخانه نیز نمیتوان از چند جنبه بررسی
نمود. از سویی موضع گیری مخالف کارگران
نسبت به دولتی شدن کارخانه بخوبی عدم
اعتماد آنان نسبت به رژیم و تداوم
کوچکترین توهمی در مورد کارگری
زحمتکاران و "بشپندان کارگران" بودن
آن میباشد. کارگران بخوبی دریافته اند
که در صورت بدست گیری کارخانه توسط
دولت آنها همچنان زیر چرخهای استثمار
وحشیانه نخواهند شد. اما از طرف دیگر
نکاتی چند را باید به کارگران متذکر شد.
کارگران باید بدانند در آنجا که دولت
دولتی سرمایه داری است، دولتی شدن
کارخانه مسئله ای را حل نمیکند، استثمار
با برجاست و شره جان کارگران با زهم
به جیب دولت سرمایه داری و از آن طریق
به جیب امپریالیسم و سرمایه داران
و استعمار زبر میشود. اما دولتی شدن
کارخانجات تا به حد میگردد که مبارزه
کارگران بشکل مستقیم رودر روی دولت
قرا رگیرد. در اینجا دیگر این دولت فسد
خلق است که کارفرما و صاحب کارخانه
است و از اینرو مستقیما رودر روی
کارگران قرار دارد. این مسئله مبارزه
طبقا را آگاهی به پیش میراند و کارگران
را هر چه بیشتر با هیبت دولت و حمایت
او از سرمایه داران آشنا میسازد. در اینجا
مسئله خوب بودن و بهتر بودن مطرح نیست
اگر چه در مبارزه کارخانه خصوصی بهتر است یا
کارخانه دولتی "کلا" سوال غلطی را مطرح
کرده ایم. باید دید مسئله از چه زاویه ای
مطرح است. شدت استثمار و میزان دستمزد
و مزایا؟ و یا پیشبرد مبارزه طبقا سی
در مورد شدت استثمار و میزان دستمزد
و بهداشت محیط و رفاه و... هر چند ممکن
است در شکل متفاوت کارخانه خصوصی
دولتی تا در حدی جزئی مسئله تفاوت کند
اما کلا دستمزد پرداختی و رفاه اجتماعی
و سایر فواید مذکور را در کل سیستم حاکم
تعیین میکند و در چهارچوب مشخصی محصور

نیباشد. اما در مورد پیشبرد مبارزه طبقا
دولتی بودن کارخانه مبارزه را در کانالی
مستقیم تر و مشخصی تر سوق میدهد و از اینرو
تایید است کارگران پیشرو هیچگاه به
تبلیغ دولتی شدن کارخانه نجات توسط
رژیمهای سرمایه داری نمی پردازند.
هیچگاه دولتی شدن را بعنوان حل مشکلات
کارگران و چاره دردها آنها تجویز و معرفی
نمیکنند. کارگران پیشرو تبلیغات خود
را بر مبنای انقلابی استوار میسازند
و اینگونه در پیویگی های رفیقانه ای
تواند آنها و توجه های اکثریتی را است
- شان واگذار می کنند. اما این به معنی
مقابله با دولتی شدن نیست. بگذار
سرکوبی دولت را خلیج و ترویج کنیم
و کارگران را در این راه هدایت کنیم حال
اگر در این مسیر دولت تحت نظر مبارزه
طبقا می کارخانه را دولتی کرد تا در مقابل
آن نخواهیم ایستادگی کرد. کارگران
توضیح میدهند مسئله اصلی و مبارزه اصلی
در جای دیگر جریان دارد.

۳- اعلامیه مشترک شوراهای انجمن اسلامی و
همچنین حرکات بعدیشان در جهت نیسار
کردن مبارزات کارگران بخوبی نشان
داد که "مبارزه" قدرت انجمنی ها با
مدبران در روز دوم با ن یافته بود. از
اینجا دیگر جریان سیل بود که انجمنی ها
را دست و پا زدن به دنبال خود می کشید.
بررسی مفاضا اعلامیه مشترک (که ما در این
جای به آن نمی پردازیم) بخوبی بی انگیز
ما هیبت سرمایه داران را در نزد کارگری انجمن
است (دعوت به همکاری با سرپرستانها
و مهندسیان، افزایش شدت کار، مسامحه
از اعصاب و اعتراض سعی در برآه -
انداختن سیستم، تهدید به تحویل کارگران
به دادستان انقلاب و...) این عملی
است که با بدکار کارگران مترقی و پیشرو
به آن میپردازند و با انگار به تجارب عملی
کارگران آنها را هر چه بیشتر با هیبت
انجمن آگاه ساخته آنها را بر علیه آن
متشکل نمایند.

۴- بررسی شکل پیشرفت مبارزه و نتایج
حامله آنان (تا فقط کنونی) بخوبی
بیا نگر حاکمیت کامل عنصر خود بخودی و
خود انگیختگی و ضعف عنصر آگاهی در این
مبارزه است. علیرغم اینکه کارگران در
صحنه ای روزمره شان از شورای و کمی
سخن میگویند، از نبود طرح طبقه بندی -
مینالند، خواستار بهداشت محیط کار
از دید حقوق و سایر درخواستهای رفاهی
هستند. سختی کار و سختی کار کردن -
ه شنبه ها را لمس میکنند... اما کمال
تسلط و خواستارشان به علت حاکمیت عنصر
خود انگیختگی و حرکات انجمن در جهت
منحرف کردن مبارزه، در اخراج حاجی
با با تسلط و گشته است. کارگران که با
اشکال پیشرفته مبارزه چون اعصاب،
تشکیل شوراهای حقیقی کنترل کارگری آشنا
هستند در مبارزه خود به اشکالی چون کتک
زدن مدیر و شرکت جلسه سخنرانی و...
متوسل میشوند. در این مورد تنها نقش
عنصر پیشرو است که میتواند این تجارب
عینی کارگران را جمع بندی کرده به -
ارتقاء مبارزات آنها بپردازد.

۵- پیروزی مبارزات و دلیرانه کارگران
شورای کارگران را در پیروزی بی شکستشان را
واقعات بسیار میگویند یا بدوید نباید
سرا پا شور و تمرکز، انرژی و ایمان به
پیش تاخت تا بتوانان پرولتاریا را که
پیک بر گرفته تا زنجیر کارگران از پای بر -
دارد باری نمود.

آری کارگران پیشرو مبارزه خواسته
- های کارگران شوقا زکا را بشکلی

منجم و بر خاسته از مبارزات آنان تبلیغ
کنند. با بدکار کارگران را حول خواستهای
چون - اخراج حاجی بابا و سایر مزدوران
مورد تشنگی کارگران - حرکت در جهت
ارائه و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل -
انجمن شورای انقلابی، برگزاری مداوم و
مرتب مجامع عمومی و درخواست از شوراهای
..... به هیچ نمود در این راه باید
پیش از پیش انجمن اسلامی را افشاء و نیز
منزوی کرد. با بد تبلیغ و ترویج
ارتباط ارگانیک انجمن با رژیم سلطنت
انحلال آن غرض طبقا کارگران را به
سوی این ارگان در کارگری و از این
طریق بسوی رژیمیت نمود.

میتوانیم بگویم
به علت کمبود مواد اولیه قسمت کتک
مازی مجدد تحویل شد. گفته میشود به
علت نبود مواد اولیه ممکن است کارخانه
بسته شده و با سعادت کار و تحویل با بدو -
پنجشنبه به تحویل شود. یک هیئت هفت -
نفره از طرف کارخانه تعیین شده است تا
برای خرید مواد و مواد اولیه به میوه
بروند و بعد از طریق دولت به مهسده
بگیرند. همچنین در تاریخ ۸/۲۴ از طرف
انجمن اسلامی کارخانه سرپرست روابط
عمومی سیاهپاداران این جهت سخنرانی
به کارخانه آمد. در سخنانش گفت: رجوعی
قرآن را طوری تفسیر کرد که به سوسیالیسم
گرایش داشت. و با زرگان به کاپیتالیسم
(سرمایه داری) او یعنی مدیر میسرای
دکتر پیمان هم طور دیگری بهره برداری
نمود. در سخنانش بیشتر متنی ها را کوپید
در صورتی که متنی ها در کارخانه انگشت
شمارند.

با زهم اخراج - به نقل از غروش - نشریه
هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق
ایران - شماره ۱۹

در تاریخ ۲۷ مهرماه ۶۰ حدود ۶۰ نفر
از کارگران روغن نباتی طی اخراجی که
از طرف مسئولین کارخانه از جمله پسر
ربانی شیرازی داده شده بود اخراج میگردد.
طول مدت استقامت این کارگران از
پنج سال نیز تجاوز کرده، اما سرمایه -
داران را لومفت بدون هیچگونه حق و -
حقوقی آنان را اخراج مینمایند. یکی از
کارگران پس از اینکه خبر اخراج خود را
میتواند زشت تا را حتی و برایشانی هنگام
ترک کارخانه در همان حوالی بسوی کله
اتومبیلی زیر گرفته میشود و همانند
و مدتها کارگردیگر قربانی سیستم ظالمانه
سرمایه داری میگردد و به شهادت میرسد.
مبارزه این کارگران جهت بازگشت
بسرکار همچنان ادامه دارد.



ضرورت جدائی دین از سیاست

پس از بررسی اجمالی زمینه‌های ظهور مجدد حکم‌رانی و استقرا جمهوری اسلامی اینک به سبب‌ها و اهداف و کارکردهای چنین حکومتی گذر کرده‌است و علاوه بر این به رابطه این هدفها و کارکردها با آثار و نتایج حاصل از آن چیست. طبیعی است که با توجه به - محورا سیاسی گفتار، یعنی دین و دولت، سعی برای این خواهد بود که هدفها و نتایج مورد بررسی قرار گیرند که شکل گیری و تحقق شان متکی بر جنبه دینی حکومت جمهوری اسلامی و قدرت زواحا نیست بوده - است. لیکن معنای این تاکیدی این نیست که کارکردها و نتایج مذکور صرفاً "در سایه" یک حکومت دینی قابل تحقق است. هر چند حصول بدنه آنها در شرایط ویژه جامعه ما، از طریق مذهب تسهیل شده و بهر حال چنانچه انگاشته می‌شد. به سخن دیگر نیروهای سیاسی دیگر، در قالب حکومت‌های متفاوت - می‌توانسته‌اند برخی از این کارکردها را متحقق سازند. فی‌المثل بروز هرچ و مرج با بحران‌های اقتصادی، از جنبه‌های جدائی نا پذیر هر نظام سرمایه‌داری است، لیکن طرز کار اقتصادی ویژه این حکومت به این مسائل اقتصادی و بزرگی خاصی بخشیده است.

از این گذشته، تحلیل کارکردهای جمهوری اسلامی نه می‌تواند و نه چنان که در اقتضای موضوع است، ضروری است که جامع و با فایده از قضاوت‌های سیاسی روزمره باشد. با این حال می‌گوئیم - جواز تک‌گوناگون امر را بررسی کنیم. باز به عنوان مثال با ادوار و شوم که ممکن است تحلیل گرامروزی از خا طریقه‌ها در روحانیت همان نیروئی است که توانست باشد - بی باقی‌ترین انبوه‌شده را به میدان مبارزه علیه رژیم شاه بکشد و با این - حقیقت از لحاظ برخی نیروهای هوادار حکومت حاضر - همچنان که در گذشته - حقا می‌توانست از زبانی می‌شد - ارزشمند است، لیکن فشار واقعیت روزمره ضروری می‌کنند که معلوم شود کیفیت این بیداری - سیاسی چگونه بوده و در خدمت کدام اهداف قرار گرفته است.

حال به بررسی مختصری در اطراف مهمترین هدفهای حکومت جمهوری اسلامی بپردازیم:

= جلوگیری از ادا و تعمیم انقلاب =
با ملاحظه سطح تکامل نیروهای مولد، بسط مناسب تولید سرمایه‌داری و بروز شناخت میان توده‌ها و روابط حاکم بر آنها، حضور طبقات اجتماعی و نیروهای سیاسی نوین، ایجاد بود که مفهوم گنگ "جمهوری اسلامی"، چه در شکل بازرگان - بنی مدنی و چه در شکل "خط امام راه - حلی تا رسات که نمی‌تواند با شکستوی توده‌ها از انقلاب باشد. روشن بود که - ادا و تعمیم انقلاب تا رسیدن به حد - اقل خواسته‌های خلق، در دستور کار جنبش قرار دارد. ادا و تعمیم انقلاب در معنای تام خود، یعنی رسیدن به اهداف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی انقلاب ضرورتی بود که جوش و خروش انقلاب مردم‌پشتوانه آن بود. انقلاب در بستر حرکت خویش می‌بایست بورژوازی را از راه خویش بردارد. نتایج پیش از مدور حکم "انقلاب پس" استفاده از نفوذ زوفاقی آیت‌الله خمینی برای اجرای این حکم، شده‌است در جهت - گوناگونی و به شیوه‌های متفاوت در جریان مراعات بخشیدن به خواسته‌های خویش و آزمودن و یافتن شیوه‌های برآوردن این خواسته‌ها بودند و قدرت حکومت نوین، به

طور رسمی مانعی در این راه نبود. لیکن رفته رفته به تناسب تحکیم پایه‌های قدرت و برپا شدن نهادها و نهاد انقلابی، نشا دوستی میان نهادها و خود - جوش و نهادهای حکومتی پدید آمد، حکومت جمهوری اسلامی اندک اندک آشکار گردید که جلوگیری از احراز هویت سیاسی و تشکیلاتی توده‌ها، یکی از اهداف مهم آن را تشکیل می‌دهد.

هر جا کارگران، دهقانان، کارمندان معلمان و غیره نهادی برای حراست از منافع خویش برپا کردند، با مفاومت سرخستانه حکومت، آنها روز بروز بشکلی خونین تر، رو بر شدند.

= تفکیک مفا انقلاب از صف ضد انقلاب =
در جریان جنبش برای فروکشیدن - سر بر حکومت شاهنشاهی، نیروها و طبقات گوناگون و حتی متفا داجتسای دست در زدند تا متفا مانع اصلی بروز - شناخت خویش را از میان بردارند. طبیعی بود که فی‌المثل بورژوازی متوسط و پرولتاریا که هر یک به جهت خاصی خویش با نظام سیاسی شاهنشاهی در ستیز بودند، نمی‌توانستند پس از تحقق هدف، یعنی سقوط نظام سلطنتی، به اشتلاف خویش ادا مدهند. ضرورت این بود که اشتلافی بر اساس مفا طبقات مترقی و طبقات ارتجاعی تشکیل شود. در عمل نیز طبقه - مراحل پیاپی، آن اشتلاف غیر طبقه‌تسی به پیشین ("وحدت کلمه") از میان رفت و عناصر آن هر یک به شکلی از جریانی که خود را رفته رفته قوام می‌بخشید، جدا شدند و یا کتا رزده شدند. لیکن این جریان با قسی مانده نیز که خود را عمدتا "از حیث ایدئولوژیک (اسلام) متمم بر زمین مشخص میکرد، با اقوت تمام مانع از شکل گیری اتحادیه‌های طبقه‌تسی نیروها و طبقات انقلابی بود.

کوشش برای تفکیک مردم بران، منطقی و جهان براساس درک گنگ و شنوی - مانوی "اسلام و کفر" یکی از عمده‌ترین موانعی بود که نمی‌توانست بگذارد و مفا طبقات انقلابی و ضد انقلابی از هم متمم یزگردد و حتی ستیزهای درون طبقات خلق را دامن بزند و خود علت وزمینه‌ای باشد برای آن که در صفوف اپوزیسیون کتوتی نیز، مرز - بندی روشنی میان طبقات اجتماعی وجود نداشته باشد. زیرا اکنون نیز، همچون شرایط آستانه، قیام بهمن، هدف اپوزیسیون را می‌توان هدفی "منفی" از زبانی کرد: - براندازی حکومت، بدون ارائه درگسی روشن از آنچه باید می‌تواند برای پیشبرد با پدمتذکر شد که پشترفتی نسبی که در جهت جدا شدن مرفز نیروها و طبقات صورت پذیرفته علیرغم ثبت و هدف جمهوری اسلامی بوده است. اما این واقعیت چیزی از هدف حکومت که برقراری آشتی میان طبقات متفا دودمان زدن به ستیزهای درون - طبقات به نام اسلام بوده، نمی‌گاهد.

= سرکوب خلق =
در هر ریختن ارکان و موازین نهادها سرکوب نظامی - پلیسی بر اثر جنبش عمومی توده‌ها، سرکوب مستقیم را تقریبا مشکل، اگر نگوییم غیر ممکن کرده بود. توده‌ها مستقیما "در برابر سرکوبگران - نظام شاهنشاهی می‌پستادند و با آن به ستیزی هر چند نا بربر می‌خواستند. لازم بود برای مهار کردن توده‌ها، نیروی "مؤخره و متخروج" که از میان توده‌ها بر آمده است، سرکوب را که بهر اشیاء زبایش ضروری تر شده بود، متعلق سازد. همچنین به مناسبت فروریختن نهادها یگن و

تا کارآیی شیوه‌های آن در مفا بله با خلق، لازم بود در شیوه‌های اجرای قهر و سرکوب نیز تجدید نظر صورت گیرد. در نظام شاهنشاهی تمام میان ابزارهای مادی (پلیسی - نظامی) سرکوب و ابزارهای معنوی ("ایدئولوژیک") به مرور با هم بود - ابزارهای دسته اول از میان رفته بود، بگونه‌ای که در روزهای پایان عمر حکومت مشروعبیت ایدئولوژیک آن از میان رفته و یا دست کم مورد چون و چرا واقع شده بود. موازنه وحشی در ابتدا تقدم ابزارهای ایدئولوژیک بر ابزارهای قهر مستقیم، ضروری شده بود، بویژه این که توده‌ها بی کشید در صحنه سیاست خا ضرونا ظر بودند.

البته طرف مدتی کوتاه، تا کارآیی ایدئولوژی اسلام برای فرونشاندن توده‌ها، آشکارا رفته رفته از میان نوبن قهر و سرکوب توده‌ها، در کتا رنه‌های ناتوان شده، پیشین قدرا فرا شدند. لیکن آنچه در آغاز جمهوری اسلامی را برای نیروهای ضد انقلاب جالب و جاذب و مطلوب میکرد در اختیار داشتن همین حربه اسلام بود که در گذشته نزدیک از حیث توده‌ها جزو زرادخانه مستقیم سرکوب نبود. در حال اکنون نیز مشروعبیت سرکوب و اعتماد قهر علیه خلق، از نظر کاراقتارنا آگاه جامعه، مستثنی بر "اسلام" است.

= گنا زدن توده‌ها =
جنبش منتهی به قیام بهمن از یک حیث بی مانند بود و آن فعال شدن ناکهائی توده‌ها بی کتا رنده بود که به طور رسمی "عرصه" سیاست بر کتا روسی تجربه بودند. در تاریخ انقلابی جهان کمتر انقلابی را می‌توان سراغ کرده که طیفی این چنین وسیع از پیشرو و پستادنده ترین نیروها، با آشنوا تدها و تنوع ها و بسبب کمک تا کتیکهائی با لنسب ما ده و بیگناخت (نظارات، نظارات، ... ویا لافشیره اعتماد) به میدان مبارزه آتند و در غیاب شکل‌های سیاسی - نظامی پخته در کوره حوادث و افتاده، اهرام انتقال قدرت به دیگران شوند. طبعاً "این توده‌ها که تا پیش از تحمیل قدرت "طبیعه الهی" به حساب می‌آمدند، پس از آن چیزی جز "مزا حما انقلاب نبودند و با پدیداری خود به خا نه بر می‌گشتند تا "رهبران به بخت و پزهای سیاسی مشغول شوند. همگان نیروئی که این تا شیرا داشت که بتواند بخش وسیعی از توده‌ها، بویژه عقب مانده - ترین آنها را وارد کارزار کند، یعنی نفوذ دستگا و روحانیت، می‌توانست برای خشی و بی اشکر کردن آنها به کار افتد.

= تشکیل زدا تسی =
بدین ترتیب بیرون راندن توده‌ها از عرصه سیاست و با تحریف اهداف آنان و سلب هویت طبقاتی از منافع آنان، از هدفهای اساسی حکومت جمهوری اسلامی بود. بخشی از توده‌ها که با انگیزه‌های عینی تر، دارای تجارب سیاسی و آگاهی طبقاتی بودند، و در نتیجه از حیث نفوذ اسلام بر کتا ر بودند، به بیاری معجونی از سرکوب و اقناع و به کمک اقشار پستین تر و عقب مانده تر سیاسی - اجتماعی، از فعالیت سیاسی منع شدند و با زمانهای آنان با مستقیما "مراحتا" زیر ضرب قرار گرفت و یا با در آمیختن مفا هیتم اسلامی، از آنها سلب هویت شد. در این میان بخشی از نیروهای سیاسی مدعی هواداری از پرولتاریا نیز قانع شدند که با حکومتی انقلابی سرکار دارند.

بورژوازی لیبرال نیز که فاقد تشکلی و تشنیت بود، از قدرت کنیز رزده شد. حکومتی فعالانه با هر جریان و تشکلی و هر کتا تونی اعم از منصفی سیاسی، عقیدتی و... که برپا به موازینتی جدا و متفا برپا موازین بقیه در صفحه ۶

ضرورت جدائی...

بقیه از صفحه ۵

اسلامی رسمی شکل گرفته بود و یا شکل میگرفت. حکومت میوزید، در این زمینه نیز "اسلام" حربه، اصل بود و به کمک آن هرگونه سازمان اجتماعی - سیاسی عینیت به مرف مخالفت با حکومت، از میان بر داشته شد. البته با پدید آمدن و رشد در این میان سازمانهایی که با اعتقاد اسلامی متفاوت نباشد، از هدهدهای حکومت پشتیبانی میکردند، نیز ممنوع شدند (احزاب خائلی بورژوازی که با غیراسلامی بودند و یا روایت رسمی از اسلام را نمیپذیرفتند).

= سبزیبا کونیه =

بخش مهمی از وظیفه سرکوب شده‌ها را سرکوب جنبش جوان و نوین کمونیستی تشکیل میدهد. سازمانهای کمونیستی که بر رویهم در رژیمها هتاهای درخدا قبل شکل درونی و ارتباط با توده‌ها بودند، در شرایط نیمه دمکراتیک آشنا به مباحث و اندکی بیسازمان، به لحاظ مساعدت عوامل عینی نتوانستند حتی از نفوذ توده‌ای برخوردار شوند. معلوم بود که هیچ حکومت و نیروی بهتراز یک حکومت دینی نمی‌توانست این جنبش فعال و بیگیر در جهت براندازی نفوذ نیروهای چپ، نقش ایفا کند. شدت عناد جمهوری اسلامی، کمونیسیم که به طور موری مستقیماً بر مباحث آریضه، اسلام است، با هیچ معنای سا عناد رژیمها هتاهای قابل قیاس نیست. این عناد فقط با توجه به رشد زمینه‌های عینی نفوذ فکری و سیاسی کمونیستی و ضرورت دفاع از حریم مقدس سرمایه‌ها و مالکیت خصوصی قابل فهم است.

سران جمهوری اسلامی در هیچ فرمتی از دگرگین نکته غفلت نمی‌کنند که با هیچ عقیده و فکری منافی با فکرایح رسمی سرآشتی ندارند و اگر به لحاظ مصالح تا کنونکی حاضر به تحمل بعضی حربه‌های غیردینی موافق با حکومت اسلامی هستند، برپایا زوده مناسبت تمام بدشولوزیک (که از نظر آنها، مالکیت دارد) این جریان - ها را نیز به صدق عدم خواهند فرستاد.

= سبزیبا انقلاب در منطقه =

در اینجا با بدنگته‌ای را متذکر شد: سبزیبا کونیه صرفاً متوجه نیروهای - درونی نیست. جمهوری اسلامی در عین حال در تبعید بین المللی کارگردی اساسی دارد و آن این که در مرزهای جنوبی شوروی، سنگراهی دفاع و حتی هجوم - ایدئولوژیک - سیاسی علیه شوروی برپا کند و جای با یگا ههای نظامی شمالی رژیم سابق را پر کند. البته کوشش برای جذب - علاقه بقایا با اقتعادی - اجتماعی طبقات حاوی افکار اسلامی در میان ملل "مسلمان" شوروی را نیز نباید نمی‌توان گرفت. اما این جنبه زهد بیشتتر خیالنا فانه است تا واقعی، در ضمن نباید از یاد برد که انقلاب اسلامی در سطح منطقه می‌بایست و پرتربینی در کنار و پرتربین افغانستان "ا بجا دکنوا شراب تحولات سیاسی افغانستان را تا حد مقدور از طریق تاکیدی روی "اسلام" و سپس در صورت امکان از راه مداخلة نظامی، غنشی سازد.

جنبه اخبرهدهای حکومت جمهوری - اسلامی، متضمن طرحی وسیعتر است و آن ایجاد "کمیته سرتقدس بر کرد" کرد مناسبت طبق جنوبی کشورها ی سوسیا لیستی می‌باشد. تردیدی نیست که یکی از جنبه‌های کاذب حکومتهای دینی (تظلم حکومت عربستان و با حکومت پاکستان) برپا کردن سدهای دروا نفوذ سوسیا لیسم است. شمسک بیه اثارات گنگ عدالتخواهی در اسلام و طرح

"راه‌های سوم" راهی خیالی میان - سوسیا لیسم و سرمایه‌داری، عموماً "عهده" داران وظیفه بوده‌اند که پتانسیل‌های انقلابی منطقه را خشنی تا زدویک - اپوزیسیون قلابی را در حد مقدور به جای اپوزیسیون یا لقیه، انقلابی در منطقه مطرح سازد.

تلاشهای عینیتی که برای ایجاد امت واحده، اسلامی، در جهان وطنی اسلامی (ا) صورت میگردد، در همین راستا سیر می‌کند. لیکن دقیقاً "به خاطر گنگ و مشکوک بودن مضمون خود و از طرف دیگر به خاطر شیعه‌گرا بودن جمهوری اسلامی - ننگه‌ای که در - جاشی دیگر از لحاظ اهمیت داخلی مطرح خواهیم کرد - مورد توجه ملل "مسلمان" منطقه واقع نشده است (در پاسخ به آخرین حرکت در این راه، یعنی دعوت به تشکیل "جبهه" فدیه‌نویستی - غذا میرا لیستی اسلامی فقط "جنش آزادبخش بحرین" پاسخ مثبت داد، آنها احتمالاً به چشم - داشت کمک!)

علاوه بر این انگیزه، "مدور انقلاب" به ملل تحت ستم منطقه وجهانگیرکردن اسلام طبعاً "بدون این که - نظراً تچه در سطح داخلی گفتیم - موجب بیداری انقلابی مردم گردد، جویدگمانی و خصومت و جنگ در منطقه را دارا من زده است و خود یکی از عوامل - البته عامل فرعی - جنگ میان عراق و ایران است که اساساً "به خاطر احراز سیاست عراق بر منطقه - به جای سیاست وژاندا رمی شاه بر منطقه - صورت می‌گیرد و رژیم ایران نیز ازین حق رایبرای خود - قائل است.

کوششهایی که این اواخر برای برقراری بیوندهای سیاسی با کشورهای دیگر، تا حدی نیروی از مواضع "اسلامی" صورت می‌پذیرد، بیشتر از آن که مخدوش کننده، استدلال تحلیل فوق باشد، سیانگیز - حرکات تاکتیکی و عملی حکومت و ناشی از استعمال نظامی - سیاسی - اقتصاددی است.

اینک پرا زبررسی بعضی جنبه‌های مهم و اساسی اهداف جمهوری اسلامی - می‌گوئیم پاره‌ای از عواقب گوناگون آن را تحلیل کنیم:

مشروعبیت سرمایه‌داری: از حیث روابط تولیدی حاکم، نقش و عملکرد جمهوری اسلامی بوده که با توجه به قدمت توده‌ها با سرمایه‌داری که به سبب ضعف آگامی - طبقاتی بیشتر به شکل عدیت با سرمایه - داران جلوه کرده، برای حفظ ویازاری نظام تولیدی حاکم بکوشد. دولتی کردن ("ملی کردن") امور، سیاست بزرگ سرمایه‌داری هر چند در عین حال تحت تاثیر فرار سرمایه‌داران بزرگ صورت گرفت، مشروعبیت روابط تولید سرمایه‌داری را حفظ می‌کند. آنچه در آغاز اجرای این نقش را تسهیل کرد، توهم توده‌ها نسبت به اهداف و نیات حکومت و براساس برآمدن دولت با مردم بود و در هر حال از حدت تضاد میان توده‌های - مردمی روابط تولید حاکم گاست.

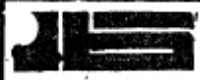
در جریان اجرای این نقش، بورژوازی تجاری با کنترل نهادهای سیاسی و - اقتصادی دولتی، خود به جای بورژوازی بوروکراتیک سابق نشست و بر مقدرات - تولید و توزیع حکومت یافت. به هر تقدیر نفوذ نامالام و حکومت اسلامی بود که توانست از طرق گوناگون، حرمت مالکیت خصوصی سرمایه‌داران را برقرار نگه‌دارد. البته در زمینه، مناسبات با جمهوری اسلامی تا چا رشد علیرغم تضاد باطنی و دیرین سران خود، بر تضاد با مصالح "عدوانی" دهقانان نسبت به اراضی بزرگ مالکان "عملاً" صعه بگذارد. هر چند که ضرورت رعایت احترام مالکیت

"مشروع" - دهرزمینه - خدشهای نیافته است. بازگشت خواهی: بر رویهم علاوه بر ارزش و احترام خاصی که اقتضا دغدیده‌ها و رانه - به پیروی از درک برخی سران حکومت - و خاستگاه طبقاتی آنان - پیدا کرده است. این بورژوازی تجاری است که با حاکمیت با فتن سرمایه‌داری بورژوازی بوروکراتیک و گسترش حوزه نفوذ و وظایف اقتصاددی - دولت، بر اقتضا حکومت می‌کند.

ناسازگاری این دو جریان - بورژوازی بوروکراتیک و گراش "بازگشت - عملاً" مانع از نوسازی و بازسازی سریع روابط تولید سرمایه‌داری شده و بر هرج و مرج و آشفتگی سرمایه‌دارانه می‌افزاید و مانع از رفع عواقب بحرانی میشود که از سال ۱۳۵۵ گلوی اقتصاد وابسته ایران را می‌فشرده است. از رهگذر این سردرگمی و آشفتگی، میتوان گفت که رشد نیروهای مولدگی با شین ترین درجات و تضاد میان طبقه حاکم از لحاظ سیاسی و طبقه ملل از نظر اقتصاددی به اعلی ترین حد خود رسیده است و این نیز از عواقب درک عقب مانده نیروهای حاکم و عجز ویژه آنهاست.

مسخ مفهوم جمهوری: به مرور با ام اکتین بر توده‌ها معلوم میشود که قدرت روز افزون و خودکامه، رژیم حاکم و درک آن از اعمال حاکمیت، اطلاق لفظ جمهوری را بر رژیم حاکم، پیش از پیش بی معنی می‌کند. درک دینی از حکومت "اراده، الهی - در عمل" یعنی اراده، روحانیون - را ما فوق اراده مردم قرار می‌دهد و یک اتوکراسی نشوونکاتیک (استبداد دینی) را به جای مفهوم جمهوری - خواه در معنای بورژوازی و خواه در معنای دموکراسی - توده‌ای - می‌نشانند. توده‌ها می‌بینند که اراده، واقعی - شان، تحت عنوان "دفاع از اسلام" واقعی "عملاً" تاده‌ها و با زیر پا گذاشته میشود. ولایت فقیهیه نهادهای است که هم راه را بر حرکت آزادبخشی از نیروهای سرمایه می‌بندد و هم جلوی عرض وجود نیروهای توده‌ای را می‌گیرد. روند حاکمیت ولایت فقیهیه اگرچه این او خردت یافته، اما از همان آغاز کار با ربه‌های آبت الهه - خمینی و سپس به صورت نهادهای شده در قانون اساسی، معلوم بود که این نیز وسیله - تسهیلی برای بازگشتن حقوقی بوده است که توده‌ها ضمن جنبش عظیم خود دست آوردند.

از اینرو هر چند رجوع به آرای عمومی در ظاهرم صورت می‌گیرد، اما در عمل با ایجاد مواضع مختلف و گاستن روز افزون از حوزه انتخاب برای مردم، مفهوم جمهوری بی اعتبار می‌شود و این لازمه، درک دینی از حکومت و پیوند آنکار دین و سیاست است. حکومت شیعه به جای جمهوری اسلامی: در - عین حال این حکومت دینی به معنای - حکومت تمام فرقی و مذا هب یک دین نیست - بگذریم از اینکه چنین حکومتی با توجه به اختلاف فرقی و مذا هب میسر نیست - بلکه یک مذهب خاص یعنی شیعه از میان سایر مذا هب که در اقلیت هستند، انهم از طریق "نمایندگان" خود در سلک و منصف روحانیت، به اعمال اراده می‌پردازد و در عمل به جهت درک شیعه - که همچون هر درک مذهبی دیگر - خود را نسبت به سایر مذا هب دارای حقانیت و مالکیت می‌شمارد، جمهوری اسلامی به حکومت شیعه تبدیل شده است. علاوه بر درک اقتصاددی و سیاسی، مفاهیم و مناسک و رسوم ویژه شیعه می‌گوشد جای - تنوع درگاه، مفاهیم و مناسک و رسوم موجود را بگیرد. در کشوری کثیرال مذهب و کثیرال مله، با وجود اقوام و ملل فرقی مختلف، این حکومت در واقع به معنای زیر پا گذاشتن حقوق فرهنگگر - سیاسی



★ زنده باد انقلاب پرو (بخش هشتم) ★

جنبش جهانی

تازگی - زهانجش



وجما قدا را نش که بر سر برجم "جنبش انقلابی" کار کرد. (MERR) کرد آده بودند شخصیتی ایده آل بود. جما قدا را ن ژنرال "تا نلسن" با رها و سایرها وظیفه ترور و تهدید کارگران بشیرورا هر چند دست و پا شکسته ولی بشیرورا تمام داده بودند! اما برای حامیان ژنرال "ها ویرتا نلسن" جنبش انقلابی کار کردی (MERR) سا اما کانات موجودش تا توان بحساب میآمد و گستراندن دامنه عمل این تا زمان نیاز به سرمایه گذاری کلان داشت که خود برای این بخش از بورژوازی مسئله بود. با لاجرم سومین گروه را در جناح بندی درون خویشی نظامی، افسران بشیرورای گرای ارتش تشکیل میدادند. اینان اطلاعات انجام شده را کافی نمیدادند و گسترش بیشتر آن را میخواستند. تمام مبادی این گروه - ژنرال "لئونیدس رودریگز فیگولا" رهبر سوسیال دمکرات سازمان شبه نظامی نظامی برای بسیج عمومی (STANOS) بود. هنگامی که ژنرال "لئونیدس" رودریگز به رهبری واحد ویژه متشکل شد، این امیدها رو در ترند. "جزئیات کمونیست پرو" تیرسوی قید و شرط و کتافه دست از این جناح حمایت میکرد. "راکه کوبا" لئونیدس دروازه های سوسیالیسم را گشاید. جنبش نظامی ما جناح بی ای این جنبش عملاً اشخاص خود را از دست داده و رفته رفته بحال فلج می افتاد. و در قیام "همین شرایط خاکم روحیاست بود که رهبران حزب توده های انقلابی امریکای (APRA) را به فکر متوسطه برای کسب قدرت انداخت. آبرو "گوستا" در میان کار دملی و غیره - های پلیس محلی یا یگانه داشت. از همین دو یا یگانه نیز برای کسب قدرت خبر برداشت. در سوم فوریه ۱۹۷۵ تقریباً "بیژون" کوچکترین مقدمه ای از پیشش شیروهای پلیس به یکبار از گوشه و کنار رخیا نهایی با سخت ناپدید شدند. و روز بعد از آن - پلیس را هنگامی نیز در سر جها را آنها حاضر نبود. اما گویا به روزنامه ها نفیخته شده شده بود که زبان درگام میباشند. شیروهای پلیس پرورد را معتاب بودند.

درست پیش از طلوع آفتاب در بهار مدد دروژه فوریه، تا نکه ای واحد ویژه لیمبا به مقر ملی پلیس با سختی که در آن ۲۰۰۰ تن از ۷۰۰۰ تن پلیستی اعتماسی تیرسوی برند، حمله کردند. کشته و مجروح تعدادشان مشخص نبود. اما یک چیز را میشد دید و آن اینکه روزنامه ها همچنان مهر سکوت بر لب داشتند. گویا هیچ چیز اتفاق نیافتاده بود. ما زش در نا لگا رخود را کرده بود. و این با زش زمانی که غارتها از شیروهای ارتش - و واحد ویژه لیمبا - خواست که به ناگاه آنها برگردند. بیشتر مشخص شد. شهری دفاع لیمبا - بهینه - بهینه در مرحله ۸

مادراتی سنتی چون مس، شکر و غذاهای دریایی بدست میآمد بخود اختصاصی - میداد. و البته این رقم در جمع با رقمی دیگر که آنها ز طریق وام ها شکی که توسط دولت گرفته میشد و در اختیار این بخش از صنایع قرار می گرفت، رقمی کلان از کار در میآمد.

اما با کاهش ما در ات محصول صنایع غذای دریایی که بدستبال و رشکستگام در سال ۱۹۷۳ از سوی دولت ملی اعلام شده بود، کشور از داشتن یکی از مولدهای آرزو خاری محروم شد. کاهش بهای کالا در مقیاس جهانی در فاصله سالهای ۵-۱۹۷۴ نیز از ملی مزید بر عامل بیشین در منفی تر کردن هر چه بیشتر موازنه بر داخت های پرو شد. این نواز رنگه از سال ۱۹۷۲ سیری منفی را آغاز کرده بود. روزبه روز واقع وخیمتری را جزا رفتن میداد. - کوهی از مسائل و مشکلات اقتصادی و سیاسی در تیرا بر حکومت تلنسا رنده بود، و وعده های پوپولیستی از سوی حکومت دیگر کار ساز نبود. در سال ۱۹۷۴ کسری بودجه دولت و عدم موازنه تجارت خارجی، تاثیر عمیق بر سطح زندگی مردم گذاشت. تورم فزاینده تریخی معادل ۲۱۷٪ را اعلام میکرد. جنبش اعتراضی کارگری برای افزایش دستمزدها و تطبیق نرخ این افزایش با نرخ فزاینده تورم، هر آن گسترده تر و عمیق تر میشد و البته با پاسخ دولت و لگو در برابر این جنبش همان بود که بود یعنی سرکوب سی - وقعه شورش های کارگری اینجا و آنجا - بچشم میخورده شورش ها شکی که به تنه های حکومت را به مصاف می طلبید، بلکه رهبری سنتی اتحادیه های کارگری را نیز به زیر سؤال مجتهد. ثقل این حرکت ها در "قدرت سون" کارگران صنایع فلزی - مسنو - کتف در اسون عمومی کارگران سورو (CGTP) بود.

هنر چندی از بحران مردم فراینده ای که از سال ۱۹۷۲ آغاز شد، شکسته بود که در میان تالانی ها سر جناح بندی ها شکل گرفت. خویشی نظامی رفه رمدار بحام بیسن اش را از دست میداد. و گویا این "ولسکو" بود که با پدیده متا به کیهان - برنا مالاتا - نهایتاً "حدف" شود. چرا که بحران در نخستین نگاه - نتیجه بلا فصل اصلاحات منظر میآمد. بشیرورا، مسئله پاسخ سیاسی مناسب دادن به چنین بحران - اقتصادی اش، شیروهای ملج و بویژه ارتش را به گروه تقسیم کرد. گروه نخست که بویژه از حمایت حامیان صنایع و بنگاه های نماینده شرکت های چند ملیتی برخوردار بود، به تندی بسوی نخست وزیر خویشی نظامی، یعنی "ژنرال فرانسیکو" مورالز برمودز "گروید" به یا و اینان اصلاحات انجام شده دیگر بقدر کافی از چهار رچوب از پیش اعلام شده فزاد رفته بود، و دولت میبایست ختم بر نواسه اصلاحات را پیش از آنکه خواست توده های مردم هر لحظه گسترده و گسترده تر شود، اعلام کند. اینان فریاد بر میآوردند که هر چه اصلاح کردیم نیست، دیگر نیست و گرنه دیگر کنترل همه مورالز دست میبرد. گروه دوم را حمایت بخشی از بورژوازی پر و بهر مند میکرد که اصلاحات را تا آن - انداز که انجام یافته بود، ضرور و کارگزی میدادست و پیشنها دش برای خروج از - بحران را جاری، تمسک به تمام روش های بود و در عین حال محدود کردن هر چه بیشتر جنبش کارگری، که با ورا اینان گویا - شایطین سرخ در میا نشان زنده کرده بودند برای اینان "ژنرال" ها ویرتا نلسن

در بخش گذشته عملکردهای خویشی بنا بر تریست "ولسکو" را در ربط با جنبش کارگری - دهقانان دیدیم. و - دیدیم که چگونه پویشی که به باور "جیزب کمونیست" (رفرمیست) پرو "ترا بودتا" از طریق رشدی غیر سرمایه داری پروراشا آستانه سوسیالیسم و یا از آن فراتر تا خود بسط سوسیالیسم نکشاند، چگونه خنجر صنعت طبقاتی بورژوازی را بر گلوگاه کارگران و زحمتکاران گذاشتند و چگونه هر حرکت کوچک اعتراضی را از سوی اینان بخون نشانند. دیدیم که چگونه هنگامی که رهبران فاسد فرمیست بزیچکمه های ژنرال های خویشا گل می ریختند و در - خیابان های لیمبا برایشان هورا می کشیدند گل و بویژه خویشا دست درخونجا لده ها - معدنچی قضایی شده معدن سرود با کسو - خویش کرده بود، بشیرورا همان را هر شد غیر سرمایه داری یکبار دیگر سرا از سنگلاخ ناگهان آمدی دیگر در آوردند و با سرنگونی - شان بدستال بحران فراگیر اقتصادی - سیاسی مسانه دهه هفتاد، یکبار دیگر تسلط روانی سوسیال فرمیست های جنایت - کار، بر نلسن های تاریخ جنبش جهانی - کارگری به مدد در آمد. در این بخش از - نوشته ها اثنا رای به روزهای آخر حیات رژیم (ولسکو) وارد، بررسی این دوره - هشت ساله را به پایان می بریم.

برنا مالاتا که نظامیان اعلام کرده بودند محتاج پول بود و این پول هم محل تا میانش دولت بود و این از این رو فرقه های خارجی ربه افزایش گذاشت. فی المثل صنایع نفت پرو که با کسری بودجه عظیمی دست بگریبان بود، قادر به این امر نبود که خود ربه کسشن لوله های جدید نفتی را بپردازد. دولت "ولسکو" قول فروش نفتی که قرار بود در آینده از منطقه آمازون استخراج شود، فرسه کلانی را از این تقاضا کرد. ریدر سلطان وار - سورو کراسی و به نوع امرای فرانسده تعداد کارکنان دولتی خود ربه کسرتده - ای برای امرای ریم بود که جاری کشور شده بود. و او میبایست وام بود که به خزانه دولت سرازیر میشد. بانکهای سکا نه و در این - آنها "سیتی بانک"، "بانک امریکای" و "همین ما آنها تا بانک" عملاً نقش دلال را در این میان بر دوش داشتند. میزان ۱۹۷۱ بهر رفته رفته با نجا کشیده که تا سال ۱۹۷۸ به رقمی معادل ۸ میلیارد دلار - بالغ گردید.

قرار بر این بود که با زبردخت ها که از سوی بانکهای بیگانه چنین گشاده دست در اختیار روز به ما ملاحظ "انقلابی" و لسکو قرار می گرفت، از محل ما در ات آبی پرو - تا میان شود. اما هر چه که زمان می گذشت از ما در ات گسترده خبری نبود. در نخستین گامها، تا تکید بر صمیمیتی کردن کسریسور بگونه ای موفقیت بار، به پهنه عمل نیز در میآمد. مثلاً محصول ناچالنی داخلی در فاصله سالهای ۱۹۶۹-۷۲ ۵/۵ درصد افزایش پیدا کرد. در این فاصله ما حیان صنعت قا در شدند تا ظرفیت موجود واحد های تولیدی به شکلی بسیار ما مورده بهره برداری قرار دهند. و در تولید محصولات صنعتی - تریخی برابری ۷/۱ درصد در سال داشت. پیکار ری رسمی - کا هت نشان میداد، اما برنا مالاتا صمیمیتی کردنی را که رژیم "ولسکو" برای پر و پیش نهاد بود خود بحسرا نیز بود و پرورای به آستانه بحران نشی ویرا نکسر میگشاند. بخش بهره زینه صنعت در مد چشم - گیری از ارز خارجی را که از فروش محصولات

در توزیع هر چه وسیعتر آثار سازمانی بکشیم!

رفقا! ما بارها بر اهمیت تکثیر و توزیع وسیع آثار سازمانی بخصوص در شرایط کنونی پای افشوده ایم، میگوئیم "بخصوص در شرایط کنونی چرا که اینک رژیم خونخوار جمهوری اسلامی تمام آزادیهای سیاسی را بزیر چکهای سیاه خود پامال کرده است. چرا که اینک نه تنها تمامی نشریات، مطبوعات، رادیو تلویزیون، تئاتر، سینماها و... به بند کشیده شده است، بلکه حتی هرگونه نظرات، صحبتها و سخنرانی بدون کفایت و بدون بلکه حتی بحثهای خجالتی خودها نیز جزایی چون زندان و اعدام یافته است. در این شرایط است که ما باید صدای آزمان، که همانا صدای پرولتاریای آگاه ایران است، بگوش و سیختر بسازیم. خودها را میتوان در صورت انقلاب و در زمان نقش بسزایی ایفا کند.

اینک خودها شنیده آگاه می آید، اینک خودها، که تمام اعتمادشان را از راه تلویزیون و مطبوعات مزدور برداشته اند، در پی کسب اخبار جنبش و در پی اطلاع از وقایع و رویدادها بهر سوری میاورند و آنکه گویا نقش خود را بدینی ایفا نکنند، نمیتوانند طمع خود را بی واداری بختیا ر میابند. از اینروست که ما باید خلق را سیراب کرد، باید شهر به شهر، کارخانه به کارخانه، گروه به گروه، خانه به خانه، در آگاه می آید، باید شهرها و روستاها را از اعلامیه پرستاند، باید خودها را در جریان تحولات و وقایع قرار داد، تجربیات مبارزاتی را منتقل نمود، اخبار را پخش کرد، تحلیلها را بدست کارگران و زحمتکشان رسانید و از این طریق آنان را حول پرچم سرخ و خونین سازمان گرد آورد و انقلاب را به پیش برد.

رفقا! هر چند اختناق و سرکوب پیدا میکنند، هر چند شب سیاه دیکتاتوری بر میهنمان سایه افکنده است، هر چند نهادهای خون از بارگاه خمینی و جلادانش جاری است، هر چند سزای نوشتن هر شما مرگ است، سزای پخش هر اعلامیه اعدام است و سزای توزیع هر نشریه را با گلوله های آمریکائی میدهند، اما ما از مرگ قویتریم، ما از خصم برتران تریم، ما این را در تار و پودرتان داده ایم، آنکه که در جبهه های جنگ فاشیستی اعلامیه ها را بدست سربازان نذر ما ندیم، آنکه که در زیر چکهای هیتلر و موسولینی دیوارها را از زخمبار میزانیان شتم، آنکه که در سکوت مرگبار دیکتاتوری فرا نگوییم، ما میزدیم، مرگ بردیکتاتور، آنکه که در شب تاریک شبلی در مقابل جلاد چپنوشه تعله های میلی خود را به نمایش نهادیم، آنکه که دهکده های استراتژیک آمریکائی در وینیتام را با آتش خنق خلق سوختیم، آنکه که سوختیم از اسیرگون کردیم، ما نشان داده ایم که از مرگ قویتریم، ما فرزندان تا به پیشموتای بیخ به پیشموتای بیخ ما تا دریم بجوشیم، از هر کجایی از هر خانه، از هر مدرسه، از هر کارخانه، از هر شهر و شهرها را بزنیم، ما تا دریم قیام خود را در هر کجا، از هر کجایی، بگوش خلق بزنیم هر چند فرسای مسلسل و خمپان لفظی ای را موش نشود، اما فریادهای ما را ترا چوبه های اعدام است، آری - با تپان قدرت را به نمایش نهاد.

ما بارها در نشریه کار در مورد توزیع آثار سازمانی در رهنمودهای لازم داده ایم.

و بارها نیز تا کید کرده ایم خلافت و اینکار و رفقا آنکه که بدینستی بکار گرفته شود، در است در هر شرایط مشخص این رهنمودها را به نیت عمل بدل کرداد. اینست - گزارشات که از توزیع اعلامیه ها و تراکت ها و نشریات سازمانی بدست ما میبرسد، بخوبی بیابانگرایین مساله است که از نظر بدینستی این رهنمودها و همچنین انگارات و خلافت های خود را در راه اعتدلی جنبش خودها بکار گرفته اند. ما در همین تا کید مگر در برابر آل گزارشات و مفصل و دقیق از شیوه های توزیع و اینکارات و ابداست در این مورد و همچنین اینکارای وسیع - پر خورده های خودها به خفایت سازمانی به دیگر چند نمونه در این مورد میبردا زیم تا رهنمود عملی ما رفقا گردد.

در تمام موارد دستما به ما تراکت ها، اعلامیه ها و شمارهای سازمانی و همچنین اخبار و رهنمودها در نشریه کار و مقالات آن است که بهر وسیله به صورت دستنویس یا پلی کپی تکثیر شده یا بر روی کاغذهای سفید نوشته شده است، عمل توزیع میخواهند و نقره (و این شکل کاملاً راجحیت دارد) و باید در شرایط کنونی حتی بنگرفه انجام گردد. در تمام موارد ما تا کید بسیار در مراحل جنوب شهر محلات زحمتکش نشین و کارگزاران را ریم.

میتوان نوشتجات را در داخل تلفنهای عمومی بسیارند و با تعداد ۳ الی ۵ عدد بصورت تا شده (مجازاً زهم) در آنجا نهاد و پس از تلفنهای مختصر سراسر آن مکان دیگر رفت، در این رابطه زمانها که تلفن - ها خلوت است مثلاً صبحها مناسب تر میباشد.

رفقای ما در مواردی در داخل سینماها اقدام به پخش اعلامیه کرده اند، این عمل میتواند در موقع خروج تماشاگران آنجا که در مقابل در خروجی اقدام میباشد - انجام گیرد، به بصورت که دسته اعلامیه بر زمین انداخت شود و با حرکت با سرعت در یک زمین پخش گردد. و با در همین هنگام در روی صندلیها چیده شود تا تماشاگران بعدی اعلامیه ها را بردارند.

رفقای ما در مواردی، با زیرکی تمام اعلامیه ها را در میان روزنامه های روزنامه فروشان نهادند، این مورد را میتوان به شکلی دیگر تصمیم داد. رفقا میتوانند تعدادی مثلاً ۵۰ عدد از روزنامه بخرند و پس از نهادن اعلامیه در وسط آنها - روزنامه را به اعلامیه که مثلاً ۱۰۰ عدد در سرچهارا را خلوغ بفرودند و از محیط خارج شوند.

در مواردی دیگر رفقا در تاکسی، در صدلی عقب اعلامیه نهادند و در تاکسی تویوس کاغذهای سفید را چسبانده اند.

برخی از رفقا از بستان شهری جهت ارسال اعلامیه و نشریات سازمانی استفاده میکنند این عمل هر چند میتواند مشکل سازماندهی است سرخ (که ما آنرا در مقابل ارگان - سازمانی توضیح داده ایم) صورت گیرد اما در صورت نداشتن آدرسهای مشخص نیز میتوان محلات زحمتکش نشین را شناسایی کرد و به آدرسهای متعددی آن اعلامیه و نشریه پست نمود.

از دیگر شیوه ها انجام عمل پخش در - فریادها یا بزرگ و خلوغ است. (این عمل عمدتاً در تهران و شهرهای بزرگ قابل استفاده است)

تجرباتی این روشها جز شیوه های معمول توزیع یعنی پخش در منزل، چسبانیدن در کوزه ها، پخش در کاغذها، توزیع جلوی مدارس یا موزون (وما برای این شیوه تا کید داریم) ما با پخش و رفقا توضیح داده ایم.

رفقا! انقلاب به پیش میبرد و هر روز پیش از پیش بر و با بفسنگین ما میافزاید. - با استواری به چنین وقت باقی تنها با - بکار رگبری تمام می توان مبارزات و از اینروست که ما باید هر لحظه را در خدمت انقلاب بکار گرفت.

شرایط کنونی این عمل تنها با بدین از تطویل مدارس صورت گیرد زیرا پخش در صبح بعلمت بختیش بدینی دانش آموزان تا شهری نخواهد داشت او... است.

بکی دیگر از شیوه های تبلیغی که از سوی رفقا بکار گرفته شده و ما ضرورت انجام آنرا به شما می رفقا و هماداران خود میگوئیم. شما باید از این جهت انجام تبلیغی شما می است. میتوان در ساعاتی از روز که تلفن های عمومی خلوت است، و این ساعاتی است که عموماً مردم در خانه ها و مطبوعات، با گرفتن شماره های - متفقاوت به تبلیغ مواضع سازمان و افشاکری پرداخت. در این مورد نکات - متعددی را با پندار پست کرد. اولاً - میتوان با داشتن شماره های اول تلفن محلات محله های خود را در نظر گرفته برای تبلیغ اختتام کرد. بوماً - میتوان با بدینست آوردن شماره تلفن همکلاسیها، همکاران و هم مطبوعات، با گرفتن و با کمک رفقای دیگر که مدایش شناخته شده نیست این شیوه را در مورد آنان بکار گرفت. در همین حال میتوان در ابتدا این شیوه را برای امتحال اخبار جنبش بکار گرفت و بعد بطریق وسیله اخبار را به پخش نمود و در روند رشد آنرا به تبلیغ مواضع سازمانی تبدیل نمود. با پندار با بکار رگبری این شیوه مدت زمان مشخص و محدود را برای هر تلفن در نظر گرفت و پس از آن مدت بلافاصله عمل را ترک نمود.

رفقا! انقلاب به پیش میبرد و هر روز پیش از پیش بر و با بفسنگین ما میافزاید. - با استواری به چنین وقت باقی تنها با - بکار رگبری تمام می توان مبارزات و از اینروست که ما باید هر لحظه را در خدمت انقلاب بکار گرفت.

زنده باد

طاعت و ناسیونالیسم را و چاقا قدران - آبرویش شده بود. نیروهای شبه نظامی را نیز اشغال کردند. که البته این اشغال - ها دیرپا نبود. چرا که ارتش به بیکار نیروهای خود را به نایبنا جهان آسمانی به عوایب آنها آورد و "نظم" برقرار شد. حوادتی که در طول چند روز بدنیستال هم آمد، مهمترین زمینه را برای عقبه حاسبا و توفیق گریها، برای کسب قدرت فراهم آورد. خونهای نظامی تصمیم گرفت زنیال و لنگوال و اردو پهر و بیما را از رهبری زیر پرچم خود با پیش زنیال "مرا نسیمکومورا لهر پورا" را - چا نشین کند. اما در همین حال بیشترین تلاش نیز بکار گرفته شد که این فعل - و انفعالات بی درده زنیی سرودا صورت بگیرد و سرخ از دست در نرود. پهر روز کا بینه "مورا لهر پورا" همان کا بینه قبلی باقی ماند. حداقل قرار شد تا بدنی همان باقی بماند.

بهر افتادن و لنگوال از سر قدرت معنای نداشت چیزی با نهای بر حیات خونهای هشت ساله بنا با رنجیست. هنگامی که او به پولیس خبر افتادن و لنگوال - ال وارد و "ا اعلامیه که عمدتاً "ا اخباری ن معدودا از مردم لیساکه عمدتاً "ا اخباری ن تشکیل میدهند در پیرامون کاغذ و پاست جمهوری جمع شده. در میدان "فوز" طبقه و اقشاری که از اطلاعات و لنگوال - بیشترین بهره را بردند، خبری نشود. این خودکا، آن بود که برای تا رسیدن مبارزه طبقه ای ما میبرود، از مایش رژیمی بنا با رنجیم پسر آمده است.



گزارشهای روستائی

گزارشی از جریان تشکیل شوراهای روستائی در روستای غنبران (کناره سرخاب انزلی)

در روز ۲۵/۸/۶۰، سه پاسبان در آن وارد محل گردیدند و از اهالی محل بابت بلندگوخواست برای تشکیل شورا، به مسجد بیایند. وقتی اهالی در مسجد جمع شدند با صدا ربا شویه اما چشمتی با تفنگ خویش برای مردم بختراستی میکند: "قبل از همه اعلام میکنم که من نه به عنوان یک محلی بلکه به عنوان یک سنا هی برای تشکیل شورا به اینجا آمده ام و هدفم دیگر همانا فرستادن ما - هیچ هدفی جز الله و اسلامنداریم و با او کنیداگر کسی خدای ناخواسته بخواد جلسها را به هم بزند تحویل سنا هی میدهیم و دما را زوروزگارش در میاوریم و سپس شروع به خواندن آیه کرد. با صدا ربه همین شیوه تا مدتی با زهم مردم را تهدید کرد و از آنها خواست که آفرادش را با صد مؤمن به اسلام باشند طبق گفته امام همه ما با پدسا زمان اطلاعات با شیمتسا بتوانیم فدا انقلاب را ریشه کن کنیم" در این هنگام یکی از اعضاء انجمن اسلامی آسا هی پنج نفر را به عنوان شورای طلای و دو نفر را به عنوان علی لیدل به پادار میدهد. از گوشه و کنا رسجدملوات اعتراض بلند میشود، یک روستائی شجاعانه از

جای خود بلند میشود و میگوید: اگر ما آمده ایم بنا بر اینست که خود را انتخاب کنیم اما زده بدهید که رای میدهیم، اگر قرار است شما انتخاب کنید بهتر بود که با نامی آدمیم، یک نفر دیگر فریاد میزند: مگر زنها و دخترها آدم نیستند که شما بسد شرکت کنند. با صدا رزمی میگوید ما شین استهلاک دارد هر طور شده امروز با بسد شورا تعیین شود، ما دیگر نمی توانیم برگردیم. اعتراض مردم داد ما پیدا میکند ولی با لایحه رای گیری شروع میشود. ولی پس از شمارش آراء فقط دو نفر از اعضا انجمن اسلامی یکی اصلی و یکی علی لیدل رای میاورند و بقیه از خود مردم بودند. با صدا رزمی میگوید با بدوری این کسائی که غیر از انجمن هستند تحقیق شود در صورتی مورد قبول خواهند بود که مکتبی بودنشان مشخص باشد. روز بعد با صدا رزمی میگوید دو نفر را که بیشترین رای را آورده بودند و از انجمن ها نبودند برکتا روز ۳ نفر از انجمنی ها را اجاسی آنها انتخاب میکنند. این حرکت با عت تنفروا نزجا مردم را زور میگردید. در هنگام ترک جلسه با هم می گفتند: اینجا زور شاهانه خود را با ما نشان دادند بکی گفت آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند اما غمخیزی دیگران غنبدند و آزار می گفتند این شمار عوش شده: مردم هیچ غلطی نمی توانستند بکنند اما غمخیزی. در روستای دیگر که روزیم همین شیوه را در پیش گرفته بود، افشاگریهای هوا داران تا زمان وصحت آنها من پیرامون یک انتخابات و اقصی بطور محسوس تا شبرات خود را برجاسی رود

مسئول دولت برای خرید برونج در یک جلسه عمومی مطرح ساخت که دولت از وقتی طرح خرید برونج را پیاپی کرده است کتا ورزان از فروش برونج خود را می میکنند و دولت با سرما پد را ن (تجا برونج) طرف معا مله می شود سرما پد را ن هم برونجهای درجه یک دور را با برونجهای آمریکا ش که قبلا خریده بودند مغلوط کرده به دولت می فروشد و ما هم تحویل

میگیریم وی گفت حتی پس از اینکه دولت نرخ خرید را یک تومان هم افزایش داد باز روستائیان حاضر فریب فروش نیستند. تنها آنها ش که احتیاج شدید به پول دارند مثلا بدهگاری زیاد دارند می فروشند. این واقعی است که خود عوام مل رزمیم بدان معترف اند در این رابطه کتا ورزی میگفت: "برنج را به دریا می ریزم ما به دولت نمی فروشیم. کتا ورزی میگفت: کتا ورزان وقتی میروند به انزلی، تسا برونجها را خود را تحویل بدهند با کتا ورزی بدهگاریهای سالهای قبل مثل سال ۵۲ و ۵۳ را از بول برونجها کسری کنند. در مواردی روستائیان را و در برونجها را با صدا ران که با را میخواستند برونج را به قیمت تعیین شده دولت از آنها بخرند و از طرفی حاضر نبودند تسلیم تهدید با صدا ران شوند اقدام آنها ش زدن محمول خود کرده اند (دو نمونه گزارش شده است) با صدا ران این روستائیان را به بنام نا بودی بیت المال دستگیری کنند اکنون زندانی هستند. به علت همین برونج در رزمی برخی از روستائیان می گویند که سال آینده برونج نخواهند داشت. در این رابطه خبری شیز هست که دولت بسیاری از برونجهای مرغوب را بلندی و آمریکا ش را که در آنها رها بوده میروند کشیده تا به عنوان برونج داخلی خریده شده از روستائیان به بازار عرضه کند.

در ماه محرم سال به خلاف سنت سال های گذشته اهالی روستای "خرشتیم" شام به مسجد رفتند. بطوریکه از ۲۶۰ غلناور فقط ۵ خانوار به مسجد غلناور فرستادند که این عده نیز با به رزمیم هنوز تو هم دارند و پیاپی اینکه میروند. یکی از روستائیان علت این شامندان را وجود انجمن اسلامی در مسجد ذکر می کند. هفته پیش یکی از کشته شدگان در جبهه را در املاش تشیع می کنند. وی اهل قریه چماقستان بود. اما نکته جالب اینست که اهالی این قریه بطور وسیع این مراسم را تحریم می کنند.

بازار آیدها و پیشنهادات خود بخش تبلیغی نشر مکرر ایاری رسانید!

آنچه ما با پدسا انجام دهنیم عبارت است از دا من زدن کامل به ابتکارات، فعالیتها نقشها، پیروژهها، آنگاه ما نمایندگان لایق یک طبقه انقلابی هستیم، آنگاه بدولتاریا انقلاب را می نگویند که قهرمانان شروع کرده کامل خواهند نمود.

رفقا! لحظاتی است که دور انما زند، کتا کش ما بین دو فدا انقلاب و فدا انقلاب بسه لحظاتی قطعی خود نزدیک میشود. چشم انداز قیامی دیگر پیش روی ما ست و در جهنت تحلیق پیروزی آن وظایفی بس سنگین بر دوش ما قرار گرفته است. پیش از پیشتر با پدسا توده ها در آمیخت بشما رهائی انقلاب را به میان آنها نبرد، از آنها ن فریاد گرفت به آنها ن آموخت و خلق را سا زمان داد در این رابطه هر شملر بلای غیبت در دست ما، هر تراکت تیری است در شتاب ما و هر اعلامیه بیکی است که فدائی ما را به توده ها

میرساند. شکاری که مناسب انتخاب کرد چون سندی روشن می شود و عمره های گوناگون جا معرا در می نورد و به پستان توده ها میروند و در قلب آنها ن جای میگیرد دهان بدهان میگردند، به حرکت در می آرد و بنیج می کنند از بنیروست که بخش تبلیغی کسار از شما می رفا می خواهد:

۱- ایده ها و ابتکارات تبلیغی خود را به ما انتقال دهید. هرگاه شماری در رابطه با شما شل توده ها و یا موافق ما زمان بنظران می میرد، هرگاه ایده، مناسبی جهت تراکت و یا اعلامیه دارید، هرگاه با شما می سرعت برای ما بفرستید ابتکارات و علائقت های خود را در امر تبلیغاتی به ما منتقل کنید، روشها شی را که توده ها در میارزات خود بکار می گیرند گزارش دهید، هرگاه شیوه های مناسبی جهت تبلیغ توده ای را در شارب خود یافته اید، ترا بنویسید تا به ما مسی رفا، به شما می جنبش انتقال با بسد، شما ایده ها و ابتکارات و تخسیرات خود را در انتهای گزارشات توده ای و یا بصورت جدا گانه (که مسلما در این شکیل مناسب تر است) برای ما بفرستید. ۲- شما با بفرمایید خود را بزنید، بنویسید و با بگیری و گوش و سر نشستی یک انقلابی آنرا دنبال کنید، فرا توش

نکند که انتقاد دیگری از بنیروست نریستن نلاهی ما ست. تراکتی را که میخواهید و از محتوا و یا شکل آن انتقاد دارید شکاری می شنود و یا در پای نشر می می بیند و آنرا منطبق با شرایط جامعه و ذهنیات توده ها نمی پد، اعلامیه ها در بنیروست می شود، ما شل مبرمی را می بینید که ما زمان در رابطه با آن فعالیت نمی کنند..... تا مل نکند، قلم و کاغذ بردارید و انتقاد و دلایل خود را بنویسید و برای ما ارسال دارید، یک کلمه غفلت از شما فدائیان خلق، تا بخشودنی است. رفا! حتما و حتما نشریه کار را به نقد بکشید، و این را جزو وظایف خود بشمارید. انتقادات خود در تمام می موار در راه برونجها گزارشات خود برای ما ارسال دارید. و از این راه این بخش از شما زمان و در راه به بشرد و با پدسا انقلابی یاری رسانید. ما شیز خود را موظف میدانیم تا با تمام توان در بر خوردی غلاق این نظرات و ایده ها، پیشنهادات و انتقادات رفا کوشا با شیم. پس دست بکار شویم - ابتکار و علائقت خود را به شما می بکار گیریم، از غلشی بیایم و بزم و جنبش خلق را ارتقا میدهیم. با پدس شوری غنک و عالی را بوزنگسی جوشان بدل ساعت

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

اخبار مدارس

تهران

دبیرستان دکتر هوشیار (بهشتی) تهران - ۶۰/۸/۲۵: ساعت ۹/۲۰ دقیقه در قلمه زنگ تفریح تعدادی اعلامیه را از پنجره کلاس به پایین ریختند، در آن قسمت که اعلامیه ها را ریخته بودند جنب و جوش بین بچه ها بود اما مد ساعت بمسد مسئولین مدرسه به کلاسها رفته و با تهدید و ارباب در جستجوی بخش کننده اعلامیه ها بودند و بعد از آن روزان هشدار میدادند که تحت نفوذ این عناصر قرار نگیرند ولی دانش آموزان با استقبال از این مسئله با دیکر دستها را بکنگه اعلامیه سازمان را می پندیدند و مدتها را و لیبای مدرسه را به تسمخر می گرفتند تا ظم مدرسه بسیار رسمی بود زیرا بعد از آنهمه تفتیش و تهدید با اعلامیه بخش شده بود و آنها نتوانسته بودند جلوی آنرا بگیرند.

مدرسه بهار آزادی (شهرام باقی) - ۶۰/۸/۲۶: مدتی مدرسه خاندان دولت آبادی است، سابقه این خانم در خوش خدمتی به رژیم متفور به لوی برکنی پوشیده نیست و حالا و همین خوش خدمتی ها را به رژیم کنونی می نماید. به عنوان مثال مقرراتی به این شکل وضع نموده که اگر شاگردی از کلاس خواست بیرون بیاید میباید به دفتر مدرسه نامه و مشخصات و مدت غیبت او را از سر کلاس و زمان غیبت او را اطلاع دهد و آخرین نفری که از کلاس خارج میشود، خود میباید مسئول باشد. با وجود این سختگیری ها یکی از فرقا موفق میشود ۱۴ اعلامیه را بدینا و مدرسه بچسباند. این حرکت شور و شوقی در شاگردان بوجود می آورد و کلاسها همیشه افتاد و همه به یکدیگر میگفتند بروید و اعلامیه را بخوانید. یکی از دانش آموزان میگفت: کسی بخواد هدگاری بکند میکند و جلوبیش را نمی توانند بگیرند (اولیا) مدرسه خودشان را مسخره کرده اند که صبحها همه را میگردند و عده ای دیگر از مضمون اعلامیه برای یکدیگر صحبت میکردند بعد از دقیقه اعلامیه ها را پاره می کنند و در سطل آشغال می اندازند ولی دانش آموز دیگری تکه پاره ها را دور می پرتد و سطل آشغال میچسباند نظوری که بهتر خوانده میشود.

فرای آنروز تفتیش بدنی با دقت بیشتری انجام میشد حتی لای دفترها را دیده و برخی نوشته ها را هم می خواندند. خانم دولت آبادی اولتیماتوم داد که من دیگر سرم نمی شوم از آنرا خارج کردن خوش نمی آید ولی میبایم چون به درس دیگران لطمه می زند!؟ (بخوان به موقعیت خانم دولت آبادی لطمه میزند)

تهران

اخبار دبیرستان منوچهری اهواز بین دانش آموزان مبارز و انقلابی حزب اللهی ها درگیری شدید گرفت که انقلابیون توانستند حزب اللهی ها را به عقب نشینی وادار نمایند.

فلاحیه (شادگان)

رژیم مزدور را استخادم میکنند رژیم فدا خلقی جمهوزی اسلامی برای ادا زندگی نتگین خویش بهر کاری دست میزند. سپاه با سدا را ن فلاحیه جهت با مطبلاحت کنترل دانش آموزان، اخبار "تعدادی از دانش آموزان نا آگاه را که ضمن نظر مالی احتیاج شدید پول دارند، با دادن ماهی ۵۰۰ تومان اجبر کرده است تا به جا سوسی در مدارس پرداخته، انقلابیون و معترضین را به سپاه معرفی

نما پند، جالب اینک بسیاری از این دانش آموزان حاضر به همکاری با رژیم نشده و حتی دست به افشگری زده اند.

دربیک از مدارس اهواز، دانش آموزی با لگد بر روی قوطی خالی ساندنبتنی (عصاره انگور) میگوید که بر حسب اتفاق از قوطی صدائی شبیه انفجار خارج میشود بعد از این عمل، عده ای حزب اللهی اطراف او را گرفته و میگفتند، این ضد انقلاب و غرابکا رهو این نشانه های ولیه اوست و تا پذیرد با بمب گذاری بکنند... معاون دبیرستان با دیدن این وضعیت وساطت کرده و میگوید "با جون، اینک به نشیما تا یک اتفاق کوچکی بیفته زود بر حسب خدا انقلاب بزنید و تحویل سپاه بدهید. دبیرستان مسئول داره... تا سلامتی مدبر داره... بعد با این حرکت خودن دانش آموزان از جنگ آنها خارج میماند و وظوا هرا "برای نصیحت و تنبیه به دفتر میبرد.

مدرسه پروین اعتمادی - ۶۰/۸/۲۷: در انتفا با شی که دانش آموزان این مدرسه برای تعیین نمایندگان خود کرده بودند دانش آموزان انقلابی انتقاد شده بودند ولی وقتی مسئول امور تربیتی از آموزش و پرورش استدعا می نمود که نمایندگان را عوض کند، در بعضی از کلاسها که دانش آموزان به این عمل اذیت مدرسه اعتراض نموده و انتفا با خود را بر حق میدانستند تا تغییر نام پنده خود شدند ولی آن کلاسها شی که نا بگیری در دفاع از حقوق خودشان دادند نام پنده - اشان عوض شد.

ما هشیه

دربیک از کلاسهای چهارم نظری، محملی معلم دینی خود را با پرتاب کاغذ جلاسه شده تسمخر و اذیت می نماید. معلم دینی که در ضمن روحانی بوده است به طرف دفتر رفته و پس از تلفظ به سپاه، با تعدادی پا سدا را سر کلاس حاضر میشود. پا سدا را نام محملین را بیرون می اندر و تهدید می کنند که اگر شخصی مذبور را لوندند همه شما را فلان و بیمان می کنیم. ولی دانش آموزان هیچک حاضر به افشا و لو دادن دوست خود نمی شوند و با دیگر میمانند - اتحاد خویش را در مقابل ارتجاع زبون به نمایش میگذاردند.

سیزدهم آن که جمعا د ف با روز دانش آموز بود با سدا را ن ارتجاع بعد از سخنرانی دربیک از مدارس، دانش آموزان را تهدید می کنند چنانچه موقع راهیما شی حضور ندا شته باشند، بعد از حضور و غیاب با سدا را را با داشت خوا هم کرد و بعد هر چه کسه دیدند از چشم خود دیده اند! اما دانش آموزان با تمام این تهدیدات بمسد از اتما حضور و غیاب، موقع راهیما شی تمبیلی از سوی سپاه، یکی یکی از صف خارج شده و عده زیادی از سیمهای خاردار با رنگت نزدیک محل راهیما شی با سپه فرا میگذاردند. پا سدا را ن هم برای دستگیر آنها به سدا لشان میدوند اما موفق به دستگیری هیچک از آنها نمی شوند. به هنگام راهیما شی هم تعدادی که با لاجبار نتوانسته بودند بگریزند در جواب شما رهائی که از سوی سپاه داده میشد، فقط شما را "مرگ بر آمریکا" را تکرار میکردند و با این کارشان غشم و عصبانیت با سدا را ن را برانگیخته بودند. در او غرور راهیما شی جمعیت اولیه دانش آموزان به کمتر از یک چهارم تقلیل یافته بود که این مسود نشانه ها مسطح رشد و آگاهی دانش آموزان انقلابی میماند نبود.

به نقل از خروش - تهریب هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شیراز (شماره ۹) روز دوشنبه ۶۰/۸/۲۶ حدود ۲۶ نفر از دانش آموزان انقلابی مدرسه دخترانه زینبیه فسا توسط عوامل ارتجاع از مدرسه اخراج میشوند. نما پنده این دانش آموزان که بعنوان اعتراض نسبت به این حرکت به دفتر مدرسه رفته بود، توسط مدیر متوجع مرودا هانت و فحاشی قرار میگیرد و توسط گارد مدرسه (انجمن اسلامی) مورد حمله قرار میگیرد. در همین روز نیز تعداد ۲۶ نفر دیگر از مدرسه دخترانه فسا طما منبسی اخراج میگردند. بنه نبال این عمل - ارتجاعی افرادی آن روز و اولدین دانش آموزان در مقابل اداره آموزش و پرورش تجمع نموده و ضمن اعتراضی به اخراج فرزندان خواهان بازگشت آنان به مدرسه میشوند. هم مقامات با ملاحظ مسئول مجای جواب، حزب اللهی ها را به سرافشان فرستاد و آنها را متفرق میکنند. این دانش آموزان هم چنان در حال بلاتکلیفی بسر میبرند.

تا کنون بیش از ۳۰۰ نفر از دانش آموزان مبارز و انقلابی این شهر از حق تحصیل محروم گشته و بیش از ۱۰۰ تن نیز در زندان های رژیم بسر میبرند.

گنیساوه - ۶۰/۷/۳۰

دانش آموزی به نام انگالی در حضور سرپرست آموزش و پرورش در زیر پردهای در نزدیکی شهرام عدم میگردد. بعد از شناسایی یک تیر به پای نا میرده آزی میخوانند که تیر بگندتا او را به بیما رستا ن برساند ولی دانش آموزیما رزا ضربه انگار نمی شود. تیر دوم را به سرا و شلیک می نماید و او را به شفا دت میرسانند. با شکر روزی اشتقا مخون این فرزندان دلیر خلق را از این دژخیمان بگیریم.

رود - دبیرستان دکتر ممدق:

صبح روز ۱۳ آن هنگامی که صف دعا پیش را خواند و ما زم رفتن به کلاس بود یکی از افراد حزب اللهی به محطین گفت: امروز روز سیدما ما موروز دانش آموزان است با پدرا هیما شی کنیم ولی تا ظم مخالفت کرده و گفت: آقای خورث - (رئیس آموزش و پرورش) به ما اجازه را هیما شی را نداده با پدرا هیما شیان بروید. یک حزب اللهی دیگر از میان دانش آموزان گفت: آقای خورث یک سا و اکی است چطور جرئت می کند روز سیدما اما ما هیما شی را لوفکند؟ نتیجه این اختلاف رفتن دانش آموزان به کلاس بود ولی در ساعت بعدیک حزب اللهی در صف از دانش آموزان خواست به سخنرانی اش گوش کنند ولی عده ای از دانش آموزان به کلاس رفته و عده ای دیگر با توال رفتن وغیره اعتراض خود را نشان دادند. در نتیجه صفی تشکیل نشد. با لاف حزب اللهی با تهدید و ارباب و با همکاری اکثریتیها به عنا وین مختلف موفق شدند از ۵۰۰ دانش آموزان دبیرستان حدود ۱۵۰ نفر را به راهیما شی بگشانند. از میان این عده نیز بسیاری در سبزه افرا رگرددند.



ارگان سازمانی، نقش و وظایف آن (۸)

مبارزات خود را حول ارگان سازمان - نثریه کار - سازمان دهم

وظیفه هورفیک در مقابل ارگان :

اینک میتوان به بررسی وظایف تک تک رفقای عمارفکلیای تشکلاتی و سیاسی هواداران غیرتشکلاتی پرداخت. جهت این عمل ابتدا نامهای راکه از سوی تحریریه ارگان مرکزی حزب کارسوسیال دمکرات روسیه در سال ۱۹۰۵ خطاب به شما می اعضاء و هواداران نوشته شده بطور کامل نقل میکنیم. و از رفقای میخواستیم بدقت به تمام نکات آن توجه کنند. لکن در این نامه گوشه های غریبی از وظایف رفقای حزبی در مقابل ارگان را بررسی میکنیم.

از طرف هیئت تحریریه ارگان مرکزی حزب کارسوسیال دمکراتیک روسیه :

رفقا! ما میخواهیم توجه شما را به یکی از روش های همکاری در باره مساله تبلیغات، بین ارگان مرکزی و مطبوعات مختلف محلی جلب کنیم. ارگان مرکزی اغلب اوقات متهم به این میشود که با جنبش شما منظم نداند، از زبان غیر-متداول استفاده میکند و غیره و غیره... البته در این ملامت ها حقیقتی نهفته است، و ما کاملاً گامی که ما گامی که از فاصله دور هدایت میشود، در چنین دوران پر حادثه ای کافی نیست. بهرحال جدا بی ما بختی بسبب ارتباطات نا دروغ غیر منظم ارگان مرکزی و گروه های سوسیال - دمکرات محلی و گنجینه همگاری غیر کافی این دو است. ما کاملاً موافقیم که شما راه انداز گامی کمک نمیکنیم، اما همچنین

شما نیز به انداز گامی شما کمک نمیکنید. ما اکنون میخواهیم بشکلی رفقانه، توجه شما را به رفع یکی از این نواقص معطوف سازیم.

رفقای که در محل هستند از ارگان مرکزی در جهت اهداف تبلیغی به انداز گامی استفاده نمیکنند. ارگان مرکزی دیر میرسد و تعدادی که میرسد کم است. بنا بر این اغلب اوقات ضروری است که:

۱- مقالات و مطالب در نشریات محلی تجدید چاپ شود. ۲- بیشتر اوقات شما را (مقالات) ارگان مرکزی در نشریات محلی به زبان عامه فهم تر در آورده شود و توضیح داده شود. در ضمن انجام امور فوق، شما ممکن است آنها را کاغذ نکنید، مختصر کنید، تغییر دهید، غیره و غیره... زیرا شما به این علت که در محل هستید نمیتوانید به هیچ وجهی به تر است. این مطلب در مورد شما ام انتشارات حزبی در مواردی مدق میکند. ۳- اغلب اوقات از ارگان مرکزی در نشریات محلی نقل کنید تا توجه ها هر چه بیشتر با عنوان ارگان مرکزی، با ایده داشتن یک روزنامه دانشی خوشتر است. با ایده داشتن یک مرکز (رهبری) ایده تلوژیک برای خودشان چیزی که فا درنده میباشند به آن رجوع کنند و غیره آشنا شوند. شما با پدید آمدن مواقع بگوئید در نشریات خود ذکر کنید که درست همین ایده رفلان مقاله "پرولتاری" مطرح شده است. و با آن اخبار در استان مطلبی که ارگان مرکزی منتشر کرده است وجود دارد و غیره... این مساله برای

آشنا کردن توده ها با ارگان مرکزی ما و گسترش نفوذ ما در شما می زمینه ها بسیار مهم است.

کمیته های محلی اغلب اوقات مقالاتی را که خیلی موردتوجه شما است نوشته اند. آنچه که در ارگان مرکزی بسیار مهم است را در نشریات محلی شما هم چاپ کنید. (در هر مورد با کمیته های محلی مشورت کنید). نشریات محلی را به پیش نویس قانون اساسی، و غیره در مورد مساله ارتش انقلابی و برپا نهادن دولت است. انقلابی، در باره تحریم دوما، دولتی و غیره و غیره) شما با بدست گرفتن شما می استفاده های ممکن را از ارگان مرکزی در تبلیغات محلی خود بکنید. به تنها بنا تجدید چاپ آن، بلکه همچنین با توضیح ایده ها و شما را به آن در نشریات خود با تکمیل کردن و ارتقاء دادن آنها جهت انطباق با شرایط محلی و غیره... این مساله بسیار مهم است برای ایجاد همگامی واقعی بین ما. برای تبادل نظر شما، تصحیح شما را به ما و آشنا کردن توده های کارگران با این واقعیت که ما یک ارگان مرکزی دانشی حزبی داریم اهمیت دارد. ما بسیار جدی تقاضا می کنیم که این نامه در شما مساله ها و حوزوهای مطالعه شما با شین ترین سطح خواننده شود و مورد بحث قرار گیرد.

هیئت تحریریه "پرولتاری"
۲ سپتامبر ۱۹۰۵
کلیات آثاری لنین، جلد ۹، صفحه ۲۸۹، ۲۸۸
شما می تا کنید تا لنین است.
دنباله دارد"

چرا رهبران جناح راست اکثریت هواداران را از اوضاع بین المللی بی خبر نگه میدارند

پورتونیسهای اکثریتی راست کوش کرده اند که برای توجیه نظرات خود در مورد کمیته کنونی از روابط بین المللی بین دولتها بسود خود بهره برداری کنند. ما بدون اینکه وارد این مطلب شویم که شرایط اولی بین کشورهای سوسیالیستی و سایر کشورهای با بهره منای استوار باشد بی با بودن استدلال رهبران اکثریت راست را با فاکت های مشخص بر سرلا میکنیم در این مورد مثالهای زیر قابل توجه است.

۱- هنگامیکه راجی ویا هنرگشته شدند دولت کوبا به روزهای عمومی اعلام نمود. اکثریتی ها و توده ایها به هواداران خود گفتند، ببینید این حکومت قدر متری است که کوبا به روزهای عمومی اعلام میکند؟ ولی از بحث به پورتونیسهای پس از چندین ساعات نیز گذشته میشود این بار هم کوبا ۲ روز آنکولا ۲ روز، گره شمالی یک روز و ده ای دیگر از کشورهای سوسیالیستی هم کم و بیش برای عمومی اعلام میکنند حال معلوم نیست بر طبق این استدلال آیا ما ذات هم معرفی و فدا مهربان نیست

پوده است ؟

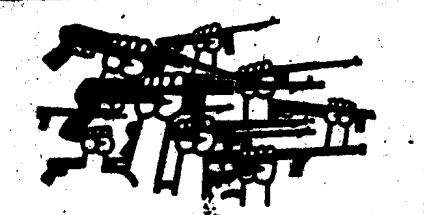
۲- هنگامیکه ایران بعنوان ناظر در کنفرانس جنبه متعاقب دعوت شد، رفرمیت ها با جنجال از دست گیری رادیکال و سوسیالیستی دولت ایران محبت کردند. اما هنگامیکه نیروی اصلی این جنبه یعنی نیروهای جنبش فلسطین شروع به حمایت از ما دیدیم و دیگر نیروهای انقلابی کردند هیچ حمایتی به میان نیامدند. از ملاقات ها نی الحسن با مسعود رجوی صحبتی نکردند و از موضع گیری نشریه الهدف (متعلق به جنبه خلق برای آزادی فلسطین) صحبتی نکردند.

۳- هنگامیکه فلان حزب (برادر حزب خود) بود همین موضع گیری میکنند. سرودای بسیار راه میاندازند و دولتی هنگامیکه مسئول روابط خارجی حزب کمونیست ایالتی ویا جریانی از همین سطح مسعود رجوی مذاکره و ملاقات میکنند صحبتی نمیکنند. این موضع گیریها انسان را به موضع گیری روزنامه جمهوری اسلامی می اندازد که هنگامیکه ملاقات بین بلا صحبتی راجع به ایران و انقلاب اسلامی به رهبری خمینی میکنند

سرودا بسیار راه میاندازد ولی هنگامیکه همین آقای احمدین بلای مسعود رجوی دریا ریس ملاقات میکنند و از ما هدیه ستایش میکنند سکوت میکند، احمدین بلا را میتران الجزایر میخوانند. در تمام این موضع گیریها یک خط زرد مشخص میشود، نیاید توده ها واقفیتات مسائل جهانی و ریختن توهم جریانات سیاسی بین المللی نسبت به حکومت کنونی با غیر نمود.

اخبار شهرستانها، بنفیه از صفحه ۱۹ به آتش میکشند و قعدا شدند و را تا شهر روی زمین بکشند که فراموش شده مزدوران از این کار جلوگیری میکنند.

حرکت اخیر بهیچترگان کومله تا شهر زیبا دی در روحم مردم سنج گذاشت و درس خوبی به مزدوران و جاشها دادند. رژیم که از ما بلای بهیچترگان قهرمان ها جز است زبونی خود را با اعدا متعاقب از جوانان، به همگان نشان داد.



مبارز ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

مردم چه میگویند؟ مردم چه میخواهند؟

در یکی از روستاهای حومه غرب تهران ۲۰ تا ۲۵ نفر از روستائیان در جریان قیام، چون بسیاری از روستاهای دیگر، مقداری از زمینهای زمینداران بزرگ را مصادره کرده و بر روی آن به کشت و زرع پرداختند، در اوایل آبانماه هیئت هفت نفره به این روستا رفت تا چون بنا بر روستاها در مورد زمینها تصمیم بگیرد. هیئت جهت پیشبرد سیاستهای عدل خلقی رژیم ابتدا با شورای فرمانی محل همدست شد، مثلا به یکی میگفتند "شما زمینهای مصادره شده را در اختیاردارند، جمع آوری نمود و سپس جهت پس گرفتن اراضی روستائیان به بهانه های مضحکی متوسل شد، مثلا به یکی میگفتند "شما وادانته را ویدونیا بد زمین داشته باشید" به دیگری میگفتند "شما مفازه دارید پس زمین نمیتوانی داشته باشی" و به سطرین زمین لازم برای پس گرفتن زمینهای مزروعی روستائیان مهیا گشت. اما روستائیان بسیار را ضعیف و معتزندی به طرق مختلف به مقابله و مقاومت در مقابل هیئت میبردانند.

یکی از کشتاورزان میگوید "ببین چه جور مردم را از زمینها آخه کدام پسر سوخته ای رفته گفته اینها کشت و زرع میکنند ببین چه جور اختلاف میاندازند، پسر سوخته رستاخیزی رفته تو شورا برای همین کارها کشت و زرع دیگری میگوید "خوب اگر بخواهند زمین مرا بگیرند من بگفتم عقب نمیروم، با بد زمین ارباب ترا که ۱۰۰ هکتار است بگیرند نه مال مرا که ۲ هکتار

بیشتر نیست" یکی از جوانان آگاه میگوید "اینها میگویند هر کس مفازه و یا ما شین با چند گوسفند را ردیمیتوا ند زمین داشته باشا ما با وجود آنکه همه زمینداران بزرگ را میشنا سنا اطلاق آنها نمیروند. در واقع هیئت ۲ نفره سنگ را بسته وگ را اول گرفته است همان کشت و زرع با عصبانیت گفت "یکدفعه دولت بیاید بگیرد زمینها بیا را بدهید، چرا اینطور میکند، بگیرد بدهد ارباب مثل زمان شاه، ارباب ترا کتور دارد، دستگشاه دار بدیمیتوا ند بهره برداری کند، مثل قدیم یکدفعه ۲ نفره که در آنجا حضور داشت کشتا بیا زوستا که در آنجا حضور داشت در همین حال گفت "یک روز دولت زمین را از شما بگیرد همه شما لگ با ارباب متعهد میخوردن از ما لگ هم بگیرد. این اول کاره" یکی دیگر از روستائیان که هوسل ما شین دار دو هم قطعه ای زمین دار در حرف بنا را قطع کرد و گفت "زمان شاه وادارها به محض اینکه وارد محل میشدند مرغ و غذا و پول میگرفتند و کبسه تا پرا میگردند، حالا اینها هم همینکار را میکنند" و پسر جوان گفت "اینها کارهای دیگری را هم خیلی خوب انجام میدهند، مثلا زمان شاه هر دهقانی جلوا ربا بش میبشاد، بعنوان فدتا سرکوبش میکردند و امروز هم بعنوان فدتا انقلاب، منتهی هر جا ارباب نیست هیئت ۲ نفره خودش ارباب میشود اگر هم خواستهایش را انجام ندهی میثوی فدتا انقلاب کشت و زرع که تا حالا کت بود و با تبسم و تکان دادن سر حرفها را تا شید میگردد گفت "راست میگوید تا حرف بزنی میگویند فدتا انقلاب، خیال میکنی کسه کردستان چطور شده این روزا فدتا، آنجا هم نمیگذاشتند مردم را حت با شند، دیدید چه خونریزی شد، اینها هم خونریزی نمیکنند دستم را قطع میکنم روستائی اولی با عشم بسا زگفت "تورا خدا نگاه کند"

پنجاه هزار کشته دادیم ما لانمی تونیم حرف بزنین، ببین چه جور غفلان آمده، مثل زمان شاه، آنوقت هم نمیشد حرف بزنی و در حالی که بیرون میرفت بشکلی مصمم و محکم میگوید من میخواهم زمینم را بگیرم ببینم کی میخواهد بگیرد روستائی دیگر بدنیال ارباب فدای بلند میگوید "اگر شده جا ترا فدای این زمین کنم یک تکه زمین را به آنها نخواهم داد" هنوز هیئت نتوانسته به حرفها پیشی جا به عمل بیوفا ند و با لاجبا ربا محسوان کردن این مطلب که فعلا مجلس در این مورد طرحی نداده، عقب نشینی کرده است. دهقانان ایران بیش از ۲/۵ سال است که در جهت تحقق خواستهای دمکراتیک خود به شیوه های مختلف در مقابل رژیم ایستاده اند. در این راه آنها رب گونا گون کسب کرده اند، شورا های دهقانی ترکمن صحرا، بنکده های سندج، معارضه زمینهای زمینداران بزرگ، مقابله با فئودالها که اجباری برنج زدند به رژیم... اشغال متفاوت عمل مستقیم دهقانان در قبال سیاستهای سرکوبگرانه و عدل خلقی رژیم است. در مقابل رژیم که زکشتا راهی - وحشیانه سرکوب عربان، تسلیم فئودالها، و حمایت از زمینداران طرفی نیست است اینک به هیئت های هفت نفره متوسل شده است تا مگر با قریب و شیرینک و در همین تا مین منافع زمینداران پسر مبارزات دهقانی مبارزند. اما عملکردهای این هیئت ها بدرستی گامی بیشتر در جهت اقتضای ما هیئت رژیم بکین نهاده است و گنار را بجای رساننده که رژیم با اگراه هر چه شما مترقمداد دیده اجرای بند "ج" پیدا زد تا مگر مردم را انقلاب پیروز کرد. اما جوانان تمیق شونده و مبارزات او بگیرند - دهقانان خود بهترین دلبلی است که مطلق این رویای شیرین رژیم را اشبات میکنند.

بار دیگر جلاد دوفدایی ز بر خلق ربود مردم مبارز مسجد سلیمان!



بار دیگر جلادان رژیم جمهوری اسلامی با تبهارانه ترین شیوه دو تن از بهترین فرزندان خلق را به شهادت رساندند.

فدائیان خلق، رفقاهو سنگ والی زاده و علی ململی که حد و دوسال پیش به هنگام

بخش اعلامیه دستگیر و دو سال زندان محکوم شده بودند، پس از اتمام محکومیت همچنان در زندان نگاه داشته شدند

و پس از دو سال و دو ماه اسارت، بدون محاکمه توسط دژخمان جمهوری اسلامی تیرباران گشتند.

مردم قهرمان مسجد سلیمان هرگز خاطره فرزندان مبارز خود را فراموش نمی کنند. با افتاء رژیم ضد خلقی و گسرتن مبارزات

خود جهت سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی خاطره فرزندان قهرمان خلق را گرامی داریم.

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی - مرگ بر خمینی خون آشام - زنده باد شوراهای انقلابی

پیش سوی تشکیل مجلس مؤسسان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - حوزستان



سیاستهای

بقیه از صفحه ۱
 رژیم در ابتدا کوشید با ردیگر با بیاری فریب و شیرینک و بخصوص با سودجویی از - توهمات مذهبی، توده ها را به جا سوسی برودا متقلبهین و آدا ردوا زا بنوعی علاوه برتسا می نیروی تبلیغاتی خود به فتوی خمینی نیز متوسل شد اما خلقها نفسی دندان شکن به جلاد داد، توده ها نه تنها تن به جا سوسی و با بقول رژیمین ساواکی شدن ندادند، بلکه برای از نجا روتنفر آنان از این عمل - که درتسا می گزارشات ما بخوبی مشهود است - مفت محکمی بود در مقابل سیاستهای فده خلقی رژیم، بهر رو حال که مقدس خمینی ظهیرا از افتاد و این با رفتاری تبلیغی از توده ها را به حرکت درنیا آورد بلکه آنچنان افشاحی بنسار آمد که رژیم میبوی به جای نشانی تاسی چون کندی ما در طریق اعلامیه، هرگناه بخوبی بهر خود و سیمترین افشا رتوده ها با این عمل را در یک جمله خلاصه کنیم - میتوان جملات زن زحمتکش را انکار کرد که میگفت: "اسم ما در راهم خراب نکرد، اگر میدیدمش با دستهای خودم خشت میگویم و این واکنشی بود که رژیم را عادل در اینمورد به عقب نشینی واداشت، رژیم دیگر امرای به "سیخ توده ها در زمان اعلامی ۲۶ میلیون نگردد، اما از سوی دیگر از تبلیغات جسمی خود در جهت ما زمان - دهی علی ساواک سود برد، رژیم که از ابتدای قیام ما را با تبه پاری ساواکیها و مزدوران حزب اللهی با زمان داده بود اینک با وقاحت به گسترش علی اینست دستگاه جهشی پرداخته است رژیم بسا این عمل در عین سود بردن از مزدوران - حزب اللهی، سیخ سپاه و کیمت از هنگاری بیدریغ ساواکیها - واخیرا - بر مبنای گزارشات تا بگا رگیزی گسترده فراموشیونها - زود میبرد در این راه - بهشتیترین سود را از تبارب جهشی امیربا لبسم در سرکوب خلقها برده است رژیم جمهوری اسلامی هر چند نتوانست ساواکی ۲۶ میلیونی را تدارک ببیند اما بخوبی موفق شد با اعمال وقیحا نامه جا سوسی و سرکوب و شکنجه خود روی ساواک تا در اسفید کند.

در مورد اعمال وقیحا نه رژیم جهشت تداوم اختناق و دیکتا توری، توده ها خود بهترین و ملموس ترین شواهد را دست دارند و خود بهترین تجارب عملی را در زندگی روزمره خود کسب کرده اند، هر یک از مردم از هر قشر و طبقه ای از خلق هر روزه تا حد تهیه ای است که رژیم جهت سرکوب انقلاب و جلوگیری از رشد ما زرات توده ها بگا ر میگیرد، رژیم که از مدتها قبل با نگرانی گشتن اتومبیلها، نفتیش لباس ها و ساکها و کیفهای ما برین، محله گردی و... طرفی نیست اینک به شیوه های دیگری روی آورده است، تما می دانش آموزان هر روز تا حدی که گونه رژیم تسلیم نیروی خود را جهت جلوگیری از رشد ما زرات توده ها گزارفته است، رژیم، بنگ درمدارین - نه تنها ترین خلقش بدنی را اعمال نمیکند، نه تنها تما می لباس ها، کیف، لایق کتب و دفاتر خود را میوزان را میگردند، بلکه در موارد متعدد دانش آموزان را نهجسور کرده اند، تدبیر با غیا و همرا هان را گسار برزند تا از عدم وجود اعلامیه در داخل آن اطمینان حاصل شود، درمدارین متعددی در هر کلاسی ۲ یا ۳ سیخی به تحصیل - مشغول گشته اند تا دانش آموزان را گاملا کنترل کنند، در دبیرستانهای با سابقه مبارزاتی ما در جوار و کلاسه اتا می به

کمیته اختتام یافته و با دیکتا رمدارین - کمیته ایجا شده است، جا سوسان استور - تربیتی در تمام لحظات به جا سوسی مشغول - انداختی سرمد ها تا گردان کنترول میشود که آیا شما میبدهند یا نه، در بر خسی مدارین در کلاسی آیفون کارنها ده شده تا سخنان دانش آموزان توسط مزدوران رژیم کنترل شود، دانش آموزان حق بردن ماژیک را به مدارین ندادند و کارها بی رسیده است که دورا دور مدسه فاطمه مینی (که جدیداً نام مکتبش را مکتب آزادی نهادند) سیم خاردار نصب کرده اند تا دانش آموزان نتوانند فرار کنند... تما می این اعمال از وحشت بی پایان رژیم است، وحشتی که از قدرت دانش آموزان سرچشمه میگیرد، وحشت از بیگانگی ما، بیگمن ها، بیگمن ها، بیگمن ها از تادیب توری و وحشت از دستگیری شما می مطمئن بطور روزی در تمام فده خلقی رژیم موا جهند، اینک هرگونه دوستی بین دو معلم متکین است مددی جهت اخراج باشد، صحبت کردن در دفتر مدسه ممنوع است مگر مدی مدسه یا جا سوسی امور تربیتی آنرا کنترل کند، هرگونه تما می و دوستی با دانش آموزان به ما خواهد بود، نهایت اخراج منجر میگردد، در مکتب تمام استفاده موبیا معا حیات معمول از معلمین خواسته میشود در مورد دانش آموزان جا سوسی کنند، آدرس و کروی خانها های آنتستان گرفته شده و جا سوسان رژیم در محل آن - هما یگان در مورد آنان تحقیق میکنند، در موارد متعددی خانها های معلمین وقیحا نه مورد تفتیش قرار گرفته تا مگر صیدی جهت اطلاع دست آید، این حرکات - مذبحها نه بیبا نگره ای است که رژیم از رشد آگاهی توده ها از تما می آنان با یکدیگر و تشکلاتن دارد، هراس از صدها، بهروزها، مرضیه ها و گرجی بیانی ها، هراس از سرک تا وخی.

رژیم سلاسی کار را بجای رسانده که از دانش آموزان دبستان در مورد سراسر دوزان و خواهران، به روز ما در وفا میلهها بیستان جا سوسی میکند، در دبستانها شولاتی چون درخا نواد هان چه کما می نما زنی خوانند "قدر میهمان دارید" دوستها بیستان به خانها می آیند با میلهها پتان و... از دانش آموزان شده است حتی در دبستانهای مسئول مزدوران مور تربیتی به بچه های ابتدای در رنگ ورزش گفته است "بیا بید با زی کنیم، طرفداران را رجوی و بینی صدر بکطرف بایستند، طرفداران حزب الله و اما طرف دیگر... تا شاید به بنظر برقی بتواتن تیات کشیف خود را جا مه عمل - بپوشا ند.

در ادارات رژیم علاوه بر تفتیش بدنی، گشتن میزها و کتوها در ساعات غیر اداری و کنترل برخی تلفن ها، به شیوه های کشیفی متوسل شده است و با تهیه کروی منازل - کارمندان در مورد آنان به جا سوسی با - تحقیق و مراقبت و تحقیق خطی میبوزاد از جمله در شهرهای بر طبق بیخشا که - محرمانه ای به شما ره ۷/۲۱۷۷۷ که به - مناطق بیستگانه و کلبه ها جدا می تا به - ارسال شده است مدیگر احوال اداری - احمدی فر دستور داده است که در اجرای دستور سیم پرست محترم شهر را می خوا هشد است دستور را بجا آوردن و کروی منازل کلبه پرست (کا ریند) کا رگر آن واحد را به تحقیق خطی میبوست طبق به مکتب شهیه و حد اکثر تا با ما نه همرا ه و میبوست و به تشکیک بطور محرمانه به قسمت کار کشیفی ارسال فرما یند "و این علاوه بر تما می جا سوسی ها می است که گان انجمن سلاسی در ادارات انجام میدهند. کارگران در کارخانجات هر روزه اعمال فده خلقی رژیم را تحریم میکنند، با زورسی بدنی، گشتن گندها و میزها ی گسار و

جا سوسی انجمنی ها، بهر سی مهرشنا ستامه - ها در عین استفاده، بیخشا نه های متعدد جهت جلوگیری از بحث و گفتگو، ممنوعیت هرگونه اعتراض، دستگیری های متعدد و اخراج به هر بهانه، شیوه های است که رژیم فده خلقی جهت جلوگیری از مبارزات کارگران بگا ر بسته است، و اینها از وحشت انقلاب است.

رژیم در هنگام استفاده به شیوه های مذبحها نه ای چون امتحانات ایدولوژیکی، معا حبه، شفا می و خواستن معرفتی و متناقض درخا نواد ه فعال سیاسی در بین دوستان دست زده است، رژیم در با دگا نها جهت جلوگیری از شاعر نویسی و بیخشا اعلامیه تما می برپا زان را با زده است میکند، در رویتا ها به بیخشا، تهیه شناسنامه رویتا می به تشکیک طبقا به جا سوسی میبوزاد، کر اتوبوسها برای ایجاد محیط رعب و وحشت در مورد رمدارین با نذا ربا لباس شخصی سوار می کنند تا توده ها را از بحث کردن و افشاگری بازدارد، تا کسی ها را تهدید کرده است که در صورت عدم معرفی بحث - کنندگان سیاسی، ما عین آنها معا دره - خواهد شد، اتوبوسها ی ما فربری را تفتیش میکنند... رژیم جا سوسی استفاده میبکند، پول میبوزاد، تما می نیروی خود را بگا ر گرفته است تا مگر بتواند سدی در راه رشد انقلاب بپیدا آورد و دیکتا توری خود را تداوم بخشد.

اما واقعیات موجود نشان میدهد که تا چه حد رژیم به بحث میگردد دیکتا توری عیان گسیخه خود را تداوم بخشد، انقلاب به پیش میآید و تما می ده های مقابل خود را خواهد شکست و در این راه تما می تسهیلات رژیم جز تلاش میبوزاد خودکی که در مرداب دست و پا میزند نیست، اینها نه سخنان ما، نه ذهنیات ما بلکه واقعیات است که از میان صدها غیر و گزاف رخ کا سلا مشهود است.

شما و نهیسی و بیخشا اعلامیه درمدارین - علمبرف تما می حرکات مذبحها نه رژیم حرکات اعتراضی در مقابل تفتیش بدنی، مقابلها ی دانش آموزان با جا سوسان امور تربیتی، افشا و طرد مزدوران حزب اللهی، واکنش های انقلابی و اعتراض به اعدام دانش آموزان انقلابی همه و همه بیبا نگر شکست سیاستهای رژیم درمدارین وضع روز افزون است.

حرکات اعتراضی کارگران، تحریم انتخابات فرما می در کارخانجات، اعتراض در مقابل سیاستهای - تمطیل و شنیداریت، شکل گیری و رشد بی دربی صندوقهای بیگاری در کارخانجات و همچنین ادارات، اعتصاب قهرمانان، گارگران استقامت در مقابل اخراج همکاران مبارزان و دهها مورد دیگر و سرکات مبارزاتی کارگران بخوبی شکست یافته در صفحه ۱۴

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
 دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۹
 دفتر منطقه: ...
 شماره تماس: ...
 تاریخ: ...

سیاستهای

بقیه از صفحه ۱۳

سیاستهای رژیم در مقابل کارگران و نیز نشان میدهد. نهاد و مشا رتوبسی در کارخانه - جات و بخش اعلامیه های نیروهای مترقی نشان میدهد که هیچ نیرویی قادر نیست انقلابیون چنان برگرداند که در قلب توده ها جای دارد و زلفا کت و رشدها زدارد. به عنوان مثال رژیم پس از دستگیری بیش از ۲۰ کارگر قهرمان تصور میکرد توانست است پشت انقلابیون را در کارخانه ها پنهان (هلیکوپترهای) ... تا که با پدیده ها پیش و پس و پس و پس ترا همیشه اعلامیه ها کارگران پیشرو در داخل کارخانه بدرستی نشان داد که هیچ سدی قادر نیست در مقابل سبیل خروشان انقلاب تاب بیاورد و پس از آن نیز پیش و پس اعلامیه توسط رفقای کارگران در مقابل کارخانه - در زمانی که رژیم تمام می مزدوران خود را بسیج کرده است - بخوبی قدرت انقلاب و خوار و زیربوسی رژیم را به نمایش نهاد.

رشد مبارزات دهقانان و زمینکشان روستا، مقابل قهرمانان آنها - با - سیاست فداکاری رژیم در جهت خریداران - برنج و گندم و ... واقعیاتی است که نتوانست رژیم را به نمایش بیند.

رشد روزافزون بحث ها و سیاسی تر شدن هر روز آنها در مفاصل، توبس و تا کسی ها همه و همه نشان میدهد که هیچگونه حیل و با تهدید و اوعایی قادر نیست مردم را از عرصه مبارزات سیاسی بیرون براند و پیش و پس و پیش و پس را در اقصی نقاط ایران بدرستی ثابت میکند که رژیم هیچ طریقی قادر نیست حتی با بکارگیری تمام نیروی رشد انقلاب را در دنیا بداند. آری رژیم به عیب میکوشد، دست و پا میزند و تقلا میکند، خلط با مناسبت و آرا من به پیش میبرد و انقلاب را به پیش میراند؛ آنگاه که توده ها در اوج - اختناق در مراسم شهادت فدائیان و مجاهدین در دروازه های هیبتانی می کشند - و بیش از ۲۰۰۰ نفر شهادت میدهند، میگریسند با سدا و آنگاه که در سوگ مرگ قهرمانان شب فدائی کبیرا میکنند، در شب های شب

ضرورت جدائی

ما بر این است. بر راستی از یک جهت این توانا لیتا ریسم شیعی است که میکوشد حکومت کند و از پناه در روند تشکیل و تحکیم ملت - کشور بورژوازی ۲۰۰۰ سال میگردد بدین ترتیب شیعه زندگی جمهوری اسلامی هم با تا سبوتا لیس بورژوازی دشمنی میبورد و هم با روند تحکیم ملی که با پیوستن توفیقاً لیس ملی را تشکیل میدهد. او قریب دیگر حکومت دینی : دکما تیسمدن سرشت هر چه ان بیستی مذمبی است و دکما تیسم شیعی که حاوی مجموعه ای از روشهای از پیش تدوین شده برای تقریباً کلیه زمینه های زندگی است، نه تنها بر خلاف آنچه ما لیسین مذهبی رژیم میکویند و ادعا میکنند، ضد مکرسی عقیدتی است بلکه به نظر منیر سحتی از پیرمذا هسب و ادیان و مذمکر اتیک تر باشد. آنچه عفا بد (انگیز سیون) در حکومت کلیسای مسیحی حکایت میکند و در تاریخ مسلمانان اسلام از موارید مکران و ان فدیت با هر گونه اختلاف عقیده - تحت عنوان رفقا ارتداد ابداع و ... خوانده ایم، همگی یکجا جزو ربه های جاری حکومت اسلامی قرار گرفته است.

بنا بر درک دینی، انسان ابزار بیلا - اختیار رومرغا کارگزار و مشیت الهی است - و تمامی مباحثی با بان الهیون در بحث از جبر و اختیار و سزا نجا مبه ایسن

دیکتا توری سبیل روستا ثبا ن به خانه - آنان سرازیر میگردد، بر راستی میتوان ضعف و زبونی رژیم را دید. آری دیگر با تکیه بر کشتار و قتل عام نیز نمیتوان این خلق ستم دیده و قهرمان را در بند نگاه داشت.

تعداد عمال سرکوبگران رژیم خود قلمی است در جهت هر چه نزدیکتر نمودن مرگ محسوم آن. نهاد و امین سیاستهای وحشیانه در عین دامن زدن به موج وسیع نافرمانی توده ها آخرین ذرات توهم موجود در میان پاشین ترین اقشار خلق را نیز نسبت به رژیم از بین میبرد. توده ها در تاج رب عملی خود در میان بندگی رژیم بر ضد آنان نسبتاً قدرت بگیران آنان میبهراند. توده ها میدانند رژیمی که بر خلق تنگی با شنیداری است و تکیه بر سر نیز ندارد.

اما از سوی دیگر هزینه سرمایه آورنده گردن در آوردن این دستگا و عظیم سانسور، سرکوب، شکنجه و جاسوسی کمزور و شکنجه رژیم جمهوری اسلامی را خواهد شکست. رژیم که اینک ذره ای ارزشی از نیکای خود ندارد و از اینرو تمامی پروژه های عمرانی - و تمامی خریدهای ضروری و تمامی حرکات حیاتی خود را اجباراً تعطیل کرده است، محبوس است جهت جلوگیری از رشد مبارزات خلق مغارج وسیع سیستم جاسوسی و سرکوب خود را ببرد از مزد جاسوسان را بدهد و سلاح لازم جهت کشتار را تأدارک ببیند و این مغارج سنی است مملکت برای حیات اقتصادی رژیم، سنی که بزودی رژیم را مفلوکانه از پای خواهد انداخت.

اما در این میان نقش نیروهای پیشرو اهمیت و چندان می یابد. با پدید آمدن که توده های بی سازمان و خلقی که آگاهیه طبقاتی مسلح نباشد در مقابل دیکتا توری و سرکوب، آنها سرکوبی اینچنین قاشیستی میبهراند و در اینجا است که با پندیروی پیشرو تمامی توان خود را در جهت خشتی ساختن هر چه وسیعتر سیاستها و روشهای سرکوبگران رژیم - در جهت از بین بردن جوارع با و وحشت و در جهت به نمایش نهادن قدرت انقلاب بکار گیرند. در اینجا است که با بد علیرغم

سیا هترین دیکتا توری و وحشیانه ترین کشتار و بزداری را در میان خلق به نشان و مبارزات توده ها را با زمان دهد. با پدید آمده ها گفت و جوی و سمیترین اقشار زوشن ساخت که تمامی این حرکات رژیم از سر ترس است. با بد خلق را به قدرت خود واقف ساخت. با پدید آمدن نا آوری کرد که چگونه قدرت لایزالشان جزیره شسبات را به آتش کشید اما اینها کافی نیست باید قدرت انقلاب را به نمایش نهاد. باید - فداکاری را با تمامی وجود بکار گرفت و تمام راه را به عربا ترین شکل، آنان که نا آگاه ترین توده ها نیز میبهند و درک کنند به نمایش گذاشت. با پدید آمدن محیط با بکارگیری تمامی شیوه ها، با - شما روشی، با پیشا اعلامیه و تراکت با دست نوشته، با دامن زدن بحث و ... نشان داد که گردونه انقلاب از کار بازمی ایستد. بلکه رژیم را در زیر چرخهای خود فرو خواهد کرد. با بد کوچکترین اعتراضات را با زمان داد، با بد هر حرکت انقلابی را دامن زد. با پدید آمده ها را با بد حرکت خلق و رشدها شکست داد و باشت، و آنان را در این جهت متشکل کرد. و در نهایت با پدید آمدن راه که در جهت سرکوب حرکات توده ها پای می فشارند و از اینرو نیز در نزد ستمگترین توده ها - منفورند با قدرت فخر خلق از میان برداشت.

رژیم مدتهاست جنگ مرگ و زندگی خود را آغاز کرده است و در این راه از خربسین تیرهای ترکش خود را بکار گرفته است از اینرو دیگر برای برای با زکشت ندارد. رژیم اینک در نزد ستمگترین توده ها رسوا و بی آبروست و از اینرو چاره ای جز شکنجه بر سر نیزه برای نمایش نمانده است. از اینرو بگذر آنچه میخواندند، سرکوب و شکنجه نما بدوشی می نیروی خویش را بکار گیرند. بگذر زده، و نه همه، سدا از انقلابیون را به جوخه مرگ بسپارند اینها تشنجات مرگ است و مگر نه اینکه میان سرمایه داری و کمونیسم دردهای است که با پدید آمدن کمونیستها برده پس چه باک، زیرا که جاده سوسیالیسم از لاله های سرخ نگرفش گشته است.

"علمگرائی" (سیا تیسیم) متهم میشوند. لیکن در مجموع در درگاه حاکم رژیم - اسلامی، تفکر علمی، سبوره در میان حجت اجتماعی مطرود است (همچنان که گوش - های فلسفی نیز از پیربا ز در حوزه های علمیه مطرود بوده و لاشعرا از این جهت که چون و چرا در حکمت الهی می کنند، ارج و قدر ندارند) نداشتند، چنین فدیستی با علم و تفکر علمی، خواه نا خواه تا آنجا که زمینه های حضور و رشدها را وجود دارند، مروج خرافات و تفکر فدیستی است. و از این جهت نیز نمونه ها و موارید فراوانی حکومت حاضر فراوان است. (البته با پدید گفت که فدیت با دا شنگا، بیش از آنکه از این انگیزه مهب باشد، از ملاحظات سیاسی ناشی میشود)

اینک نزدیک به سال است که توده های مردم خواه و نا خواه در برابر چرخهای خویش و فایرغ از آنها مبه نام جمهوری اسلامی قرار دارند. آنچه در روبا های عقب مانده - ترین و سستی ترین اقشار جامعه نام - حکومت عدل شیعه بود، سرانجام ما به عمل به خود پوشیدند تا نه تنها بهای کهن را استعرا بخشید، بلکه زخمهای تازه ای بر کرده خلق ستمگشته ما به جای نهاد. چنین است سنیای اسلام بر سر حکومت هگان از پیش ما رچیژی شنیده اند. اما آن که تشنج با نیش ما را شناسد، با سار بیشتر آشناست. سببیم بر خورد فخرها و طبقات گوناگون جامعه و نیروهای سیاسی آن، با این ما رگزیدگی چیست (ادا موارید

چا می کشد که انسان مختار است در میان خود و شرفرا جبار الهی حرکت نکند - و انسان فقط به این اعتبار که مجری بی کم و کاست فرمان الهی (ابلاغ شده از سوی انبیاء و اولیا الامر و در حال حاضر نهاد ولایت فقیه) است. "انسان به حساب - می آید. در درگاه ادیان بزرگ پیش از ظهور و از آنجا که ادیان بزرگ پیش از ظهور و تکوین اندوید و الیس بورژوازی شکل گرفته اند، جای برای خود به اعتبار برده است و وجود دارند. ضرورت ندارد در برای اثبات این مدعا، شواهدی از عملکرد حکومت حاضر بیاوریم.

همچنین از آنجا که ادیان بزرگ و - منجمله اسلام، در دوران پدراهای تکوین یافته اند، در آنها برای زن هیچگونه حقی که حاکی از مساوات با مرد باشد، بهیچینی نشده، زنان تعقیب می شوند و مستحق پستی خانه ها و پرده اختن به کار منزل زنان - فرزندان و اطفا ی شهوت جنسی تلقی میشوند عملکرد حکومت حاضر نسبت به زنان، گواه این سخن است. و بیژگی دیگر درک فدیت اینست که با آتش تفکر علمی فدیت میبورد، زیرا بخوبی میدانند که گسترش علم راه بر کفر و زندقه بازمیکند و متاع دین را بی مختری می کشند. استثناء برای قاعده تلاش متدینین متجدد است که بر خلاف - متشرعین رسمی، برای اثبات وجود باری تعالی "به بعضی یافته های علمی - که به گمان آنها شاهد مدعا است - استناد میکنند و در عین از سوی متشرعین به



دموکراسی

بقیه از صفحه ۲
ارضی ریشه‌ای "ا" شاره میشود اما روشن است که هیچ "ا" اصلاحات ارضی ریشه‌ای "بدون" - سپردن اینکار عمل بدست خود دهقانان - ممکن نیست.

هنگا میکه این برنا مه شوراها و کمیته های دهقانی را بعنوان ارگانهای - اقتدار رنوده‌ای برسمیت نمی شناسد. - هنگا میکه برای دهقانان این حق را قائل نیست که اینکار عمل را خود دست گیرند، در حقیقت وعده اصلاحات ارضی بوروکراتیک را به دهقانان میدهد. در حالی که دمکراسی پرولتری خواهان اصلاحات ارضی بشیوه‌ای دمکراتیک یعنی از طریق کمیته‌ها و شورا های دهقانی است.

از این زمینه نیز که بگذریم در مبحث آزادیها و حقوق دمکراتیک شده‌ها بمواری بر میخوریم که ما "نا فنی دمکراسی" - برنا مه از زمان نخستین ماده از فصل اول برنا مه برنا مه موعده‌های خود در باره آزادی و دمکراسی خط بطلان میکشد. در آنجا گفته میشود "دولت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران، دولتی است موقت که ما "نا فنی و وظیفه انتقال خاکمیت به مردم ایران و منتقصر ساختن خاکمیت جدید ملی و مردمی را به عهده دارد."

سؤال ما اینست که اگر دولتی که در اینجا توصیف شده است، دولتی موقت است و اگر آقای رجوی به راه مردم اعتقاد - دارد و نیز معتقد است که نظام سیاسی آینده را در مجلس موسسان دمکراتیک و خلقی باید تعیین کند، پس بر اساس کدام راه مردم جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران "پدید آمده است؟ مگر جز اینست که این نظام حکومتی را برنا مه برنا مه برنا مه تعیین کند؟ مگر جز اینست که وظیفه دولت موقت تا تشکیل مجلس موسسان و تعیین نظام سیاسی آینده رتق و فتق امور است؟ پس چه ندکه از قبل و هنگامی که هنوز نشده مردم هیچ نظام سیاسی معینی را آزادانه انتخاب نکرده اند جمهوری - دمکراتیک اسلامی ایران "پدید آمده است؟ اگر این دولت موقت است پس "دولتست جمهوری دمکراتیک اسلامی نیست و اگر - دولت جمهوری دمکراتیک اسلامی است پس دیگر دولت موقت نیست، زیرا از هم اکنون نیز نظام سیاسی آینده را تعیین کرده است در حالی که دمکراسی پیگیر پرولتری از یک "دولت موقت انقلابی" سخن میکوبد. این دولت که ارگان قیام پیروز مند بوده‌ها، تبلور و راه آنها، مجری خواستها و راه مردم است. دولتی است که بشیوه‌ای انقلابی قدرت را بدست میگیرد و بسا نگارنده - طبقات انقلابی، یعنی کارگران و دهقانان و قشر زحمتکش شهرست.

این ارگان که موقتا "و تا تشکیل مجلس موسسان و تعیین نظام سیاسی آینده زمام - امور را برعهده میگیرد، وظیفه دارد که - بقایای فدا انقلاب را درهم کوبد و شرایط دمکراتیک را برای تشکیل یک مجلس - موسسان خلقی و دمکراتیک فراهم آورد. شرایط تبلیغ زادن و استفاده از تمام - وسایل ارتباط جمعی از جمله رادیو و تلویزیون را برای نیروهای انقلابی فراهم آورد و قوری ترین و عاجل ترین خواستهای مردم را عملی سازد. یک چنین دولتی هیچ نام دیگری جز "دولت موقت انقلابی" نمی - تواند بر خود بگذارد.

مجا هدين خلق نه تنها از پيش خود - سرانه نظام سياسي آینده را تعیین کرده - اند و دولت موقت را تشکیل داده اند، بلکه با غفلت مذهبی دادن به دولت موقت و نظام سياسي آینده، یک گام از بورژوازی کثرت طلب ترشها ده اند.

پس تردید هر دولت مذهبی اما "نا فنی دمکراسی" است. دولت مذهبی نفی جمهوریت، مذهبی کردن دولت و قائل شدن بکامتياز ویژه برای یک مذهب خاص چیزی جز نفی ابتدائی ترین حقوق مردم نیست. دولت پیروی در اسرائیل و دولت اسلامی در ایران با شکارترین وجهی نشا نمیدهد که چگونه دولت مذهبی با هرگونه آزادی و دمکراسی و با برسمیت شناختن حقوق و آزادیهای مردم در تضاد است. تجربه سه سال گذشته - در سهی لازم را بسته‌ها ای زحمتکش مبین ما آموخته است. آنها اکنون بدین مسئله آگاه یافته اند که بدون جدائی کامل دستگاه - دولت از دستگاه مذهبی، همان سرنوشتی را خواهند داشت که خصیبتی بر سر آنها آورد.

هیچ دولتی با خصوصیت مذهبی "از خط جمهوری دمکراتیک اسلامی نمیتواند حقوق و آزادی های مردم را برسمیت بشنا دور عایت کند. از این رو دمکراسی پیگیر پرولتری با - مراجعات اعلام میکند که خواهان جدائی کامل دستگاه دولت از دستگاه مذهب است و دین باید امری خصوصی محسوب گردد. اما مجاهدین خلق نه تنها این جدائی را مراجعات اعلام نمی کنند، بلکه بنحوی برتری یک مذهب بر مذهب دیگر را میبیزیند و حتی برای حقوق اجتماعی و سیاسی زن و مردان نفی میکنند.

در برنا مه "گفته میشود "دولت - موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران با اعلام تساوی حقوق سیاسی و اجتماعی همه آحاد ملت، همه امیتا زات جنسی و قومیتی و عقیدتی را ملغی میثنا بد" اما بلافاصله در گفته‌های بعدی خود آنکارا و مراجعات برای تساوی خط بطلان میکشد، برامتیازات محه میگذارد و میگوید: "به این ترتیب از نظر سیاسی و اجتماعی نه زن و نه مرد، نه قومیت و نه عقیده و نه مذهب... هیچیک بخودی خود بدون بشنوا نه "آراء عمومی از لحاظ سیاسی و اجتماعی بر دیگری ترجیح -

قا نویسی ندارند....."
پس روشن است که امتیاز برتری در مذهب و عقیده در قوت و محسبت با بشنوا نه سوا استفاده از نا آگاهی و توهم مردم برنا نگار و بشنوا نه "آراء" توده متوهم تها م آزادیها و حقوق مردم را لگدمال نکرده بر همین اساس امیتا زات ویژه را ششیت ننمود؟ اکنون نیز "دولت دمکراتیک اسلامی" نیز بشنوا نه "آراء" عمومی را مینا از امتیازات ویژه قرار می دهد. و بر این اساس میخواهد برتری حقوق اجتماعی و سیاسی را نفی کند.

دمکراسی پرولتری که بمراجعات جدائی کامل دستگاه دولت از مذهب و نفی هرگونه امیتا ویژه را برای یک مذهب خاص اعلام - میدارد، خواهان برابری کامل حقوق - اجتماعی و سیاسی زن و مرد است. دمکراسی پیگیر پرولتری امتیازات ملی و قومیتی را ملغی اعلام میکند و حق ملیتتار را در تعیین سرنوشت خویش تا سر حد جدائی برسمیت می شناسد.

های صنفی و دمکراتیک، آزادی مطبوعات لغو هرگونه سانسور و اختناق، حق اعتصاب و... خواهان، اینکار عمل نموده است. - برسمیت شناختن شورا های شوده‌ای بعنوان ارگانهای اقتدار رنوده‌ای، بعنوان ارگان - های تصمیم گیرنده و اجرایی، در همان حال تضمین عملی بقا و آزادیهای سیاسی و حقوقی دمکراتیک شوده‌ها است.

برولتا ربا در برنا مه حد اقل خود انجام اقدامات عاجل را در جهت تحقق خواستهای مردم و بهبود شرایط زندگی آنها، تا مسکن، کار، مسکن، بهداشت، آموزش رایگان و مزایای از سطح زندگی شوده‌ها امری فوری اعلام میدارد.

اما مسئله دیگر اینست که در برنا مه... حتی بسیاری از ابتدائی ترین خواست کارگران اثاره نشده است. تنها لازم بذکر است، که خواست عمومی کارگران نسبی برسمیت شناختن شوراها و مسکن، کار و روز تعطیل ذرفته نیز در این برنا مه جاش ندارد.

ما در این نوشته کوشیدیم که تنها در - مقابله با خطوط کلی برنا مه برولتا ربا در انقلاب دمکراتیک و نکات اساسی آن تا پیگیری مجاهدین خلق و ما هیت برنا مه آنها را نشان دهیم و بر این مسئله تا کید و رژیم که تنها طبقه کارگر یعنی طبقه‌ای که تا ربحر سالت دگرگونشیا عصر ما را برعهده آن قرار داده است و در نهایت در راه استقرار سوسیالیسم و کمونیسم مبارزه میکند، قا نویسی است در اینجا خرد بورژوازی فقیر و میان حال شهروروستا و با استقرار جمهوری دمکراتیک خلق، انقلاب غذا میریای لیستی - دمکراتیک را برنا مجام قطعی بشنوا نه.

هیچ نیروی دیگری در دمکرات ترین - خرد بورژوازی قا در نیست این وظیفه را با نعا میرا دور سالت آنرا برعهده گیرند. این روما هیچگاه در این تصور می سر نمی بریم که بسا پیرو دیگری جز برولتا ربا یگانه - مدافع پیگیر دمکراسی باشد. اما سخن بر سر این است که مجاهدین خلق در اینجا در سالی لیسرا لها حتی پیگیری یک دمکرات انقلابی را انیرند. آنها اگر چه در برنا مه ارائه شده یک گام از مسائلی بر مسمتت شورا فراتر نیا ده اند و برنا مه بورژوازی - دمکراتیک تا پیگیری را ارائه داده اند. ما ادامه در اشتلاف برولتا ربا لیسرا ل فرار دارند. نمی توانستند در حد یک دمکرات انقلابی - پیگیر شناخته باشند.

از این رو وظیفه ما است که بسکیرا نه علیه تا بسکیری مجاهدین خلق مبارزه کنیم. بکوشیم از موضع برولتا ربا ای انقلابی - آنها را تا سطح خود ارتقا دهیم و در جهت تلاشی وحدت آنها با لیسرا لها گام برداریم. ما در شرایط ورویداد تلاشی را که لیسرا لها یک پای آن محسوب میشوند و مجاهدین خلق تحت تا شیر برنا مه های آن قرار دارند مجا زواصولی نمی دانیم. ما بنحو مشروط و آنجاشی که مبارزه شورا در خدمت ارتقا مبارزه شوده‌ها و مسائلی آنها است از آن حمایت خواهیم کرد و حتی میتوانیم بر سر آکسیونهای مشترک با مجاهدین خلق اجرا دعول هاشی داشته باشیم و چنانچه - اشتلاف مجاهدین خلق با لیسرا لها درهم شکسته شود، ما فریم بر مسمتتای قا و چوب برنا مه حد اقل برولتا ربا در انقلاب دمکراتیک با مجاهدین خلق دست یک اتحاد علیه رژیم جمهوری اسلامی بزنیم. سرنگون بسا در رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق.

استقلال - کار - مسکن - آزادی

خمینی باتمام

بقیه از صفحه ۱

حتی الامکان از ارباب زداشت فرزندان خودداری شود. آری فرامین خمینی تنها - سرمایه داران و زمینداران و موالو ملاک متعددان را در بر میگیرد و پس

فرمان ۱۶ آذر خمینی تکمیل کننشده سیاستهای اخیر رژیم جمهوری اسلامی در جهت برآوردن نیازهای هر چه سریعتر سیستم فرتوت سرمایه داران است. این فرمان مکمل سیاستهای سرمایه دارانه نورای عالی قضائی است که اینک وظیفه خنثی را تسریع در بازسازی سرمایه داری را عهده دار گشته است.

هرگاه فرمان اخیر خمینی را به همراه سخنان دیگر دولتمردان در نظر بگیریم، هرگاه سخنان هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران را که مریحاً "حمایت از منافع سرمایه داران را تضمین کرد و آنان را به حرکت در جهت به گردش درآوردن چرخهای سرمایه و رونق و پویایی استعمار رونق فراتر خواهد بخشان موسوی خامنه ای نخست وزیر را در نماز جمعه مندرج در جمهوری اسلامی ۴ شنبه ۲۷ آبانماه که او نیز همان تضمین را به سرمایه داران داد و همان خواهش و تمناها را از آنها کرد به سخنان خمینی بیفزاییم، هرگاه فتوای خمینی جهت نجات بانگها از ورطه شکنجی یا سبب ارت دیگر جهت نجات سرمایه بخرشود و بانگ پوی عربان رژیم جهت وادار کردن مردم به پس انداز را بیاد آوریم، ایضا بحران روستا شمر میشود. اینک بحران اقتصاد بی بجایی رسیده است که دیگر مجالی جهت فریبکاری، پرده پوشی و یکا رگی ماسک فدا میریالیستی در جهت حراست از سرمایه نیست. اینک بحران تمامی پرده ها را بکنار زده است و خمینی را نیز به حمایت و همچنین به تشریح علنی در مقابل سرمایه داران واداشته است. اینک هرگونه تاخیر به بهای کل موجودیت رژیم تمام میشود. پس تا خیرجا یز نیست. از اینرو است که دیگر هیچگونه هتک حرمت سرمایه و مالکیت مجاز شرعی نیست. با پدا امنیت سرمایه و مالکیت بطور کامل تا مین و تضمین گردد.

اینک نه تنها با بدبهر طریق ممکن، با کشتار و سرکوب و جوخه های مرگ توده ها را از تعرض به سرمایه با زداشت بلکه دیگر اربابان و قداره یزیند رژیم که در مسیر سرکوب توده ها "گامی" جهت پرتو کردن حیل های شان - دست تعرض به سوی اموال سرمایه داران - دراز میگردند نیز با پدا رهنمونند. سرمایه داران با پدا امنیت خود را با زیا بد.

رژیم اینک تمامی نیروی خود را جهت فاش آمدن بر بحران، بحران که حاکمیت را بر لبه پرتگاه سقوط قرار داده است بکار گرفته است. از سویی توده ها را به وحشیانه ترین شکل سرکوب میکنند و از سوی دیگر بیشتر از پیش حمایت از منافع تمامی سرمایه داران را در دستور روز قرار داده است از سویی سعی دارد با قتل عام میا رزین کشتار و سرکوب توده ها با یکا رگیری سرنیزه در کارخانجات و روستاها با برقراری جو خفتن و خفقان و زمینهای مساعجهت مهار زدن مبارزات خلق را فراهم آورد و تدارم و تشدید استعمار رونق ارت وحشیانه امپریالیستی را مسیر زده و از سوی دیگر با تضمین امنیت سرمایه و مالکیت سرمایه داران را به گردش درآوردن چرخهای استعمار ترغیب کند. رژیم

دربی ایجاد جزیره ثبات و امنیت است که شاه سالها بر آن حکمها می میکرد.

اما با بدگفت که رژیم جمهوری اسلامی به پسروری قادر نیست بر بحران فاش آید. نه سیاستهای ورشکسته اقتصادی رژیم، رئیس که سعی در ددر عین حفظ سودهای میلیاردر تومانی تنها سیستم سرمایه داری وابسته را به راه اندازد، قادر است رونق را به اقتصادی اینچنین ورشکسته و بحران زده بازگرداند نه سرکوب فاشیستی رژیم قادر است توده های بی را که از فقر، گرسنگی، جنگ، بیکاری، گرانسی و آوارگی به تنگ آمده اند مهار نماید. خالی شدن ذخیره ارزی دولت در معرض تعطیل قرار گرفتن کارخانجات بسیاری بعلت نبود مواد اولیه، مدیز - مدغم و... روی آوری روز افزون سرمایه - ها از بخش صنعت به سوی بخشهای انگلی اقتصاد چون ایجاد دستگاههای اتومبیل دلالی و واسطه گری... همچنین مبارزات روز افزون توده ها که نمونه های بارز آنرا در مقابل و مقامات حاکمیتی شالی کاران - شمال در مقابل فروش اجباری برنج به قیمت خانمان برانداز، مبارزات کارگران شوقا زکار و استرالیات و پارس الکتریک و... بیانگراست که نه تنها سیاستهای رژیم از پیش محکوم به شکست است بلکه هاله مقدس خمینی نیز فرو افتاده است. و دیگر فتوای "امام" نیز در نزد سبترین توده ها رنگ - باخته است.

در این میان در شرایطی که تقدس - خمینی در نزد توده ها لکه دار شده است، در شرایطی که خلق گرسنه و فقیر در زیر چکمه های دژخیمان جمهوری اسلامی آخرین پرده های توهمرها را کناره میزدند با پدا تبلیغ هر چه وسیعتر سرنگونی انقلابی رژیم و در راستای آن خمینی برداخت.

سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، رژیمی که برای توده های زحمتکش خلق دستاوردی جز مرگ و فقر و سبزی، گرانسی و جنگ و سرکوب توده ها است اینک خواست وسیعترین توده های خلق است. توده ها اینک از زندگی فلاکت بار به تنگ آمده اند و دیگر چشم امید خود را از ازلانیا "سرگرفته اند اما این کافی - نیست. با پدا توده ها توضیح داده که چرا خدیی توانست اینگونه خواستهای آنان را با پمال کند. چرا خمینی توانست خیانت به خلق و خدمت به سرمایه را پیشه کند. چرا - آنچه میا رزه و آنچه بنهید دست جوخه های مرگ خمینی بر پا در رفت. با پدا توده ها توضیح داده که چرا خمینی قادر است اینگونه دست به کشتار و سرکوب بزند. چرا خمینی می تواند اینگونه و قیحا نه دستاورد های قیام را به پای سرمایه داران قربانی کند و از اموال و ملاک محترمان دفاع نماید. چرا خمینی میتواند در مقابل توده ها قرار بگیرد؟ آری با پدا توده ها گفت که تمامی مسائل تنها ریشه در خلق و خلق و بنا بودی تشکلهای توده ها دارد. با پدا توده ها گفت رژیم جمهوری اسلامی چون هر رژیم سرمایه دار دیگری تنها آنگاه توانست گمراه - نا بودی انقلاب بنهید که خلق را خلق - ساخت کرد و شوراهای کارگران، دهقانان و - زحمتکشان را نابود و یا از محتوا تهی کرد. از این طریق و تنها از این طریق میتوان - مسیر سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی را به توده ها نمایاند. با پدا توده ها گفت تنها خلقی متشکل و مسلح قادر است بر ویرانه های جمهوری اسلامی حکومتی مردمی برپا سازد.

نمونه ای از جنایات رژیم



مجا هد شهید جلیل جعفری که فرزندان خانواده ای زحمتکش از ملایر بود، در تاریخ ۱۲ مهر را بلام اعدام میشود و بدون اینکه خبر اعدام، اعلام کرد خانواده شهید از تاریخ ۲۰ مهر پس از جستجوی بسیار جدا بین مبارزان در یکی از بیمارستانهای همدان (بیمارستان اکباتان) می یابند. و جدا و را به زندانگاهش ملایر و روستای بهرآباد میبرند. کله حسن که یکی از افراد کمیته ملایر است و صننا "خود را همه کاره روستا میداند از دفن او در قبرستان عمومی جلوگیری کرده و میگوید مردم! اجازت دفن منافق را در این قبرستان نمیدهند. مردم روستا که از جریان مطلع شده بودند همگی جمع شده (۴۰۰ نفر) و میگویند هرگز ما منع دفن جسد توده نگه اش می کنیم. ابتدا - جسد را که مردم همراهی میکردند در باغی برده و شستوی میدهند اما مردم با منظره جعفری و روزه می شوند. جای شگ گولوله در قلب شهید دیده میشود با پوشش کبود بود و روی سینه اش آثار کابل و آتش سیگار مشهود بود و نه خن شمت با پیش را کشیده بودند و کف با پیش سوخته بود. مدتی یکساعت بهمان حال روی چوبی کنه برای شستوینا ده بودند قرار داشت و مردم دستها شده و جنا پات مزدوران خمینی را مشاهده می کردند. از آنجا که این مجا هد شهید در دوران رژیم شاه مظهر مبارزه و مقامت بودشید "مورد علاقه مردم بود، مشاهده این صحنه غشم و نفرت عمیق مردم را برانگیخت و مردم می گفتند. این رژیم کس را که رژیم تا را سرنگون کردند نمی خواهد بکشد با بسوهای شاه را می خواهد این رژیم - ساواکی میخواد. جلاد میخواد و میگویند: کمیته های دزدها و ساواکی ها است جای تونست دانشجوی مجا هد و سپس در حالیکه این جملات را بصورت شعار میخواندند بسوی قبرستان عمومی حرکت کردند. شرکت گسترده مردم روستا بحدی بود که با ساران مزدور جرئت هیچگونه حرکتی را نداشتند و مردم یکجا رجه فریاد میزدند هر آنکس که قلبش تورا نشانه گرفت ما نیز قلبش را نشانه خواهم گرفت. قابل ذکر است که او در سال ۵۹ نیز توسط گمراه شروینی شید و وابسته به سپاه با ساران دستگیر شده و پس از آنکه او را به بیابانهای اطراف کرمانشا بردند و با قووقنداقی تفنگشید "مقرو و مجروح میشود و سپس به زندان سپاه برده و مدتی نیز در آنجا شید "زیر شکنجه میبرد، موفق به فرار از زندان شده بود.

رهبری طبقه کارگران پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است



مبارزات و مقاومت توده‌ها را سازمان دهیم

بررسی اشکال مقاومت و مبارزه توده‌ها

هر چند رژیم مدتهاست نبرد مرگ وزندگی خود را آغاز کرده است و تمام می‌شود و این میدان کشیده، هر چند رژیم مدتهاست تمام می‌توانش را جهت سرکوب توده‌ها بکار گرفته است اما توده‌ها هنوز وارد نبرد نشده اند. هر چند به علت سرکوب و خشونت و اغتصابی که حکومت اعدای ما در مدت نه و گشتارهای فاشیستی رژیم مبارزات آشکار و علنی و وسیع توده‌ها دچار افتی و موقت گشته است اما این بدان معنا نیست که مبارزه جریان ندارد. توده‌ها اشکال متنوع و گوناگون و جدیدی از مبارزه و مقاومت را بکار می‌گیرند. بروز خشم و کین طبقاتی توده‌ها، انتقال مبارزات مبارزات، حمایت از نیروهای انقلابی، تشکیل تداوم مبارزه، هر کجا بازگشتن به روز نویی مبارزه.

در چنین شرایطی که وظیفه ما زمانه‌ها اعتراضات و مبارزات توده‌ها و ارتقاء آن‌ها است. در چنین شرایطی که شناخت و اغتصابی هر چه بیشتر با اشکال بروز اعتراضات و شیوه‌های مختلف مبارزه - آن‌ها را پیش از پیش لزوم مبارزه، در همین رابطه ما سعی خواهیم کرد علاوه بر دیگر مطالب و مقالات موجود در شماره گذشته از مجله ما به نوعی به تشریح مبارزات توده‌ها است (مثلاً) اخبار و مقالات کارگری و روشنی‌ها را در این آموزی، سری مقالات -

آزادی و وضعیت کنونی، مقالات -
آزادی و ذهنیات توده‌ها و ... در
سلسله مقالاتی تحت عنوان بالا -
اعتراضات و خلافت‌های توده‌ها در -
مقاومت و مبارزه - که از میان گزارشاتی که بدست ما می‌رسد برگزیده می‌شود - در -
سطح جنبش‌ها و مبارزات، زیرا اعتقاد داریم همواره توده‌ها منبع الهام پیشرو در رابطه با اشکال مبارزات و شیوه‌های مبارزاتی اند. پیشرویی که تا کنون از پیش ما غنای را در ذهنیت خود نمی‌پرورد و با کشف و اختراع نمی‌کند بلکه تنها اشکال مبارزاتی توده‌ها را جمع‌بندی می‌کند، تصمیم می‌دهد، در مواقع لزوم بکار می‌بندد و آن‌ها را ارتقاء میدهد. تفاوت ما را که با سایر انواع ابتدائی و سوسیالیسم اینست که ما را که هم‌چنان جنبش را به یک شکل مشخص مبارزه محدود نمی‌کند.

ما را که به اشکال مختلف مبارزه - معتقد است، نه بدین معنی که آنها را کشف می‌کند بلکه تنها اشکال مبارزه - طبقاتی انقلابی را که در حین حرکت جنبش بطور خود بخودی بوجود آمده اند، بصورت عام جمع‌بندی می‌کند، آنها را متشکل می‌سازد و آنها را آگاهی می‌بخشد. ما را که تمام فرمول‌های انتزاعی و نسخه‌های تکنیکی را قاطعانه رد می‌کنیم و خواهان توجه کامل به واقعیت مبارزات توده‌ای است. (لنین - جنگ پارتیزانی)

تا کسی از جلوی یک کمیته می‌گذشت برای گذشتن از دست خدا را می‌گفت کمیته! یا برای امضا! یا چرا - بودند و با او برخورد همین حال را دارند و به شما فریبش می‌دهد که قیام کمیته‌ها را داشت کرده گفت اگر هر کاری کنیم مبارزات آنها را که می‌خواهند نگاری - بکنند، می‌کنند، مرد و بی‌خود خورد و بی‌عصا شیت گفت: "نخبر بگذارید تا این جوجه‌ها را در هوا بزنند؟ پس جوانی که بلوز ورزشی پوشیده بود گفت آن -

شصت هفتاد و دو جوجه‌ای که شما ها هر روز روی هوا می‌زنید چه هستند؟ من ادا سه دادم که آن مدتها محصلی که شما روی هوا زدید چی؟ زن و شوهر جوانی هم که مشخص بود وضع خوبی ندا رنده او را بحث شدند. مرد ریخته که همه را محضش دینا کت شد و اصلاً جواب نداد. موقع پیدا شدن راننده، راننده را کامل خوبتردی گفت آقا! ریال می‌شود مرد ریخته تعظیم گفت: حق تو همین قدر است در این موقع راننده ریخته سرا و سر جوان از تاکسی پیدا شده بود و به مرد ریخته را گرفته، زن جوان هم داده می‌زد. با این‌همه پولشویده، مرد ریخته که حسابی ترسیده بود فوری بقیه پول را داد، قبل از اینکه حرکتی بکند شوهر زن جوان خیلی سریع رفت پشت ماشین و طوری ایستاد که شماره ماشین معلوم نمی‌شود و گفت زوداً - اینجا دور شو وقتی مرد ریخته مسافرتی دور شد ما فرها سو او را شد و تا کسی بصورت حرکت کرد، برق شادی در چشمان یک یک منا فرین دیده میشد.

چهار روز جمهوری دودختر ما هدر این افتادگی علیه رژیم دستگیر کردند. مردم جمع شدند و سرودها می‌خواندند، با صدایان دودخترها بخون ما شین هل دادند. یکی از زنان رفروشهای کنایه با ن بلانای صله موزیک فیلم حکومت نظامی را با صدای بلند نیشن کرد بطوری که نظر تمام مردم - جلب شد. با حرکت ما شین با داران - هیجان و اعتراض مردم شدت یافت.

در درگیری‌ها با بی‌مجا هدیج جلو یک ماشین را گرفتند و به راننده‌اش گفتند: "بیا به شومالین را از ما ریم" در همین موقع بیگانی توقف کرد و راننده آن پیاده شد و سوچ را به ما هدیج داد و گفت: "مال خودتان، اگر ما لم ما ندیده شما را می‌کند و فرما ن نوشته شده است تلفن کنید من می‌آیم می‌گیرمش اگر هم ما شین با دعوت شد فدای سرتون ما هدیج دست او را فرزندند. دختر ما هدیج در صندوق عقب جا گرفت و دو نفر دیگر در جلو نشسته در یک لحظه نا پدید شدند.

یک حزب الهی در حال فروختن روزنامه و نشریه حزبی بود و فریاد می‌زد: "منا فق مزدور فرار می‌کند... در این هنگام منا فق زده را روپروا مدویا خشم گرفت: "بردا را از اینجا برو حزب الهی گوش نکرد، منا فق زده را رفت آب آورده و ریخت در آن محل، روزنامه فروشی گفت: "میدونم اصابت نا را حته" رفت چند قدم نظر - تریبا شروع به فروش روزنامه کرد. هنوز اولین شماره را نداده بود که ده‌دهای که با طنز را اینجا پهن کرده بود گفت: "خلوت کن بردا برو روزنامه فروش - مقدار می‌ساخت کرد ولی با لاف می‌چسبید و دنیا زهم مجلس را خنجر دهد، جلوه‌دهار دیگری ایستاد ما بلانای صله ده‌دها را بسیار عصا نیت گفت: "جو مدها را از اینجا برو ما فروش نمی‌کنیم".

درما ما زنده، حسین مظفر در یک کابل آموزش و پرورش سخنرانی داشتند است در این سخنرانی مردم به پشت هم حضور داشتند حسین مظفر در میان سخنرانی به مردم

پشت اشاره می‌کند که حضورشان در مراسم ختم یکی از اعدای ما (پسریک بخ فروش) گناه کرده اند. مردم پشت با نا را ختمی بلانای صله جلوس را ترک می‌کنند. در حالیکه به یکدیگر می‌گفتند: "مثل اینکه ما پسر بیخی را نمی‌شناسیم که ما حالا مده به ما معرفی می‌کنند!"

در مدرسه گوربشت گرچه اکثر دانش آموزان در راهیما می‌گفتند و در محوطه مدرسه جمع شده، ۵۰ نفر از آنها راهیما می‌گفتند که به نفع ما هدیج شعار می‌دهند. مدیر مدرسه فردای آن روز مدرسه را منحل می‌کند و اعلام شیت نام مجدد می‌دهد. انجمن اسلامی آنچنان می‌ترسد که اعلام می‌کند فقط از حزب الهی ها شیت نام می‌خورد.

دختر و پسر ما هدیج از انجمن عملیات نظامی به علت تعقیب شدن وارد کوچه‌ای می‌شوند یکی از آنها به خانه ای می‌رود و از افراد خانه می‌خواهد که به او پناه دهند. ما به خانه می‌رویم "میتوانی اینجا مخفی شوی و چند روزی پناهی ما هدیج می‌گویی؟" اینک از من با عت در دستر شما میشود فقط راه فرار را به من نشان دهید" او از راه فرار موفق به خارج شدن از محیط می‌شود. در همین حین زهوران با سدا رشی کوچه میریزند و با غلبه های متوالی دنبال ما هدیج می‌گردند مردم همگی سرکوبه جمع می‌شوند. با سدا ران با فریاد از مردم آدرسی خانه ما هدیج حساب خانه را می‌پرستند اما هیچکس جواب نمی‌دهد. با سدا ران غریبه‌گشتی خود را ادا می‌دهند اما مردم همگی به خانه‌ها می‌روند و در راه می‌بینند. کوچه‌ها که ملاخلوت میشود.

مدرسه از اول صبح شکل دیگری داشت بچه‌ها اکثراً گریه می‌کردند و با غنمی عمیق سکوت کرده بودند. علت را از یکی از دوستان می‌پرسیدم با حق گریه گفت: "...را کشتند. من او را بخوبی می‌شناختم خیلی فعا لیت می‌کرد، محبوب همه بود. ما هدیج دستگیرش کرده بودند. یکی از بچه‌ها با غنمی گفت: "انجمن ها خیلی هستند بهم تبریک می‌گویند" کشتار انجمنی ها با نفرت به بچه‌ها نگاه می‌کردند. یکی از آنها که طاقت نیاورد گفت: "اینهمه با سدا رگشته میشود یک قطره اشک هم نمی‌ریزند، بسین برای یک منا فق چه می‌کنند؟" سدا رانگ سرکلاهما بچه‌ها هنوز گریه می‌کردند و بی‌حکامه معلمی در آخر روز میگفت: "در کلاس از بیس بچه‌ها گریه می‌کردند نتوانستم درسیه هم روی تا بلوی یک کلاس با کج فرمیز درشت نوشته بودند" ای سروا ایستاده این رسم توست که ایستاده بمیری" و دوطرف آن دو گل سرخ کشیده بودند. اسم گل سرخی کا ملا درشت زیر شرف نوشته بود.

در یکی از دهات گیلان مردم برای ختم کارگر جوانی در مسجد جمع بودند. سخنران که خونگی بود به وقایع اخیر اشاره کرد و با حرکات زنده‌ای گفت: "الان اگر اینجا یک مناقق گریه با دستهای خود غنمی می‌کنم" انجمن را جا فرود مسجد همگی مسجد را ترک کردند و فقط عا نوا ده‌کارگر محمود در مسجد باقی ماند.

ساعت ۱/۵ بعد از ظهر به داره رفتیم بقیه در صفحه ۱۸

جنبش کارگری

کارخانه با بر

روز دوشنبه ۱۹ آبان حکم اخراجی حدود ۲۵ تن کارگر موقتی که برای دوماه استخدام شده بودند از طرف مدیریت فدکارگر این کارخانه به آنان داده شد.

کارگران موقتی که دوماه کارشان را دوره آرزویشی تلقی نموده و منتظران داد شدن مزدی حکم استعفا مدامی خود را در یافت کنند. اینک با اخراج غنود روپرو می شوند (لزم به با در آوری است که موقتی ها دوره قبل بعد از سه ماه دوره آرزویشی استخدام شدند) این عمل حسنی شفر و همکارها بر کارگران را برانگیختند. آنها میگفتند: "آن نوی این بیگاری - اخراج کارگران کار ری فدا نقلی است - تا موقتی که خودشان را احتیاج دارند ما را به بند می کنند و هرگاه که کارشان تمام شد اخراج میکنند و زندگی کارگر مگر با زبچه است که با نظور به ما زیش میگیرند" چرا که آنان به آنها اجازه میدهد که جنبش کاری بکنند.

اینک دوستان کارگر ما در کارخانه با بر در می بیند که این اقدامات طبق قانون جمهوری اسلامی است و با رژیم جمهوری اسلامی رژیم سرما به آزان بر کار است این اخراجها بی عدالتیها ادامه خواهد یافت و در انتظار یک یک کارگران خواهد بود.

کارگران با بر با پیدا اتحاد خود در مقابل این اقدامات با بستند و سعی نسا بخدا خراجی ها را به سر کار با زگردا تند

و با تشکیل صندوق بیگاری و کمک مالی به اخراجی ها مبارزات آنان را تداوم بخشند.

گفتی مل...

اغیرا از جانب هیات مدیره یک بیانیه انضباطی برای کارخانه های ملی الوند آذربین داده شده است. شباهتهای زیاد این بیانیه با قوانین انضباطی زمان شاه، بیگاری و بیگاری هیت سرما به آزان و فدکارگری رژیم را به نمایش میگذارد. این بیانیه شامل توضیحات غیبت ها و تخلفات می باشد و در این بین یکی از موارد تخلفات درجه یک، تشدید جلب نظر میکند. این مورد "توهین به جمهوری اسلامی و مشوش کردن ذهن کارگران - نیت به جمهوری اسلامی است که بی اختیار انسان را به یاد گذشته غمی قبل از قیام می بخشد و هرگز می گفت: "بچه ها (رژیم شاه را شن) فکر می کنند که هر کسی گفت من مخالف سلطنت شما هستم، با بسند بر زندان یا اعدام شود"

شیر (صنعتی الوند)

در پی اعدایهای مکرر رژیم چنانیکار غمی، فرزند یکی از کارگران این کارخانه نیز اعدام میشود. کارگران برای اظهار همدردی با همکارشان که فرزند مبارز را از دست داده بود، دسته دسته بی توجهی به تهدیدات و جوار غنائی - تو دهنی می کنند به رژیم سرما به آزان میزند، فدای ایروز یکی از کارگران شروع به صحبت می کند و ضمن افتای رژیم به تشریف و تمجید از ما نهایی نقلی

می برد از روز بعد سها به آزاران با - بوش به کارخانه بچندن از کارگران را دستگیر می کند. در پی اعتراض کارگران و از آنجا که این افراد از موقعت شغلی خاصی برخوردار نبودند پس از ۱۲ روز تحت فشار مدبرکارخانه از آنجا میروند.

کارخانه فرینج (صنعتی البرز)

در هفته اول مهر ماه کارگران اعتراضی به اخراج ۲۰ نفر از همکارانشان دست به اعتصاب زدند. جرم این ۱۲۰ نفر صامت از کارگران شرکت کننده (نظرات کارگران شهر صنعتی می باشد. (نظرات کارگران و اخراج خود را در اعتراض به ترور و اختناق انجام شده و با بسورش با آزاران سرما به خون گشوده شد) کارگران در اعتراض به اخراج همکاران مبارزان می گفتند: "مروز اینها را اخراج میکنند، حقنا" فردا شویت ما است" عوامل سرما به که فکر می کردند با اخراج این ۱۲۰ نفر دیگر کارخانه با حرکت اعتراضی جدیدی روپرو نخواهند شد. این اعتصاب مدت ها میبهرت شده بودند - اما راه دیگری وجود نداشت، اینان نیز در نبرد مرگ و زندگی که رژیم ما میسر سرما به آزاران آغاز نموده است با گذارده اند و راه برگشت ندارند. اینبار نیزه نظرات شروع کنندگان اعتصاب اخراج میشوند و اعتصاب کارگران با شکست روپرو شد. کارگران در صحبت ها می که با همدا شدند و وحدت و شکل نداشتن گله می کردند. آنها میروند تا با تاجار جدید و بر طرف کردن اشکالشان غروبی تا زهای را از زمان دهند.

فرما بی در مقابل این عمل قادر نیست بهش بردن اعمال فدکارگری اش نمی شود.

در گزارشی از یکی از با لاینگاها - آمده است در بین کارگران کم کاری بطور چشم گیر دیده میشود، کارگران این کم کاری را بطور آشکار نشان میدهند که هم برای مدیریت و هم ضمن وسپناه روشن می باشد. بطور مثال تصمیمات کلی دوندنگاه حدود دو هفته عقب افتاده که خود نشانگر کم کاری و نارسایی کارگران از اقدامات اخیر و رژیم کارگری نفت منبأ شد. این کم کاری در واحدهای چون عمل و نقل و کارگاه مرکزی بطور زیاد دیده میشود. کارمندان نسبت به این شده میا رزه کارگران نشه تنها عکس العمل مخالفی نشان نداده اند بلکه در آنها گرایش همگاری با کارگران وجود دارد.

در کارخانه ای کارگران دست به تشکیل صندوق وام زده اند. اینکارا پس عمل تنها با از خود کارگران است. تقصیر اینکه کسی احتیاجی وام ندارد توسط شورای صندوق گرفته میشود. دست انجمن اسلامی و کارفرما کاملاً از این صندوق کوتاه است. در یک قسمت کارخانه - کارفرما میخواسته صندوق شود که کارگران مخالفت کرده اند.



عامل فروش مرغ در منطقه بروند، یکی از زنها میگفت "الان ملکت، مملکت الله اکبر است پس الله اکبر بگوئیم و برویم تا مرغها را از حلقویش بیرون بکنیم" زنها جمعا "بیرا افتادند."

در مورد سه دولتی دولت کارمندان توسط با سدا رستقر در مورد سه به کمیته معرفتی و به جرم "تا به پراکنی" دستگیر میشوند. پس از دستگیری مستخدمین - راننده ها و کارمندان اداره به طرق مختلف به این عمل اعتراضی می کنند. کارمندان در عین حال به با سدا رباغاش می کنند و علناً کار را وررا محکوم میکنند. دستگیری با اسلام و علیک نمی کنند و عکس العمل همه نسبت به او عوش شده است مستخدمین و به موسی راننده ها حتی با - یکدیگر راجع به کتک زدن اولویت میکنند طرفداران این با سدا رباغاش شده میشود که حتی ۳ نفر از زنها انجمن اسلامی که یکی گارمند و در نظر مستخدمین با اوچر و بحث می کنند و زد کردن گزارش به کمیته را شدیداً تقبیح می کنند. یکی از همین انجمن اسلامی می ها به با سدا رباغاش - با این کارها بیت اسلام را بدنام کرده ای در اثر برخورد های کارمندان و مستخدمین با سدا رباغاش است سعی میکنند ملاقاتی شود.

در کارخانه ای برای اخراج ۳ کارگر انجمن اسلامی می ها طرما رجم می کنند و با گرفتن اخطا از طرف کارفرما را خودخواهان اخراج آنها میروند و طرما را به شورای فرما بی خود میبرند. خردای آرزو ۳ کارگر میروند مای میخوبینند بدین مضمون که "ما اخطا کنندهگان زیر این ۳ نفر را از نظر کار و اخلاق تا شیب می کنیم و ما خرابه اخراج آنها نیستیم" ۶۷ نفر با ما اخطا می کنند. شورای

مبارزات و مقاومت

بقیه از صفحه ۱۷

جلوی درنگهان در حال با زدید بدنی گفت "اگر چیزی داری به من بده" من که متوجه نشدم گفتم "چی" گفت "اگر چیزی داری بده من با سدا رها اینجا هستند" گفتم چیزی ندارم در همین موقع در داغلی با زشدیک نفر گفتم "فرما شید برادر من داخل رقت، دوپا سدا ر بودند که پس از گرفتن کارتمنگاهی به آن کرده گفتند "شما فردا به با زسی بروید" گفتم "چرا؟ با سدا رها عصبانیت گفت چرا ندارد برو" سدا زکی جریوت بیرون آمدم. بنزمتکی رنگی با ۲ پا سدا ر شروع به تعقیب من کردند. داخل یک فروشگاه ایزارما شین شدم. با سدا رها کسی جلوتر ایستا ندیده من نگاه میکردند. در حالی که چشمه ما شین با سدا رها بود گفتم "اقتاسیم با طری ندارید" مغازه دار متوجه موضوع شد و سرش را تکان داد و شروع به صحبت کرد "ا کارگران شده، سرسیم پیدا نمیشه من هم همین را میخواستم در این موقع کامیون بزرگی پشت بنز ایستا دوبوق زد، بنز میبور شد کسی جلوتر برود. میبردیکه کامیون جلومنازه را گرفت بیرون پریدم. دکاندار رکست "موفق باشی" ازلی ما زمینها به آن طرف خبا بان رفت و فرار کردم.

در شا دهروز زنها محل برای گرفتن مرغ صاف بسته بودند. مرغ که تمام شد شخصی کارتا را شاره گرفت. از مرغ - فروشی دیگری مرغ بگیرند. زنها به مغازه دیگری میروند. اما متوجه میشوند آنجا هم مرغ تمام شده است. اعتراضها با لامیکر دوهر کسی چیزی میگوید - با لایحه هکی تصمیم میگیرند به خانی

اخبار شهر ستانها

مروءت - به نقل از غرور - شریفی
هواداران سازمان چریکهای فدائیس
خلق ایران - شیراز - شماره ۹

در روز ۱۳ آبان مزدوران سازمان
یکی از هواداران مجاهدین را که به
اعدا محکوم شده بود به منظور اظهار
در حضور مزدور به میتنگ فرمایش آورده تا
فرد به سوی برای آنان سخنرانی کرده و
از احوال خود اظهار نیکی نماید !!
سپس وی در جایگاهی که جهت سخنرانی
شبهه شده بود قرار میگرفت و در حالی که
اطراف او را هواداران سازمان به گریه
بمقتضای روحیه محبت میکند وی پس از
آثار دهنه ما معروضات اما محبت
میا فراید:

آبا عمداً نید حسین های دوران مبنا
چه کسان هستند؟ و در حالی که مزدوران
سرمایه شما منتظر جواب مناسب بودند
مجاهد لیر می گوید:

حسین های دوران ما هزاران مبارزی
هستند که در زندانهای ایران توسط رژیم
ضد خلقی به جوخه های اعدا سپرده میشوند
با گفتن این جملات اکثریت کسانیکه
در مراسم شرکت کرده بودند بمناوتان
شروع به تکبیر گفتن میکنند با سدا ران
سرمایه که به هیچ وجه انتظار چنین حادثه
- ای زاندا شدند شاه گارشان نقش بر
آب شده بود، از شدت خشت و زبونی ایمن
مجاهد قهرمان را به زیر کشید و با حملات
وحشیانه خود به جان او افتاده و وی را خیلی
سریع از محل تجمع دور می کنند.

هواداران سازمان... در یکی از
روستا های اطراف "هرم" که در قسمت
کیلومتری جنوب بوشهر واقع شده است
شماره های سازمان را دیوار نویسی کردند.
- سبها با سدا ران طبق برنامه قبلی
کلان گار موزی - آیدشولوزی نهیست
سواد موزی بوشهر را محاصره و بعد از هجوم
به کلان، اسامیل محمدی مسئول امور
تربیتی بوشهر را که یکی از چند عضو برجسته
تربیتی حزب جمهوری اسلامی بوشهر و
رئیس مسئول تنظیم اجنادیه انجمنهای
اسلامی مدارس و فکالتهای اطراف
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی است در
جلو چشمان متهمین کارآموزان دستگیر و بعد
از ضرب و شتم فراوان چنان او را بستند
و به پستانداری ندهی سبها و از آنجا به پستان
سبها هدایت میکنند. روز بعد که آزادی
اسامیل محمدی خبری نشود، اجدادیه
- های انجمن های اسلامی مدارس شورا
های محلی بسیج های محلی بعد از مشورت
اعلامیه ای در سطح شهر پیش میباشند که در
آن به وجود میماند و فدا انقلاب در -
سبها با سدا ران بوشهر را رهشده و با
اسامیل محمدی را چرکی فدا انقلابی و
نتیجه قدرت طلایی و انحصار طلایی عناصر
مفکوک سبها قلمداد نمودند. فدا نشینان
ایلام نیز در همین زاویه اعلامیه داده و این
حرکت سبها را مفا بر با قانون اساسی
خوانده است. در جواب این اعلامیه سبها
سبها با سدا ران این حرکت را حساب شده
و وابسته به خطای و جریانات باطل و ضد
و لایت فقیه خط انام و سبها میاند و
خواستار طلع نلاج تمام شورا های اسلامی
و بسیج های محلی و رجمه فدا نشینان سلام
میگردد که موجب برخورد های دشمن
میگردد. بسیج های محلی متحرک شده
و از تحویل سلاح به سبها استنکاف می نمایند
در مراسم روز جمعه ۶۰/۷/۲۲ درگیری

- ها شی بین مخالفان و موافقان اسامیل
محمدی روی میدهد. طرفداران او دست به
یک راهبیمانی میزنند که عده ای از
اعضای سبها با سدا ران که بومی هستند نیز
در آن شرکت و فرود فرما نده سبها با سدا ران
بوشهر "هفتای" شمار می دهند که توسط
سبها هفتا سازی و روز بعد حکم تخلیق و -
تراجع به پستاندها به آنها داده میشود از -
جمله شخصی به نام زرمول یا حسین.
چند روز بعد حکم آزادی اسامیل -
محمدی ها در می شود اما او از خروج امتناع
نموده و خواستار بررسی مسئله با زدا نشین
میشود.

هواداران محمدی گفتند اندک در مدت
این هفته یعنی تا آخر روز جمعه اول آبان
هیشتی از تهران برای بررسی و پاکسازی
سبها به بوشهر تشریف به دیوارس را حفظ
خواهند کرد.

مدارکی از همکاری های گذشته (قبل
از قیام اسامیل محمدی، طلیل محمدی و
سید مظلومی حسین (معم) در دست است که
مبلغ قابل توجهی از انجمن ضعیف ثابت
سابق صیف و میل کرده اند و با لایحه از
این مدارک میخواهد بر علیه آنها استفاده
نمایند.

۱ - در نماز جمعه ۶۰/۸/۷ بوشهر امام
جمعه در بخشی از سخنانش میگوید: ... من
آمده ام اینجا که در مورد اعدا مهاشی که
صورت گرفته توضیح و برای مردم توضیح
کنم. این کسانیکه اعدا شده اند افرادی
ما زمان با فتنه و تشکیلاتی بودند و اکثر
آنها در خانه های شخصی دستگیر شده بودند
... در اسلام با کسانیکه به تشکیلات
مسلحانه دست میزنند چهار برخورد ذکر شده
است ۱- اعدام ۲- قطع قطعه کردن دست
و پا ۳- بدار و بستن ۴- تبعید چون -
لینها بطور تشکیلاتی عمل میکنند ما هم
طی نشستی که با مسئولین اعدا شده ایم تصمیم
گرفتیم متقلاً تشکیلاتی کار کنیم و اگر
میخواهیم بطور جداگانه با اینها مقابله
کنیم شکست میخوریم ... مردم از این
اعدا مهاشی تا راحت شوند همچون
اینها تصمیم به تادیب و اسلام گرفته اند
و ما هم تصمیم به تادیب آنها گرفتاریم.
اگر آنها بکنند ما را ترور کردند ما صد
نفر از آنها را اعدام کردیم ...

۲ - در پی اقدامات جنایتکارانه رژیم
مبنی بر اعدا مهاشی دسته جمعی با زهم در
بوشهر در تاریخ شب ۲ آبان و بطور متداول
در شبهای دیگر گروه های زحمتکش این
شهرها دهکشته شد ۲۸ نفر از جوانان
روزنامه این استان بوده اند که در میان
اعدا شدگان و نفرات آن دختر بوده و
همچنین دوبرادر به نامهای محمود و شاه
- الله دشمنی از اعضای فعال تشکیلات
اکثریت در بوشهر بوده اند و این نشانی
میدهد که رژیم به مزدورانش هم رحم نمیکند
اعدا مهاشی اخیر که به بطور مضمونی صورت
گرفته بود اما صبح فردای آن روز هم
اعدا مهاشی در شهر شنیده میشود بر سر پا
بود و توده ها با فحش و دشنام تفرق خود را
از رژیم نشان میدادند. همچنین طبق
اخباری که از درون زندان آمده است
خونخواران رژیم در شب ۲ آبان که ۱۲ نفر
را به جوخه اعدا میسبها رندا بتدای نزدیک
به یک ساعت به پای های آنان شلیک میکنند
و از این طریق آنان را اذیت و شکنجه
میدهند و بعداً جوانان شمرده اند که از خان
خلق را به رگبار می رندند.

۳ - خبری از آب انبار سیف - قلی
آب انبار سیف بدین صورت است که آب
آب انبار در جنوب شرقی شهر تیره
روستای گورک در چند کیلومتری آن واقع
شده است. از این آب انبار متروکه رژیم
ما کم برای پنهان کردن اجساد انقلابیون
استفاده می نمایند. در جریان اعدا مهاشی -

پی در پی آبان ماه چند نفر از اهالی
آن روستا در بروجرد با آب انبار سیف بوی
متملنی را به متنا خود خسی میکنند و سبها
نزدیک شدن و رسیدن به آب انبار را گمان
چند نفر از جوانان را می بینند که به دلیل
سوراخ سوراخ بودن به نشان هیچکدام
قابل تشخیص نبودند. این خبر بلافاصله
فردای آن روز در همه جا و در شهر بوشهر
پخش میشود. رژیم خونخوار و سفاک جمهوری
اسلامی بلاد رنگ اقدام به نقل و انتقال
اجساد میکند. در روزهای اخیر شایع شده
است که رژیم برای دیگری را برای پنهان
کردن اجساد انقلابیون انتخاب کرده و آن
مکانی است در نزدیکی شهرگاه آبی در
بندگاه. در آن منطقه دره های دامنه آبی
وجود دارد که رژیم برای پنهان کردن آثار
جناپاتی از آن سود میجوید اما رژیم
قابل از آنست که انقلابیون هم قلی
توده ها جای دارند. حال اجساد آنها در گنبا
نگه با شدت فتنی نمیکنند. در بوشهر ۱۴ -
آبان تا کنون ۶۰/۷/۲۰ در حدود ۲۸ نفر
اعدا شده اند ولی اجساد هیچکدام بر اید
ظانواده ها پنهان شده اند. به جز آن
دو نفر که برخی آنها را تحویل دادند
پول. دلیل اینکه اجساد را پنهان کرده اند
نشانه وجود تشکیلات و رگنه و وحشیانه بر روی
اجساد میباشد.

۴ - در نماز جمعه ۶۰/۸/۲۱
بدن اعدا مهاشی از هواداران -
مجاهدین خلق سبها از ساعت ۱۰ به مدت
۵ روز عملاً حکومت نظامی برقرار میشود.
ولی روزها قبرستان پر از رفت و آمد
و برای دیدن قبر اعدا مهاشی میباشند.
مخصوصاً دانش آموزان موقع برگشتن از
گورستان چنان نشان گریان بود. و بعضی
در جواب سئوالات میگفتند: این شهدای
که به خرمدره میروند ما میمانیم خیر -
میدانیم هیچ گناهی ندا شدند از اینجا
معلوم میشود که طرف قدرت طلایی حکومت
کردن به مردم جوانهای مردم را میکنند و
یکی از شهدای کم سن و سال بنام مهره
بوسفی وصیت نامه ای نوشته بود و در لپاش
مغنی کرده بود و درش موقع دفن پستان
میکند. در یک قسمت وصیت نامه نوشته بود:
ما در جان لیک سبهای خوبی را نگهدارید -
برای روزی که مردم انتقام ما را از این
ظالمان خواهند گرفت.

۵ - بعضی تارک شدن هواپیشرگان
کومله و اردشهر شده و بعد از دستگیری و
فایج کردن ۸ نفر از جاشهای محله جاشی
- آبا در محله را به تصرف خود در آورده
و بعد از ساعت با خواندن سرودهای
(ای رقیب او (هیزی گل) گدا مالی محبل
نیز همدا شده بودند و شام را در منزل
را به ادا نه میارزده تشویق نمیدادند. سبها
پرنابنا رتجک بدخل منزل یکی از
جاشها دونفر (زن و شوهر که هر دو جاش -
بودند) را گرفته و یک جاش دیگر را در محبل
اعدا انقلابی میکنند. مزدوران رژیم که
در شام مدت شب چراغ بپروان آمدند -
ندا شده و رژیم را رهشده و به اذیت و آزار
مردم پرداختند و حدود ۷ نفر از جوانان
خطه را دستگیر کردند. انگیزه حملات
پیشرگان کومله به طر شهید شدن یکی از
رفقای کومله (رفیق فخره) بود که چند روز
قبل جاشها آفریده بود. رفیق فخره برای
دیدار با خا تواد به روستای نوره میروند.
مزدوران بعد از مطلع شدن روستا را
محاصره کرده و درگیری آغاز میشود. پیشرک
قهرمان کومله بعد از چند ساعت بقا و دست
و گشتن ۶ مزدور زنی نمودن ۷ نفر
از آنها خودکشی میکنند. مزدوران رژیم
بعد از کشتن برادر ۶۲ ساله اش خانها و را
بسیه در ضلع ۱۱

اگر سلسلی بدوش داشتیم

اگر قلبی به بزرگی فریاد داشتیم ،
اگر قلبی به بزرگی عشق داشتیم ، اگر
قلبی به بزرگی تنفروخشا زقا لمین
داشتیم ، اگر با لبی برای پیکشیدن داشتیم ،
برای دوش داشتیم ، اگر سلسلی بر سر
دوش داشتیم ، اگر چریک خلق بودیم ، دشمن
انسان با تمامی نفرت انباشته شده در
قلبیم ، با سنگینترین قدمها به ما نشوید
- ترین مشتها به ما عزم سلسلم و بسا
قلب سرا سر نرم تورا نشانه می گرفتیم ،
دشمن انسان اگر می داشتیم ، اگر دوشمال
پیش نیز میزد ، انستم که چگونه لالهها میوخ
را می چید و بر سر سرفره رنگینتانی میس
گذارد ، اگر می داشتیم که چگونه خوشی
را که از قلب سر بر نکشیده ای نوزان -
زده در کیلایا می بلوریتان میزد ، بسو
بر سر سرفره رنگینتانی می گذارد ، اگر
می داشتیم که شما گوشت تن فرزندان -
خلق را ، میز سزانا سزا ، قلب آنان را ،
قلب دریده آنان را در پیشانی بر سرفره
می گذارد ، فریاد می کردیم ، به خلق می گفتم
به کارگر به دهقان ، به خواهر و برادریم ،
به همسایه ، به دهکده و روستا ، به بیقال
سرکوب می گفتم که تنها و تنها خون ما و
عزم ما و فداکاری ما پشتوانه انقلاب
نیست که رهبری طبقه کارگر .

طبقه کارگر میتواند به همراه خون مائیدایم
بخش بیروزی ما باشد ، آری به ما زنی -
نخستگان ، آری جلادان انسان ، آری -
دیوان انسان شما ، خلق بیدار است ،
خلق دیگر هرگز به خوا بهای طولانی نخواهد
رفت ، خلقی که انقلاب را شروع کرده
تداومش خواهد بخشید ، چرا که خلق سازش
- کار نیست ، خلق که در سازش بسا
امیر با لیستها منافی برای خود نمی بیند ،
خلق هرگز تا رنگارنگ نیست و تا مخلق را -
و شقیه جنا بشها و سازشهای خود نکند چرا
که هر قدر بیشتر زنا مخلق بر علیه خلق
بهره برگیرد ، خلق نیز بزود میزود بسا
عزمی بیشتر ، با قلبی پر شورتر ، بسا
کینه ای سرشارتر ، با آگای هو چشم اندازی
وسیعتر ، سخت و تا چاق تدا رتان را درهم
خواهد کوبید و آنچنان جوا بیخوب طلبان
و مزدوران را خواهد داد که خود پیش از -
این آن هنگام که خون خلق را وسیله به
حکومت رسیدن خود ساخته بودید به چشم
خود دیده آید .

پس ای توده های معروم
مشتی خواهید شد ، گره کرده ، روبه سوی
جلادان
پس ای مشت های گره کرده
سلسلی خواهید شد روبه سوی دژ غمان
پس ای رفقای دربند
آزادخواهید شد ، آزادخواهید شد ، آزاد
خواهید شد
یک معلول انقلاب

اعمال فشار فرهنگی و اجتماعی به اقلیت های مذهبی ،

خشم آنان را به مرحله انفجار رسانده است

اعتمادات و اعتراضات دانش آموزان
ارمنی ، زرتشتی و کلیسی

رژیم جمهوری اسلامی به موازات طلب
حقوق از تمام اقشار و طبقات جامعه و محو
کلیه آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک
مردم ، با اطراد در ترویج و حکومت بخشیدن
به مذهب شیعه فتا رزانشدا لوصفی را به
هموطنان ما اعمال میکند . در این میان
فتا رهای فرهنگی و اجتماعی به نام اوسن
مختلف به اقلیت های مذهبی اعم از -
هموطنان اهل سنت و بخصوص اقلیت های
غیر مسلمانی به شدت در ترویج وجهی اعمال
میشود .

صرف نظر از تبعیضاتی که در قانون -
اساسی و سایر قوانین (نظیر قانون -
قضا) نسبت به اقلیت های مذهبی ایران
اعمال شده ، بویژه در جای خود به نظر بر خورد
کرده ایم ، و در واقع هموطنان غیر شیعه
به عنوان شهروندان درجه ۲ و ۳ محسوب میشوند
اخیرا اعمال فتا رها تشدید شده است .
بسیار اجتماعی این تبعیضات در همه جا به
چشم می خورد بطوری که با این هموطنان
به عنوان "جنس بر خورد کرده و در مسوا ردی
آزورود آنها به فرونگا های گوشت مواد
غذایی جلوگیری بعمل آمده است اما
در زمینه تمدن فرهنگی و قانونی و حکومتی ،
مدور بخشنامه وزارت آموزش و پرورش
در باره مدارس اقلیت های مذهبی است .
بموجب این بخشنامه کلیه حقوق فرهنگی
اقلیتها که حتی بموجب اصل ۱۴ و ۱۵ -
قانون اساسی برای اقلیتها بر رسمیت
شناخته شده است زیر پا گذاشته شده ، از -
جمله اینکه مدارسی جداگانه برای -
اقلیتها نباید وجود داشته باشد و اقلیتها
حق ندارند زبان مخصوص خود را ایجاد
بگیرند و قرائین مذهبی خود را بسا

ببیاورند .
اما مدورا بین بخشنامه موجی از خشم
و نفرت را در میان اقلیتها بگشود دانش
آموزان مدارس برانگیزت و اعتراضات
وسعی از طرف دانش آموزان ارمنی و
اولیا آنها بعمل آمد تا اینکه آموزش و
پرورش بر اساس مذهب بخشنامه ای اعلام کرد
که با دگیزی زبان اقلیتها بلا مانع است
(البته بطور فانی گفته اند ، این امر
را میتوانستند در خارج از مباحثات معمول
مهره آنها بدهند) ، اما این توضیح -
وزارت آموزش و پرورش که دردی را دوا -
نمی کرد تا شهری در فر و گش اعتراضات
نکرد و آنها اعتراضات با لا گرفت تا اینکه
از روز سه شنبه سوز آذر ماه حدود ۲۰ مدرسه
مناطق بهار را منته و چند مدرسه دیگر متعلق
به سایر اقلیتها ای سوری ، زرتشتی ، و
کلیسی در تهران بحالت اعتصاب در آمد
و تا کنون (شنبه ۱۸ آذر) ادامه دارد .
این اعتصابات و اعتراضات بگیا وجه از
حمایت بی نظیر اولیا دانش آموزان -
و کلیه افراد جوامع اقلیتها برخوردار -
بوده است .

فک نیست که رژیم جمهوری اسلامی
با اجرای برنامه های ضد دمکراتیک خود
هر روز تبعیضات و فتا رهای بیشتری را به
هموطنان ما وارد میکند تا تنها و تنها
راه مقابله با این اعمال ضد بشری -
مقاومت و تشدید مبارزه در مقابل
کلیه اعمال ضد خلقی رژیم است و -
اعتراضات و اعتمادات اخیر اقلیتها
گواه بارز این مسئله است .
ما ضمن محکوم کردن اعمال فتا رهای
رژیم که سلب اولیه ترین حقوق بشری -
است از خواستهای بحق این بخش از
هموطنان خود نمیدانیم نه دفاع می کنیم و
موقفیت آنان را خواستاریم .

پاکستان ، کراچی

به مناسبت گرامی یادداشت روز دانش -
آموز ، تظاهرات مشترکی از طرف انجمن
دانشجویان ایرانی (این انجمن تشکیل
است شامل کلیه دانشجویان چپ ایرانی
از جمله هواداران سازمان) و هواداران
مجاهدین خلق ایران در دانشگاه کراچی
صورت گرفت .
در این تظاهرات که بیش از صد نفر
شرکت داشتند ضمن تجلیل از روز دانش
آموز ۱۳ آبان ، جنایات رژیم خونخوار خمینی
را افشا ساختند .
تظاهرات کنندگان در مسیر راهیما شی
با مشت های گره کرده شعارهای آزادی
" مرگ بر خمینی " " مرگ بر امپریالیسم "

" مرگ بر امریکا " ، " غذا ما را در ایران
متوقف سازید " و به سه زبان فارسی
و اردو و انگلیسی می دادند که با استقبال
وسیع دانشجویان سا پر کشورها و بخصوص
دانشجویان بلوچ پاکستانی روپوشد .
قابل توجه است که شب قبل از تظاهرات
فوق ، هواداران سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران ، شعارهای سازمان را بر سر
دیوارهای دانشگاه کراچی نوشته بودند
که توجه همه را بخود جلب کرده بودند .
در پایان تظاهرات قطعه نامه قرا شد
شده در آن علاوه بر محکوم کردن قتل -
عامها و توضیح وضعیت داخلی ایران ،
پرده زخورد سلحه های اسرائیلی و بستن
قرا دادها امیر با لیستها توسط رژیم
جمهوری اسلامی بر می داشت .

مبارزات و مقاومت توده ها را سازمان دهیم

در صفحه ۱۲

زندانی سیاسی آزاد باید گردد ، شکنجه و اختناق نابود باید گردد